عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق

نویسنده: حضرت آیت الله صافی

بسم الله الرحمن الرحیم

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق یا ماه مبارک رمضان

نویسنده:

آیت الله شیخ لطف اللّه صافی گلپایگانی

ناشر چاپی:

دفتر آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق یا ماه مبارک رمضان

مشخصات کتاب

سرشناسه : صافی گلپایگانی، لطف‌الله، ۱۲۹۸ -

عنوان و نام پدیدآور : عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق یا ماه مبارک رمضان/لطف‌الله صافی گلپایگانی.

وضعیت ویراست : [ویراست ۲].

مشخصات نشر : قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری : ۲۸۷ ص.

شابک : ۷۵۰۰۰ ریال:۹۷۸-۶۰۰-۵۱۰۵-۸۵-۸

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : چاپ قبلی: صدر، ۱۳۵۳.

یادداشت : کتابنامه: ص. ۲۷۰.

یادداشت : نمایه.

عنوان دیگر : ماه مبارک رمضان.

موضوع : روزه (اسلام) -- فلسفه

موضوع : رمضان

موضوع : روزه (اسلام)

رده بندی کنگره : BP۱۸۸/۱/ص۲ع۲ ۱۳۹۲

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۵۴

شماره کتابشناسی ملی : ۳۴۳۶۲۸۱

مقدمه

الْحَمْدُ للهِ رَبِّ الْعَالَمِين وَالصَّلوةُ عَلی سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا ابِی القاسِمِ مُحَمَّدٍ وَعَلَی آلِهِ الطَّاهِرِين

يـآ ايُّهَا الَّذِينَ آمَنُوْا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَما كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ أَيَّاماً مَعْدُودَات فَمَن كَانَ مِنْكُم مَّرِيضاً أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ ايّام اخَرَ وَعَلَى الـذينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعـام مِسكِين فَمن تَطَوَّعَ خَيراً فَهُوَ خَيرٌ لَهُ وَان تَصُومُوا خَيرٌ لَكُمْ انْ كُنْتُم تَعْلَمُونَ (بقره/ ۱۸۳- ۱۸۴)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، روزه بر شـما مقرّر شده است؛ همان گونه که بر کسانی که پیش از شما [بودند] مقرّر شده بود، باشد که پرهیزکاری کنیـد. [روزه در] روزهای معدودی [بر شـما مقرّر شده است . [ولی هر کس از شـما بیمار یا در سـفر باشد، [به همان شماره تعـدادی از روزهای دیگر [را روزه بدارد]، و بر کسانی که [روزه طاقت‌فرساست، کفّاره‌ای است که خوراک دادن به بینوایی است. و هر کس به میل خود، بیشتر نیکی کند، پس آن برای او بهتر است، و اگر بدانید، روزه گرفتن برای شما بهتر است.

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۴

شَهْرُ رَمَضَـانَ الَّذِیَ أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُـدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُـدَى وَالْفُرْقَانِ فَمَن شَـهِدَ مِنكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُـمْهُ وَمَن كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى

سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُواْ الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُواْ اللّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (بقره/ ۱۸۵)

ماه رمضان [همان ماه است که در آن، قرآن فرو فرستاده شده است، [کتابی که مردم را راهبر، و [متضمّن دلایل آشکار هدایت، و [میزان تشخیص حقّ از باطل است. پس هر کس از شما این ماه را درک کند باید آن را روزه بدارد، و کسی که بیمار یا در سفر است [باید به شماره آن،] تعدادی از روزهای دیگر [را روزه بدارد]. خدا برای شما آسانی می‌خواهد و برای شما دشواری نمی خواهد؛ تا شماره [مقرّر] را تکمیل کنید و خدا را به پاس آنکه رهنمونتان کرده است به بزرگی بستایید، و باشد که شکرگزاری کنید.

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۵

ا للَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمِّدٍ وَآلِهِ، وَالهِمنا مَعرِفَةَ فَضلِه وَاجلالَ حُرْمَتِه والتَّحفظَ مِمّا حَظَرتَ فِيه وَاعِنّا عَلى صِيامِهِ بِكَفِّ الجَوارِحِ عَن مَعَاصِيكَ وَاستِعْمالِها فِيه بِما يُرضِيكَ حَتَّى لا نُصغى بِاسماعِنا الى لَغو وَلا نُسرع بِابصارِنا الى لَهو وَحَتّى لانَبسط ايدِينا الَى مَحظُور. وَلا نَخطُوَ بِاقدامِنا الى مَحجُور وَحَتّى لا تَعِي بُطُونَنا الّا ما احلَلتَ، وَلا تَنطِق السِنَتَنا الّا بِما مَثَلتَ، وَلا نَتكلف الّا ما يُدنِي مِن ثَوابِكَ وَلا نتعاطى الّا الذى يَقى مِن عِقابِكَ ثُمَّ خَلِّص ذلك كُلَّه مِن رِئاءِ المُرائِين، وَسُمعَةِ المُسمِعِين، لا نَشرَكُ فِيه احداً دُونَكَ وَلا نَبتَغِى فِيهِ مراداً سِواكَ ۱]

خدایا بر محمّد و آل او درود فرست؛ و شناختن فضیلت این ماه و بزرگ داشتن حرمت آن و خودداری از آن چه در آن حرام کرده‌ای را به ما الهام فرما و ما را بر روزه آن به وسیله نگاه‌داشتن اعضا از معاصی و به کار بردن آن‌ها به چیزی که تو را راضی

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۶

می‌سازد؛ یاری کن تا آن که با گوش‌هایمان [صدا و سخن لَغْوی را نشنویم؛ و با دیدگانمان به سوی اعمال سهوی شتاب نکنیم و دست‌های خود را به سوی حرام دراز نکنیم. و با قدم‌هایمان به سوی کاری که ممنوع شده، نرویم و شکم‌هایمان را غیر از آن چه تو حلال کرده‌ای نگاه ندارد و زبان‌های ما را جز به آن چه تو حدیث کرده‌ای، گویا نشود و رنجی متحمّل نشویم؛ مگر در آن چه ما را به ثواب نزدیک می‌کند و جز آن چه از عقاب تو نگاه می‌دارد، فرانگیریم. سپس تمام این اعمال را از ریاکاری ریاکاران، و سمعه سمعه‌کنندگان، خالص ساز که احدی را در آن شریک تو قرار ندهیم و غیر از تو به آن مرادی طلب ننماییم.

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۷

اللّهُمَّ قَد حضَرَ شَهرُ رَمَضان وَقَدِ افتَرَضتَ علَينا صِيامَه، وَانزَلتَ فِيهِ القُرآن هُدَى لِلنّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ اللّهُمَّ اعِنّا عَلى صِيامِهِ اللّهُمَّ تَقَبَّلْهُ مِنّا وَسَلِّمْنا فِيه، وَتَسُلَّمهُ مِنّا فِى يُسر مِنكَ وَعافِيَةٍ انَّكَ عَلَى كُلِّ شَىءٍ قَدِيرٌ يا ارْحَمَ الرّاحِمين ۲]

خدایا! همانا که ماه رمضان آمد و به درستی که روزه‌اش را بر ما فرض کردی و در آن قرآن را- که راهنمایی از برای مردم و حجّت‌هایی روشن از هدایت و فرقان بین حقّ و باطل است- نازل کردی. بارالها! ما را بر روزه آن یاری کن؛ خدایا! آن را از ما بپذیر و ما را در آن ماه سالم بدار و آن را در آسان‌گیری خودت و عافیت دریافت بدار و تحویل بگیر. به درستی که بر هر کاری توانایی. ای رحم کننده‌ترین رحم کنندگان!

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۸

فضیلت و شرافت ماه مبارک رمضان

قالَ رَسُولُ الله صَلّىاللهُ عَلَيهِ وَآلِهِ وَسَلَّم لِجَابِربنِ عَبدِاللهِ:

یـا جَابِرُ هـذَا شَـهرُ رَمَضان مَن صامَ نَهارَهُ، وَقامَ ورداً مِن لَیلِه وَعَفَّ بَطنَهُ وَفَرْجَهُ وَکَفَّ لِسانَهُ خَرَجَ مِن ذُنُوبِه کَخُرُوجِه مِنَ الشَـهر. فَقالَ جابِرُ: یا رَسُولَ الله ما احسن هَذا الحَدِیث فقال رسُولُ الله صَلّیالله عَلَیهِ وَآلِهِ وَسَلَّم یا جابرُ وما اشَدَّ هَذِه الشُرُوط[۳]

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۹

وقالَ صَلّیالله عَلَیهِ وَآلِهِ وَسَلَّم:

شهْرُ رَمَضانَ شَهرٌ فَرِضَ اللهُ عَلَیْکُمْ صَیامَهُ فَمَن صامُهُ ایماناً وَاحتساباً خَرَجَ مِن ذُنُوبِهِ کَیوم وَلَدتهُ امَّه ۴]

رسول خدا صلّی‌الله علیه وآله وسلّم به جابر فرمود: ای جابر! این ماه رمضان است. هر کس آن را روزه بدارد و پاره‌ای از شبش را به عبـادت بایسـتد و شـکم و عورت خود را از حرام بـاز دارد و زبـان خود را نگـاه بـدارد، از گناهـان خود- مثل بیرون رفتن او از ماه- بیرون می‌رود.

جابر عرض کرد: یا رسول الله! این حـدیث چه نیکو است. پیغمبر اکرم صـلّی‌الله علیه وآله وسـلّم فرمود: و چقـدر این شـروط سـخت است.

روایت دیگر:

رسول خـدا صـلّی‌الله علیه وآله وسـلّم فرمود: ماه رمضان، ماهی است که خدا روزه آن را بر شـما واجب کرده. پس هر کس از روی ایمان و برای طلب اجر و ثواب، این ماه را روزه بگیرد، از گناهان بیرون می‌رود. مانند: روزی که مادر، او را زایید.

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۰

فصل اوّل: فضیلت ماه مبارک رمضان‌در خطبه رسول خدا صلی اللّه علیه وآله

شیـخ صـدوق علیه الرّحمه به سـند خود از حضـرت امام رضا علیه السّـلام از پدران بزرگوارش از حضـرت امیرالمؤمنین علیه السّـلام روایت کرده است که فرمود: پیغمبر اکرم صلّی‌الله علیه وآله وسلّم‌روزی برای ما خطبه خواند و فرمود:

ای مردم! به درستی که مـاه خـدا بـا برکت و رحمت و آمرزش به شـما رو کرده است. مـاهی که نزد خـدا بهترین ماههـا، روزهایش بهترین روزها، شب‌هایش بهترین شب‌ها و ساعاتش بهترین ساعات است. ماهی که در آن به ضـیافت خـدا خوانـده و از اهل کرامت خدا قرار داده شده‌اید. نفس‌های شـما در آن ثواب تسبیح دارد و خواب شـما در آن عبادت و عمل شـما در آن مقبول و دعای شـما در آن مستجاب است؛ پس با نیت‌های راست و دل‌های پاک، از خدا درخواست کنید که شما را برای

روزه و تلاوت قرآن توفیق دهد. به درستی که شـقی و بد عاقبت، کسی است که از آمرزش خدا در این ماه بزرگ محروم شود و به گرسنگی و

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۱

تشـنگی خود در این ماه، گرسـنگی و تشـنگی روز قیامت را یاد کنید. و بر فقیران و مسـکینان خود تصدّق کنید، سالمندان را احترام نماییـد، بر صـغار و خُردسالان رحم کنیـد؛ و صـله ارحام نمایید و زبان‌های خود را [از آن چه نباید گفت و چشم‌های خود را از آن چه نبایـد به آن نگاه کرد، نگاه داریـد؛ و گوش‌های خود را از آن چه نبایـد شـنید حفظ کنیـد، و با یتیمان مردم مهربانی کنیـد، تا با یتیمان شـما مهربانی شود، و از گناهان خود به سوی خدا توبه و بازگشت نمایید و دست‌های خود را در اوقات نماز به دعا بلند کنید که آن هنگـام بهترین ساعت‌ها است. خـدا به رحمت به سوی بنـدگانش نظر می‌فرمایـد و هرگاه ایشان با او مناجات نماینـد، جواب می‌فرماید و هرگاه او را ندا کنند، لبیک می‌گوید و هرگاه او را بخوانند، مستجاب می‌کند.

ای مردم! بـه درسـتی کـه جان‌هـای شـما در گرو عمل‌هـای شـما است؛ پس بـا اسـتغفار، از گرو بیرون آوریـد، و پشت‌هـای شـما از

گناهانتان سنگین است. پس به طول دادن سجود، آن را سبک سازید. و بدانید که خدا به عزّت خود سوگند یاد کرده است که نمازگزاران و سجده کنندگان را عذاب نکند و آن‌ها را به آتش جهنّم در روز قیامت نترساند.

ای مردم! هر کس از شما مؤمن روزه‌داری را در این ماه افطار دهد، برای او نزد خدا ثواب یک بنده آزاد کردن و آمرزش گناهان گذشته خواهد بود. پس گفته شد: یا رسول‌الله! همه ما قدرت بر آن نداریم؛

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۲

فرمود: با افطار دادن به روزه‌دار- اگر چه به نصف دانه خرما باشد- از آتش بپرهیزید. اگر چه به شربتی آب باشد.

ای مردم! هر کس از شما خلق خود را در این ماه نیکو سازد، گذشتن از صراط در روزی که قدم‌ها بر آن بلغزد، برای او است.

ایها النّاس! کسی که در این ماه خدمت غلام و کنیز خود را سبک گرداند، خدا در قیامت حساب او را آسان سازد. و هر کس در این ماه شرّ خود را باز دارد، خدا خشم خود را از او در روز قیامت باز دارد. و کسی که یتیمی را در این ماه گرامی بدارد، خدا او را در روز قیامت گرامی دارد. و کسی که در این ماه با خویشاوند خود صله نماید، خدا او را در قیامت به رحمت خود وصل کند. و کسی که در این ماه قطع رحم کند، خدا در روز قیامت رحمت خود را از او قطع فرماید. و هر کس در این ماه نماز مستحبّی به جای آورد، برای او برائت از آتش نوشته می‌شود. و کسی که نماز واجب به جای آورد، مثل کسی است که در ماه‌های دیگر هفتاد نماز واجب به جا آورد. و کسی که در این ماه بسیار بر من صلوات بفرستد، خدا در روزی که میزان‌ها سبک باشد، میزان او را سنگین سازد. و هر کس در این ماه تلاوت آیه‌ای از قرآن کند، ثواب ختم قرآن در ماه‌های دیگر را دارد.

ایها النّاس! درهای بهشت در این ماه گشوده است؛ از خدا بخواهید که [این درها را] به روی شما نبندد و درهای آتش، بسته است؛ از

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۳

پروردگار خود بخواهید که آن‌ها را به روی شما باز نگرداند. و شیاطین دربند هستند؛ از خدا درخواست کنید که آن‌ها را بر شما مسلّط نسازد.

امیرالمؤمنین علیه السّلام فرمود: پس من برخاستم وعرض‌کردم: یا رسول‌الله! بهترین اعمال در این ماه چیست؟ فرمود: یا اباالحسن! فاضل‌ترین اعمال در این ماه پارسایی است از آن چه خدا حرام کرده است.

سپس رسول خدا صلّی‌الله علیه وآله وسلّم گریست. عرض کردم: یا رسول‌الله! چه چیز شما را به گریه درآورد؟ فرمود: گریه می‌کنم برای آن چه در این ماه به تو می‌رسد. گویا تو را می‌بینم که برای پروردگارت نماز می‌گزاری. و برخاسته است شقی‌ترینِ اوّلین و آخرین جفت پی‌کننده ناقه ثمود و بر فرقت ضربتی زده است که با آن ریش تو خضاب شده است. پس، من عرض کردم: این در سلامت دین من است. فرمود: در سلامت دین تو است! سپس فرمود: یا علی! هر کس تو را بکشد، مرا کشته و هر کس تو را دشمن بدارد، مرا دشمن داشته؛ برای این که تو از من، مثل جان منی و طینت تو از طینت من است و تو وصی من و خلیفه من بر امّتم هستی!

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۴

فصل دوّم: روزه ندای الهی

اشاره

یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا کُتِبَ عَلَیْکُمُ الصِّیامُ ۵]

مردان و زنان با ایمان! سخن خدا را گوش دهید.

شما و فقط شما در این آیات، مشرّف به خطاب خدای جهان شده‌اید! خدا شما را می‌خواند؛ شما را ندا می کند.

از حضرت امام جعفر صادق علیه السّلام روایت است که فرمود:

لَذَّةُ مَا فِی النِداءِ ازالَ تَعَبَ العِبَادَةِ وَالعَناء[۶]

این لذّت و احساس افتخار که خدا مؤمنان را ندا کرده و خوانده، زحمت و رنج عبادت را برده است.

ندا

یا ایُّهَا الذینَ آمَنُوا ...

ای مؤمنان! ای مسلمانان! ای مرد و زنی که به خدا و پیغمبرش ایمان

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۵

آورده‌اید!

ای گروندگان!

مخاطب شما هستید؛ خدا با شما است. به هوش باشید!

خدا شما را ندا کرده است!

شما باید به ندای خدا پاسخ بدهید!

شمایید که دعوت او را اجابت می کنید!

شمایید که فرمان خدا و حلال، حرام، واجب و هر حکم و دستور اسلام را پذیرفته‌اید!

شمایید که خدا را ولی تمام امور و صاحب اختیار مطلق و نازل کننده شرایع و جاعل احکام می‌دانید؛ و برای او در جعل احکام و امر و نهی و تحریم و تحلیل، و وضع نظامات و انشای قوانین، شریک و انبازی نمی‌شناسید!

شمایید که به حکم ایمان و عقیده، فقط ملتزم به احکام اسلام و تعالیم قرآن می‌باشید؛ و التزام به هر برنامه و روش و هر نظام و قانون و هر ترتیبی را که غیر از احکام خدا و بیرون از حدود تعالیم قرآن باشد، باطل و انحراف و گناه می‌دانید!

به شما که اسلام را عقیده و کیش و برنامه زندگی، حکومت و ملّیت، قانون اجتماع، صلح و جنگ و همه چیز خود می‌دانید و بیرون از حصار و صدای اسلام، به هیچ صدایی پاسخ نمی‌دهید، و به هیچ دعوت

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۶

دیگر نگرویده‌اید!

به شما که از برکت ایمان به خدا، آزادی واقعی یافته و در جامعه انسان‌های آزاد- که غیر از خدا صاحب اختیار و معبودی ندارند- وارد شده‌اید!

به شما انسان‌ها که شیرینی آزادی اسلام را چشیده و از بند رقیت و اسارت حکّام و صاحب اختیاران دروغین، رها شده و از ذلّت استعباد اولیای ادیان باطله و حکومت‌های مستبده و قوانین موضوعه اندیشه‌های علیل و مغزهای ناتوان نجات یافته و به عزّت پرستش خدای یگانه و تعبّد به احکام و التزام به قوانین و فرامین او گرامی و سرافراز شده‌اید!

خداوند به شما خطاب فرموده است که:

یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا کُتِبَ عَلَیْکُمُ الصِّیامُ

اکنون الطاف خدای مهربان را بنگرید.

خدایی که ما و تمام افراد بشر و سایر موجودات کوچک و بزرگ عالم را آفریده است. خدایی که این همه نعمت در درون و بیرون وجود ما به ما بخشیده است.

دست تربیت تکوینی و تشریعی خداوند متعال به سوی همه دراز شده، تا همگان از نقص به سوی کمال ترقّی کنند؛ و مؤمنان و بندگان خاص و خالص خود را در ادای تکالیف و اطاعت و روزه‌داری و ریاضت و تربیتی که از آن منظور است، آماده ساخته و به فرمان‌بری

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۷

تشویق فرموده، تا با نشاط و معرفت و بینش هر چه بیشتر، فرمان او را پذیرفته و محرومیت از لذایذ حیوانی، خورد و خوراک و نگاهداری این رژیم الهی بر آنان دشوار نگردد. در آیات ۱۸۳، ۱۸۴ و ۱۸۵ دوّمین سوره قرآن مجید، به نوزده خطاب و در آیه ۱۸۷ به بیست خطاب، در این باره مخاطب و مشرّف فرموده است؛ در این آیات عنایات و الطافی به کار برده است که هم دلیل اعجاز بلاغت و هم گواه کمال عنایت به جنبه‌های نفسی، روانی و نکات تربیتی است.

تعابیر موجود در این آیات نشانگر آن است که احکام اسلام تنها یک سری قوانین خشک و بی‌روح و برنامه‌هایی برای حفظ و انتظام روابط اجتماعی و سیاسی افراد با حکومت نیست؛ که غیر از قدرت سرنیزه و ارعاب و بیم از کیفر و مجازات، تضمین اجرایی دیگری نداشته باشد.

اسلام اطاعت و تمکین و احترام در مقابل قانون را با توجّه به تمام مصالح و نواحی باطن و ظاهر وجود انسان، در خود او ایجاد می‌نماید؛ و پیش از هر چیز از او می‌خواهد به خدایی که شارع احکام و قوانین، و پیامبری که آورنده آن‌هاست، از صمیم جان گرویده و ایمان آورد.

در احکام اسلام به جنبه‌های عقیده و ایمان، عقل و ضمیر، عواطف و احساسات، مصلحت و خیر، راحتی و آسایش و به توان روحی و جسمی بشر توجّه شده است تا همه، به اجرای آن علاقه‌مند و تخلّف از آن را تخلّف از عقیده و ایمان، هدایت و حکومت، عقل و ندای وجدان،

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۸

و تخلّف از خیر و مصلحت بدانند.

اسلام پایه اجرای قوانین را بر قلب و ایمان بشر گذاشته است؛ چرا که بخش عمده‌ای از احکام و برنامه‌های اسلامی را نمی‌توان با اِعمال زور و قدرت انتظامی به مرحله اجرا گذارد؛ زیرا با اتّکای به قدرت و سلاح مادّی، کنترل بشر به طوری که همواره در راه راست قدم بردارد و از روش صواب منحرف نگردد، امکان‌پذیر نبوده و آن چه با قدرت مادّی و نظامی، قابل اجراست از حدود حفظ ظواهر، تجاوز نکرده و در نهایت، زور و قدرت نمی‌تواند عامل اساسی و پایه منحصر به فرد یک اجتماع منظّم، مرتّب و قانونی باشد.

با این وجود، اسلام از این موضوع هم چشم نپوشیده و در مورد لزوم وجود قدرت برای پیشبرد اصلاحات و اجرای احکام، غافل نگشته و برای حفظ امنیت و عدالت اجتماعی، احقاق حقوق و دفع تجاوز و بیدادگری، کیفر و مجازات را پیش بینی نموده و اجرای آن را وظیفه صالح‌ترین و قوی‌ترین قوه اجراییه و دفاعیه قرار داده است.

یکی از بهترین نشانه‌ها و شواهد استحکام و کمال صحّت برنامه‌ها و روش تربیتی اسلام برای متعهّد کردن جامعه، احترام به قوانین و احکام در اوضاع جوامع کنونی عالم اسلام است.

با این که تبلیغات گمراه کننده و عوامل انحراف و تضعیف ایمان، و موانع رشد افکار اسلامی بی‌شمار شده و تقریباً در همه جوامع

اسلامی،

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۹

مسلمانان در ترک عمل به احکام دین، آزاد و غیر مسؤول هستند، امّا اکثریت آنان هنوز هم با وجود فشارهایی که برای ترک سنن دینی بر آنان وارد می‌شود، بسیاری از احکام و شعائر را حفظ کرده و به آن ملتزم هستند. از باب مثال:

بیشتر مسلمانان نماز خوانده و روزه می گیرند. حج به جای می‌آورند؛ عقود و معاملات خود را محترم می‌شمارند؛ سلام می کنند؛ به نماز جماعت حاضر می‌شوند؛ زکات و سایر وجوه شرعیه را می‌پردازند؛ در سال، مبالغ بسیاری به مصرف خیرات و احسان و بنای مساجد، مدارس، و بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها، کتابخانه و ... می‌رسانند؛ شراب نمی‌نوشند؛[۷] زنا نمی کنند؛ ربا نخورده و قمار نمی کنند، دزدی نکرده و مرتکب ظلم و تجاوز نمی‌شوند؛ مال کسی را غصب نمی کنند؛ حقّ دیگری را ضایع نمی‌سازند؛ کم فروشی و تقلّب نمی کنند؛ دروغ نمی گویند؛ تهمت

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۰

نمی‌زنند؛ در برابر هم‌نوعان خود به تملّق و چاپلوسی نمی‌پردازند و از راه تقوا و پارسایی و پاکدامنی بیرون نمی‌روند.

علّت این التزام و تمکین به قانون و اطاعت احکام، روش قانونگذاری اسلام است؛ چرا که از مبدأ وحی صادر شده و تمام جوانب و نواحی در آن رعایت شده و از ایمان و عقیده و فطرت، عقل و منطق و احساسات و عواطف صحیح بشر در ایجاد حسّ و گرایش به احترام و تقدیس قوانین و احکام، استفاده شده است.

امّا نکات، دقایق، لطایف و تعبیرات بلاغت‌آمیز آیات شریفه:

۱. خطاب «یا ایُّها الَّذینَ آمَنُوا»، توجّه به ایمان و عقیده، عمل به مقتضای ایمان به خدا و پیامبر صلّی‌الله علیه وآله و یادآوری شرافت مؤمن است که به مناسبت مقام ایمان، شایسته خطاب خاصّ الهی شده است.

ایمان به خدای یگانه، شخص را برای اطاعت احکام آماده‌تر ساخته، مصالح و مفاسد واقعی امور و خیر و صلاح بندگان را نمایان و روح مؤمن را سرشار از عزّت نفس و بزرگواری و شرافت کرده، و او را از نزدیک شدن به کارهای زشت و سرپیچی از فرمان خدا باز می‌دارد.

بنده مؤمن و خداشناس، قانون خدا را محترم می‌شمارد و بیش از هر قانون و قاعده‌ای، قانون خداوند نزد او مورد احترام است.

احکام و قوانینی که ساخته فکر بشری است، جایگزین احکام خدا نمی‌شود و علم، تبلیغات و قدرت حکومت نمی‌تواند این احترام و اعتبار را به او ببخشد.

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۱

به عنوان مثال، قواعد بین المللی یا منشور سازمان ملل و نظایر آن، از جمله قوانینی است که تا حدّی حکومت‌ها و برخی از سران ملل تظاهر به احترام آن داشته و خود را طرفدار آن معرفی می کنند؛ امّا آیا حقیقتاً نیز این گونه است؟ یا این احترام به جهت ناچاری‌های سیاسی و در حدود حفظ منافع و مصالح شخصی یا مملکتی است؟! و اگر این منافع در بین نباشد و یا در خطر افتد به خاطر نفس این اصول کسی به آن احترام و اعتنا خواهد کرد؟! آیا همان کسانی که در مجامع بین المللی عضویت دارند و یا همان‌ها که خود را مؤسّس این سازمان‌ها می‌دانند، هنگامی که منافع‌شان اقتضا کند، این اصول را پایمال نمی‌نمایند؟!

شاید تا کنون دیده و یا شنیده نشده است که در مواقع خطیر و حسّاس حق و عدالت از سوی آن مجامع رعایت شده و به ندای وجدان پاسخ داده شود!

فقط ایمان به خدا است که حقّ و قانون را به خودی خود در نظر شخص مقدّس می‌سازد و از او می‌خواهد تا همه جا جانب حق را بگیرد و به او می گوید:

وَلا یَجرِمَنَّکَمْ شَنَآنُ قُومٍ عَلی ان لا تَعدِلُوا اعدِلُوا هُوَ اقرَبْ لِلتَّقْوی ۸]

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۲

و یا:

یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا کُونُوا قَوَّامِینَ بِالقِسْطِ شُهَدَاءَ لله وَلَوْ عَلی انْفُسِکُمْ اوِ الوالِدَینِ وَالاقْرَبینِ ۹]

هر کجـا عامـل ایمـان وجود یـافت، متن قانون اجرا می‌شود. افراد مؤمن در برابر قانون خـدا حتّی به فلسـفه و فایـده و حکمت آن نیز توجّه نداشته و فقط ایمان وسیع و محکم‌شان، آنان را مقید و ملتزم به آداب دینی می‌نماید؛ در حالی که از بیش‌تر مصالح و فلسفه احکام اطّلاع ندارند.

از جمله مثال‌ها برای این موضوع، همین دستور روزه است. یقیناً روزه فواید صحّی و جسمی دارد و در روایات هم به آن اشاره شده است:

«صوموا تصحّوا»[۱۰]

پزشکان حاذق و مشهور دنیا نیز فواید بهداشتی و درمانی روزه را تصدیق کرده‌اند.[۱۱] و راه علاج برخی بیماری‌ها تقریباً منحصر به امساک از غذا است؛ و افراط در تغذیه، سبب ایجاد بسیاری از بیماری‌ها

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۳

می‌گردد. بسا بیماری‌هایی که روزه درمان آن است و بسا بیمارانی که با برنامه روزه داری درمان یافته‌اند.

روزه، از نظر اقتصادی نیز دارای فواید بوده و از این جهت روزه را با مصلحت شناخته‌اند.

امّا با تمام این فوایدی که روزه دارد و بیشتر ما از آن آگاه می‌باشیم، آیا در سال چند نفر برای این فواید و منافع بهداشتی، جسمی و ... بدون نظر به اطاعت خدا حاضرند روزه بگیرند، و طی یک ماه، روزانه خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها و لذایذ جنسی را ترک کنند؟ و یا اگر این برنامه روزه، از جانب پزشکان بزرگ پیشنهاد می‌گردید، چند نفر همه ساله به آن عمل می‌کردند؟!

بی‌شک، کمتر افرادی حاضر می‌شدند به این پیشنهاد عمل نمایند. و آمار عاملان به این پیشنهاد در برابر آمار کسانی که ماه رمضان را فقط برای این که روزه یک وظیفه شرعی و سبب تقرّب به خدا و کسب ثواب است، روزه می‌گیرند بسی ناچیز جلوه می‌کرد!

امّا مسـلمانان اعم از مکلّف و غیرمکلّف، معذور و غیرمعذور و حتّی اطفال غیربالغ فقط برای اطاعت خدا در سـخت‌ترین شرایط آب و هوایی روزه می‌گیرند و نزدیک به چهارده قرن است که آداب و برنامه‌های ماه رمضان، زندگی فردی و اجتماعی مسـلمانان را در این ماه تحت تاثیر قرار داده و متّحدالشکل می‌سازد؛ و این نمونه‌ای از تأثیر عامل ایمان در

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۴

افراد است.

از این جا در می‌یابیم که افتتاح آیه به خطاب: (یا ایُّها الَّذِینَ آمَنُوا ...)، تا چه حـد اعجازآمیز بوده و چه حقایق و معانی بلندی در آن مندرج است.

قرآن، مؤمنـان را نـدا می‌دهـد و فرمان تشـریع روزه را ابلاغ می‌کنـد و مؤمنان- که گوش به فرمان خـدای‌شان سپرده‌انـد- به محض صـدور امر الهی برای اطاعت، بـدون هیـچ درنگ و تردیـدی اقـدام کرده و روزه می‌گیرند و به مجرّد رؤیت هلال ماه، خویش را با یک جهش معنوی از قید عاداتی که داشته‌اند، آزاد می‌سازند.

۲. جمله:

«... کَما کُتِبَ عَلَی الَّذِینَ مِن قَبْلِکُم»،

بیان این است که روزه تکلیفی تازه و بی‌سابقه جهت پرهیز از خوردنی‌ها، نوشـیدنی‌ها، التذاذ جنسی و سایر مفطرات نیست؛ بلکه در

ادیان و شرایع گذشته نیز فرض و واجب بوده است.

این بیان، که حاکی از دل جویی خاصّ ربوبی است، احساس زحمت و رنجی را که در ترک مفطرات است کم می کند و از جنبه روانی، روزه دار را نیرومند و با شکیب می‌سازد.

۳. جمله: «ایاماً مَعدودات» نیز، یک لطف و عنایت دیگر است و دلجویی از بنده است تا روزه‌دار، با معرفت زحمت روزه را بزرگ و زمان آن را دیر سپر نشمارد.

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۵

۴. جمله:

«... لَعَلَّکُمْ تَتَّقُونَ»

اشاره است به فواید بزرگِ ریاضتی، تربیتی، روحانی و معنوی روزه و تأثیر آن در تهذیب اخلاق و حصول ملکه پرهیزکاری و تقوا و تسلّط بر غرایز و قوای نیرومند حیوانی که از این لحاظ آن چه از روزه به روزه‌دار می‌رسد، دارای فواید و برکاتی است که شرح اهمیت و عظمت آن ممکن نیست و شخص سالک و فردی که در مقام اصلاح باطن و تصفیه و تزکیه نفس و ریاضت دادن آن به تقوا و پارسایی است، حتماً باید ماه رمضان را روزه بدارد.

به جرأت می‌توان گفت: آن گونه که درک ثواب و کسب اخلاق حمیده و صفات ملکوتی، تملّک نفس و مجاهده با هوی، تحصیل قوّت اراده و تقرّب به درگاه قادر متعال در این ماه برای همگان میسّر است، در هیچ زمان دیگر چنین فرصتی فراهم نیست.[۱۲]

۵. جمله: (شَهرُ رَمَضان ...)، بیان فضیلت و برکت ماه مبارکی است که در آن روزه واجب شده است. این ماه به علّت نزول قرآن مجید، مبدأ بزرگ‌ترین تحوّلات تاریخ زندگی انسان و آغاز عالی‌ترین نهضت‌های دینی و اجتماعی و سرفصل حیات نوین علمی و اخلاقی است. قرآن- که هادی و راهنمای عموم انسان‌ها بوده و آخرینِ تعلیمات آسمانی و برنامه‌های سعادت جاودانی را داراست- در این ماه نازل گردیده. از این رو، این ماه بر تمام ماه‌های سال، فضیلت دارد. روزهایش از همه روزها

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۶

با ارج‌تر و شب‌هایش از همه شب‌ها گرامی‌تر است. این ماه، یادبود نزول قرآن و سالگرد تاریخ مجد و شرف انسان و اعلام حقوق واقعی و آزادی حقیقی بشر است.[۱۳]

۶. جمله:

«فَمَن شَهِدَ مِنکُم ...»

تا جمله

«... وَلَا یُرِیدُ بِکُمُ العُسر»،

دلالت می‌کند که در تعالیم اسلام یسر، آسانی و سهولت، مراعات شده و دشواری، سخت‌گیری و تحمیل بر فطرت و خواسته‌های واقعی بشر در آن وجود ندارد.

چنان چه در مباحث آتی، توضیح خواهیم داد، خداوند پیغمبر عالی مقام اسلام صلّی‌الله علیه وآله وسلّم‌را بر شریعتی سهل و آسان برانگیخته است؛ که فرمود:

ما بُعِثْتُ بِالرهبانیَّهِ الشّاقَّهَ وَلکنْ بِالحَنَفِیَّهِ السَمحهٔ[۱۴]

۷. نکته دیگر که از آیات شریفه با نظر به عمومیت خطابات و توجّه کلّی به همه آن‌ها استفاده می‌شود، «مساوات همه در تکلیف» است. هر کس صاحب هر مقام و هر درجه و هر شغل باشد، باید روزه بگیرد و از فواید تربیتی، دنیوی و اخروی آن بهره‌مند شود، و

همه ساله در این مدرسه کمال، ریاضت دیده و تربیت گردد و قوای عقلانی و انسانی

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۷

خود را نیرومند ساخته و بر قوای شیطانی و حیوانی مسلّط شود، و دریابد که انسان، فقط این جسم ظاهر و گوشت و استخوان نیست و قدرت انسان، فقط نیرومندی جسم و شکست حریف زورمند نمی‌باشد.

قدرت واقعی انسان، تسلّط بر نفس، شهوت، غضب و پایداری در برابر مشکلات و صبر و شکیبایی است:

مردی گمان مبر که به پنجه است و زور کتف‌با نفس اگر برآیی، دانم که شاطری

با شیر مردیت، سگ ابلیس صید کردای بی‌هنر بمیر که از گربه کمتری

هشدار تا نیفکندت پیروی نفس‌در ورطه‌ای که سود ندارد شناوری

مردان به سعی و رنج به جایی رسیده‌اندتو بی هنر کجا رسی از نَفْس پروری!

پرخوری و تن پروری آفات و خطرات زیادی را در پی داشته و سبب تیرگی روح، تاریکی دل و کوری بصیرت است.

اندرون از طعام خالی دارتا در آن نور معرفت بینی

اگر تربیت جسم- که در عصر ما به آن اهمیت فراوان می‌دهند- مقدمه تربیت روح و پرورش افکار و اخلاق سالم نباشد، هیچ سودی

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۸

نخواهد داشت.

در هر چیزی باید اعتدال رعایت گردد؛ تربیت بدن نیز باید در حدّ اعتدال باشد و همه به آن توجّه کرده و ضعف و ناتوانی را از جسم و روح خود دور سازند؛ نه آن که تربیت بدنی هم به عنوان یک فن از فنون و پیشه و شغل مطرح گردیده و افراد را از توجّه به روح و وظایفی که در اجتماع دارند باز بدارد!

اسلام دین خدا و دین عقل و منطق است. از این رو، در مواردی که تربیت و تعلیم سربازان و افسران مجاهدِ مدافع از دارالاسلام و وطن مسلمانان و نگهبانان امنیت و انتظامات به اجرای مسابقات بدنی- جسمی وابسته باشد و هم چنین در مواردی که سبب تقویت قوای علمی و صنعتی گردد، برپایی آن و اعطای جایزه در آن را صحیح دانسته است.

به هر حال مکتب «صوم»، کلاس خودسازی و نردبان عروجی است که همه مسلمانان باید از آن بهره برند.

هم اکنون ای مسلمانان و مؤمنان! به استقبال ماه مبارک رمضان بشتابید و از رحمت‌های واسعه خداوند متعال استفاده برید.

بکوشید تا مراسم روزه‌داری این ماه را- که از شعائر بزرگ اسلام و نمایش وفاداری و استقامت و مساوات و التزام جامعه ما به احکام دین است- با احترام و ادب هر چه بهتر انجام دهید.

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۹

بدبخت آن کسی است که بدون عذر شرعی، از سعادت روزه و برکات آن محروم گردد. و گستاخ، آن شکم‌پرستی است که بدون عذر شرعی (العیاذ بالله)، روزه این ماه را افطار کند؛ یا با داشتن عذر، آشکارا روزه را بخورد، و حکم خدای جهان را خوار شمارد و به عقاید و احساسات صدها میلیون مسلمان نقض ادب و احترام کرده و حرمت این ماه شریف را رعایت ننماید.

بدا به حال کسی که ماه رمضان را به گناه و معصیت سر برد و از آمرزش خدا محروم گردد. بکوشید تا علاوه بر مراسم و آداب ظاهری روزه و خودداری از خوردن و نوشیدن و ترک سایر مفطرات اندام و اعضا، خود را نیز به پرهیز از گناهان عادت داده و فکر و اندیشه خود را نیز از افکار پلید و اندیشه‌های ناپاک و شیطانی، پاک و منزّه سازید.

بکوشید تا کار و رفتاری را که با آثار، فواید و مقاصد معنوی، تربیتی، جسمی و ... روزه سازش ندارد، انجام ندهید.

از غیبت کردن بپرهیزید؛ دشنام ندهید؛ بدخویی ننمایید؛ سخنان تند و درشت نگویید؛ کم حوصله و بی شکیب نباشید؛ به دنبال بی عفتی نروید؛ از چشم چرانی و نگاه به نامحرم بپرهیزید؛ با دست و زبان، مردم را نیازارید؛ حرام نخورید؛ مفاخره نکنید؛ به هم بزرگی نفروشید؛ به زیردستان ترحّم کنید؛ به سالخوردگان احترام نمایید؛ صله رحم به جای آورید؛ از فقرا و بی‌نوایان دستگیری کنید؛ از بیماران عیادت و پرستاری نمایید و حیا و آزرم پیشه سازید.

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۳۰

در مجالس دینی- اسلامی و نماز جماعت متواضعانه شرکت کنید و از صفوف نماز جماعت، وحدت و شوکت مسلمانان و بی امتیازی و بی‌قدری اعتبارات و مقامات دنیوی را تماشا کنید.

ادعیه‌ای را که در این ماه در اوقات مختلف: سحر، شب و روز وارد شده بخوانید و نکوتر آن که در مضامین و معانی آموزنده آن تأمّل فرمایید.

در حالات، اخلاق و روش و رفتاری که دارید، مطالعه و رسیدگی نمایید. مبادا کار و پیشه شما حرام باشد. به دقّت نهانی‌ها و پنهانی‌های روح و ضمیر خود را بازرسی کنید؛ سعی در جبران گذشته را نموده تا پاک و منزّه از ماه بیرون شوید.

در این ماه از مرگ و عاقبت این جهان و زندگی مادّی و عوالم بعد از مرگ و قیامت و حشر و نشر و سؤال و حساب، بسیار یاد کنید، و برای مواقفی که در پیش داریم گریه کنید و این جملات دعای ابی‌حمزه را زمزمه کنید:

ابكِی لِخُروجِ نَفسی، ابكِی لِظُلمَهِٔ قَبْرِی، ابكِی لِضِیقِ لَحدِی، ابْكِی لِسئوالِ مُنكَرٍ وَنَكِیرٍ ایّای، ابكِی لِخُرُوجِی مِن قَبری عُریاناً ذلیلًا حاملًا ثِقلْی عَلی ظَهرِی ...[۱۵]

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۳۱

و پس، توبه نمایید و به سوی خدا بازگشت کنید.

مبادا از رحمت خدا مأیوس و نا امید شوید:

الهی حَقِّقْ رَجائِی وَآمِنْ خَوفِی فَانَّ كَثْرَهَٔ ذُنُوبِی لا ارْجُو فِیها الّا عفوک ...[۱۶]

هر که هستی و هرحال که داشته باشی و به هر شکل که تا کنون زندگی کرده‌ای اصلاح کار تو آسان است. و آلودگی‌های تو با آب توبه و استغفار و گریه در حال مناجات و دعا شسته شده و تو پاک و بی‌آلایش می‌گردی.

پس، طلب رحمت کن و بگو:

الهِی ارحَمنِی اذَا انقَطَعَت حُجَّتِی وَكَلَّ عَن جَوابِكَ لِسانِی، وَطاشَ عِندَ سُؤالِكَ ایّای لُبِّی فَیا عَظِیمَ رَجائی لا تُخَیِّبنی اذَا اشتَدَّت فَاقَتِی الَیْکَ ...[۱۷]

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۳۲

بیا که توشه این راه، ناله و آه استبنال بر در او کو به ناله آگاه است

اگر چه غرق گناهی، از او مشونومیدبیا بیا که هنوزت به سوی اوراه است

آری، فقطبایک جهش‌ازعالم‌تاریک شهوات وهواپرستی، دنیاطلبی، بی‌رحمی، ستمگری و ... به عالم سراسر نور و روشنایی، فضیلت و شرافت، پارسایی و بندگی خدا پرواز کن و هر آن چه در پی هوای نفس رفته و گناه کردی، و خدای یگانه را معصیت نموده‌ای؛ هرچه به شهوت‌رانی‌های نامشروع آلوده شده‌ای، هرچه از جاده عفاف و پاک‌دامنی بیرون رفته‌ای، هر چه تملّق و مدح بی‌جا نموده‌ای، هرچه گردن‌کشانه و متکبرانه بر روی زمین راه رفتی و به بندگان خدا و زیردستان، ظلم و ستم کرده‌ای، همه را واگذار و به درگاه الهی اشک ندامت بریز، و برای سفر آخرت توشه‌ای برگیر:

الهِی وَسَیِّدِی وَعِزَّتِکَ وَجَلالِکَ لَئِنْ طالَبْتَنِی بِذُنُوبِی لَاطالِبَنَّکَ بِعَفْوِکَ وَلَئِنْ طَالَبْتَنِی بِلؤُمی لَاطالِبَنَّکَ بِکَرَمِکَ ...[۱۸]

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۳۳

نزد خداوند توّاب، پشیمانی عرضه دار و عفو و آمرزش از او بخواه و بگو:

یـا قابِلَ التَّوْبِ یـا عَظِیمَ المَنِّ اینَ سَترُکَ الجَمِیـل اینَ عَفوُکَ الجَلِیـل اینَ فَرَجُکَ القَرِیبُ این غَیاثُکَ السَّرِیعُ اینَ رَحْمَتُکَ الواسعةُ ...[۱۹]

همواره بنده خدا باش تا آزاد باشی؛ و از نفس امّاره بگریز تا بزرگی یابی.

از گناه بپرهیز و به سوی خـدای آمرزنـده پوزش پذیر قدم بردار. حیف است که عمر و وقت و نعمت‌هایی را که خدای سـبحان عطا فرموده، بیهوده تلف نمایی! بیا و طعم بهره روحانی و لذّت بندگی و پرستش خدا و تسلّط بر نفس را تجربه کن!

بر سر این سفره گسترده ضیافت الهی در این ماه بنشین و از موائِد آن تناول کن. و خود را در معرض نسیم رحمت الهی قرار ده.

به جـای نغمـات موسیقی و اصوات طرب انگیز، به نوای زیبای تلاوت قرآن و مناجات با خـدا و دعا، گوش خود را آشـنا ساز و در یک عبارت، برادر و خواهر عزیز! در اندیشه فردا و پایان کار خویش باش.

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۳۴

تِلْکَ الدَّارُ الآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِینَ لا یُرِیدُونَ عُلُوّاً فِی الارضِ وَلا فَسَاداً وَالعاقِبَةُ لِلْمُتَّقِینَ ۲۰]

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۳۶

فصل سوّم: رمضان، ماه نزول قرآن

اشاره

شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِی انزِلَ فِیهِ الْقُرْآنُ

بنابر تفسیر معتمد و مأخوذ از روایات و احادیث از آیه شریفه: «شَهرُ رَمَضان ...» نزول قرآن کریم در این ماه مبارک، مستفاد است. و احتمـال این که مراد از جمله: «انزِلَ فِیه ...»، «انزِلَ فِی صَوْمِه، او فِی فَرضِ صَومِهِ» باشـد، یعنی دربـاره روزه ماه رمضان یا وجوب آن، [آیات قرآن نازل شـده است، خلاف ظاهر و مرجوح است و تفسـیر اوّل موافق با ظاهر است. از این رو، احتمال خلاف ظاهر، محتاج به حـذف و تقـدیر است. علاـوه بر آن که بر حسب این احتمال، نزول قرآن در فرض روزه ماه رمضان، امتیاز خاصّ روزه نمی‌شود؛ زیرا واجبـات دیگرماننـد: نماز، حـج، زکات، خمس، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر و ... نیز این امتیاز و شـرافت را دارنـد که قرآن، در فرض آن‌هـا نـازل شـده؛ علاـوه بر این که بنـا بر این احتمال، امتیاز نزول قرآن در فرض روزه، مربوط به روزه یا فرض آن می‌شود و مستقیماً و بالذّات به روزه یا فرض روزه

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۳۷

ارتباط دارد و ثانیاً و بالعَرَض و بالواسطه، به ماه رمضان مربوط می‌شود

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۳۸

و این نیز، خلاف ظاهر است.

بنـابر این آیه شـریفه، بیـان کرامت و شـرافت ماه رمضان، به واسـطه نزول قرآن مجیـد است و بلکه از این آیه، اختیار این ماه از میان ماه‌های دیگر برای همین شـرافت و فضیلت- که قرآن در آن نازل شده است- استفاده می‌شود و شاید یکی از حکمت‌های روزه در

این ماه، قیام به وظیفه شکر نعمت و به پاکردن سال‌گرد نزول قرآن و تجدید ارتباط با کتاب خدا و تعالیم و برنامه‌های قرآنی است تـا مسـلمانان همه سـاله به مـدّت یـک مـاه، سـال‌گرد نزول کتاب مقـدّس الهی را در ضـمن انجام یک عبادت بزرگ، به نام «روزه» گرامی بدارنـد، و شـکر خـدا را به جـای آورده و به قرائت و تأمّـل در معـانی آیـات الهی و اسـتفاده از علوم و دانش‌های قرآن- که متضمّن سعادت دنیا و آخرت است- مشغول باشند.

حکمت این که تلاوت قرآن در این ماه فضـیلت و ثواب بیشتری دارد نیز محتمل بر این است که چون این ماه، ماه نزول قرآن است، هیچ زمانی برای قرائت قرآن و الهام گرفتن از علوم و معارف آن، از این ماه مناسب‌تر نیست.

همـان‌گونه که نبوّت محمّـدیه، نبوّت جـاودان و پیـامبری به سوی همگـان است، قرآن مجیـد نیز کتـاب جـاودان و پاینـده این نبوّت می‌باشـد که برای جهانیان نور و دعوت پایـدار به توحید، حق و عدالت، صـلح و صـفا، آزادی و مساوات، رحمت و هدایت، شـفای بیماری‌های اجتماعی،

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۳۹

اخلاقی و فکری، در مرور تمام ازمنه و اعصار است.

پس، برترین شرافت‌های این ماه، نزول قرآن و از برترین عبادات در آن، تلاوت و تفکّر و تأمّل در معانی و حقایق قرآن است.

این مسـأله را که: «مراد از نزول قرآن چیست؟ و آیا مراد، نزول تمام قرآن یا مراد، آغاز نزول قرآن است؟» را، به دلیل آن که سـخن به درازا می‌کشد فعلا مطرح نمی‌کنیم و انشاءالله تعالی در مجالی دیگر، از آن بحث می‌نماییم.

پس از این که دانسـته شـد نزول قرآن در ماه مبارک رمضان بوده، برای تعیین آن که بدانیم این واقعه بی‌نظیر و عظیم در شب اتّفاق افتاده و یا در روز به وقوع پیوسته است، به خود قرآن مراجعه می‌کنیم.

برحسب اوّلین آیه سوره «قدر» و آیه سوّم سوره «دخان» نزول قرآن در «لیله القدر» یا «لیله المبارکه» واقع شده است.

و امّـا این که این شب، کـدام یـک از شب‌هـای مـاه رمضـان بوده است، بر حسب اخبـار و روایـات از یکی از شب‌هـای «نوزدهم» و «بیست و یکم» و «بیست و سوّم»- که همان «شب قدر» است- بیرون نیست. که در ضمن فصل دیگر، مختصری از فضایل آن شب را تذکّر می‌دهیم. (انشاء الله تعالی).

نکاتی که در این جا به طور اشاره یادآور می‌شویم، فضیلت قرآن و دیگر، معجزه بودن آن است:

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۴۰

۱. فضیلت قرآن

از حضـرت امیرالمؤمنین علیه السّـلام روایت است که: شـنیدم پیغمبر خـدا صـلّی‌الله علیه وآله وسـلّم می‌فرمود: زود باشد فتنه‌ها پدید شود! عرض کردم: ای رسول خدا! به چه چیز یا به چه راه از آن فتنه‌ها بیرون توان شد؟

فرمود: به کتـاب خـدا که خبر آن چه پیش از شـما بوده و خبر آن چه بعـد از شـما و حکم آن چه بین شـماست، در آن است؛ جـدا کننـده میـان حقّ و باطـل است و هزل و بـازی و باطل نیست؛ هواهای مردم آن را منحرف نگردانـد و دانایان از آن سـیر نشونـد و از تکرار قرائت و بسـیاری تلاوت کهنه نگردد؛ و عجایب آن تمام نشود، و هر کس آن را از روی تجبّر و تکبر، ترک کنـد خـدا او را بشـکند؛ و هر کس هدایت را در غیر آن طلب کند، حق تعالی او را گمراه سازد؛ ریسمانِ استوار خداست و صراط مستقیم است. هر کس به آن عمل کنـد، اجر یابـد و هر کس به آن حکم کند، حکم به عدل کند و هرکس به سوی آن بخواند، به سوی راه مسـتقیم خوانده است.[۲۱]

در نهج البلاغه از حضرت علی، امیرالمؤمنین علیه السّلام است که فرمود:

وَاعْلَمُوا انَّ هَذَاالقُرْآنَ هُوَ الناصِحُ الَّذی لا یَغُش، وَالهادِی الَّذِی لایُضِلّ، وَالْمُحَدِّثُ الَّذِی لایُکذِب، وَما جالَسَ هذا

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۴۱

الْقُرآنَ احدٌ الّا قامَ عَنهُ بِزیادةٍ او نُقصانٍ، زیادةٍ فِی هُدیً، وَنُقْصانٍ مِن عَمیً، وَاعْلَمُوا انَّهُ لَیسَ لِاحَدٍ بَعدَ الْقُرآنِ مِن فاقةٍ وَلا لِاحَدٍ قَبلَ الْقُرآنِ مِن غِنیً فَاستَشفُوهُ مِن ادوائِکُم وَاستَعِینوا بِه عَلی لاوائِکُم فَانَّ فِیهِ شِفاءٌ مِن اکبَرِ الداءِ وَهُوَ الکُفْرُ وَالنِّفَاقُ وَالغَیُّ والضَّلالُ ۲۲]

بدانید این قرآن آن نصیحت کننده‌ای است که خیانت نمی‌کند و راهنمایی است که گمراه نمی‌سازد و محدّثی است که دروغ نمی‌گوید. هیچ کس با این قرآن هم‌نشین نشد، مگر آن که از نزد آن، به زیادتی یا نقصان- زیادتی در هدایت و نقصان در کوری و گمراهی- برخاست. بدانید که هیچ کس را بعد از قرآن، نیاز و فقری نیست (بعد از نزول قرآن، به هیچ قانون و برنامه‌ای در اصلاح امور معاش و معاد و دنیا و آخرت نیازی نیست و هیچ‌کس را پیش از قرآن، بی نیازی نیست).

پس، برای دردهای خود از آن شفا بجویید و بر سختی‌ها از آن کمک و یاری بخواهید؛ زیرا در آن شفای بزرگ‌ترین دردهاست؛ و آن، درد کفر و نفاق و تباهی و گمراهی است.[۲۳]

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۴۲

۲. فضیلت قرائت قرآن

بر حسب روایتی که در کافی شریف آمده است قرائت قرآن، کفّاره گناهان و پرده از آتش و امان از عذاب است و به قرائت هر آیه، ثواب صد شهید و به تلاوت هر سوره، ثواب پیغمبر مرسل نوشته می‌شود.

این فضیلت و فضایل دیگر که در سایر احادیث رسیده است، در ماه رمضان چندان زیاد می‌شود که بر حسب خطبه شریفه «رمضانیه»، قرائت یک آیه در این ماه، اجر ختم قرآن در ماه‌های دیگر را دارد.

قرآن شفای بیماری‌های روحی، هدایتگری در ضلالت و گمراهی، رحمتی از برای مؤمنین، و موعظه و پند و عهد خدا است. از این رو، باید مؤمنان با الفاظ و معانی آن، دل‌ها، زبان‌ها، خانه‌ها، بازارها، مدارس و اجتماع خود را روشن و منوّر سازند و از تلاوت آن غفلت نورزند.

۳. معجزه جاودان

هرچه بر عمر جهان بگذرد، اعجاز قرآن ظاهرتر و عظمت و بزرگی

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۴۳

آن بیشتر نمودار می‌گردد.

قرآن یکصد و چهارده معجزه باقیه است و خداوند معجزه بودن هر یک از آن‌ها را به وسیله وحی الهی اعلام و از خواص و عوام دعوت فرموده است که:

وَانْ کُنتُم فی رَیْبٍ مِمّا نَزَّلْنا عَلی عَبْدِنا فَأتُوا بِسُورَةٍ مِّن مِّثْلِه وَادْعُوا شُهَدَاءَکُمْ مِن دُونِ اللهِ إنْ کُنْتُم صدِقین ۲۴]

و اگر در آن چه بر بنده خود نازل کردیم شک دارید، پس- اگر راست می‌گویید- سوره‌ای مانند آن بیاورید؛ و گواهان خود را- به جز خدا- فرا خوانید.

چهارده قرن است که هزاران مرد برجسته و برترین نوابغ فنّ ادب و قهرمانان میدان سخن و خطابه و نظم و نثر از عرب و عجم، مسیحی و مسلمان و ملّیت‌های دیگر، که نامشان در تاریخ به ثبت رسیده است، در صفحه تاریخ اعلام ادب عربی ظاهر شده، و این اعلان رسمی خداوند را در قرآن خوانده و شنیده‌اند؛ ولی هیچ یک از آنان نه در خود و نه در دیگران توانایی این کار را ندیده‌اند؛

و قرآن را مافوق کلمات بلغاء و فصحای بشر یافته‌اند.

در بشر، غریزه‌ای به نام «حبّ شهرت و نام جویی» وجود دارد. هر کس می‌خواهد نام و آوازه‌اش جهان را فرا گیرد و نامش بر سر زبان‌ها

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۴۴

باشد، و شهرتش از دیگران بیشتر شود و از همردیفان خود سبقت گیرد و شهرت و معروفیت بیشتری پیدا کند، می‌کوشد تا به گونه‌ای، برتری خود را به نمایش گذارد. تفوّق و پیشرفت بشر در صنعت و ادب و هنر را باید مدیون این غریزه دانست.

این غریزه را اعراب عصر پیغمبر صلّی‌الله علیه وآله و دیگران از آن عصر تا زمان ما دارا بوده‌اند؛ و بازار مسابقات ادبی در بین اعراب دوران جاهلیت و معاصر پیغمبر صلّی‌اللهعلیه‌وآله گرم بوده است؛ و افتخار و اشتهار، بیش‌تر نصیب کسی بود که زیباترین قصیده را سروده و یا خطبه‌ای جذّاب بیان کرده و بر شهرت خود و قوم و قبیله‌اش افزوده باشد.

پس چگونه شد که از آن زمان تا حال کسی در مقام معارضه با قرآن برنیامد؟[۲۵] و چرا هزاران تن از نوابغ جهان ادب و بلاغت، به طور فردی یا جمعی در اندیشه چنین کسب شهرت و بلند نامی برنیامدند؟

چرا تا حال که نزدیک به چهارده قرن است که از نزول آخرین کتاب الهی می‌گذرد همچنان فریاد قرآن و ندای آسمانی «قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الإِنسُ وَالْجِنُّ عَلی ان یَأْتُوا بِمِثْلِ هذَا الْقُرءانِ لا یَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ کانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْض ظَهِیراً»[۲۶] در جهان بلند است؟

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۴۵

چرا با وجود آن که برخی در مقام مبارزه با اسلام و کارشکنی و جلوگیری از پیشرفت آن به هر اقدام ممکن و خطرناک، به جنگ و خونریزی، نیرنگ‌های سیاسی، فتنه و آشوب گری و ... دست زده‌اند، امّا از نیروی ادب و بیان و از تلفیق حروف و الفاظ و کلمات- که بعد از نیروی تفکّر آسان‌ترین اعمال بشر است- استفاده نکرده‌اند و حجّت قرآن، برهان و معجزه باقیه اسلام را باطل نساختند؟!

پاسخ روشن است: چون از همان آغاز کار، کلام خدا را بر فراز آسمان و کلمات فُصَحا و بُلَغای نامی را بر زمین و از آن هم فروتر دیدند و دانستند که بنده عاجز و مخلوق محتاج، نمی‌تواند با خدای توانا و خالق بزرگ جهان معارضه کند!

حقیقت شگفت‌انگیز است: پیامبر ارجمند اسلام برای این که هیچ گونه برخوردی میان او و کفّار واقع نشود، عذری برای آن‌ها باقی نماند، قطره خونی از کسی نریزد و آتش جنگ و نبرد روشن نشود، به مردم مکّه و به تمام فُصَحا و بُلَغا و به جمیع جنّ و انس، حاضر و غایب، اعمّ از معاصران و آیندگان ابلاغ کرد که اگر همه، اجتماع کنند و به پشتیبانی هم در آیند، نمی‌توانند مانند این قرآن را بیاورند.

چرا با این که امَرای کلام و قهرمانان صحنه سخنوری، شاهد و ناظر چنین ابلاغی بودند، در این میدان وارد نشدند و به شمشیر متوسّل

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۴۶

گردیدند؟!

آری، آنان می‌دانستند که شرکت در این مسابقه، جز رسوایی و شکست نتیجه‌ای نخواهد داشت.

رُدَّت بَلاغَتَها دَعوی مُعارِضِهارَدَّ الغُیور یدَ الجانی عَنِ الحَرَم

دامَت لِدُنیا ففاقَت کُلَّ مُعْجِزَهمِنَ النَّبِیینَ اذ جائت وَلم تَدُم

ناتوانی و عجز بشر از آوردن کلامی مثل قرآن، اکنون چنان تثبیت و پابرجا شده که مخالفان و دشمنان اسلام با شدّتِ مخالفت و با تمام اهتمامی که در دشمنی و جلوگیری از تحقّق مقاصد اسلام دارند، از معارضه با قرآن مأیوس و نا امید گردیده‌اند و اگر

قدرت‌های نیرومند استعماری و تبشیری مسیحی و یهودی و ... این کار را امکان‌پذیر می‌دانستند، بدان اقدام می‌کردند. کسانی که با قدرت سیاسی و مادّی خود، مسلمانان را تحت فشار گذارده، از اجرای احکام اسلام جلوگیری کرده و از هیچ چیز مانند: قیام مسلمین و به پا خاستن پرچم وحدت اسلامی و توحید، هراسناک نیستند؛ اگر می‌توانستند از این راه با اسلام مبارزه می‌کردند و این راه را که در جهان معاصر مؤثّرتر و آسان‌تر است بر می‌گزیدند؛ امّا همه دانشمندان، سخن شناسان، اساتید و ادبای عرب

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۴۷

زبان شرقی و غربی اتّفاق دارند که این معارضه به جایی نمی‌رسد و جز تثبیت بیشتر اعجاز قرآن و تأیید خبر غیبی «فَان لَم تَفعلُوا وَلَن تَفعَلُوا»[۲۷] ثمری ندارد.

قصد ما این نیست که در این مجال، از اعجاز قرآن سخن بگوییم. اساتید و مشاهیر علوم ادب درباره اعجاز قرآن کتاب‌ها نوشته‌اند و این بحثی است که روز به روز دامنه آن وسیع‌تر می‌شود و هر کدام از رشته‌ها و نواحی متعدّده آن محتاج به کتابی ویژه است. وجوه اعجاز قرآن منحصر به فصاحت و بلاغت نیست؛ بلکه قرآن از نواحی مختلف مانند: فصاحت و بلاغت، اسلوب، اخبار غیبی، جذبات روحی، جامعیت تعالیم و کامل بودن احکام و قوانین، بیان معارف و الهیات و علوم ماورای طبیعت، و ... معجزه می‌باشد.

قرآن، کتاب حکمت، شریعت و قانون، اخلاق، توحید و خداشناسی، تاریخ و عبرت است و اصول علوم زیست‌شناسی، بهداشت، اقتصاد، زراعت، نجوم و حقوق مدنی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و ... در آن درج است.

اقبال پاکستانی چه نیک و زیبا سروده است که:

نقش قرآن چون در این عالم نشست نقش‌های کاهن و پاپا شکست

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۴۸

فاش گویم آن چه در دل مضمر است این کتابی نیست چیز دیگر است

چون به جان در رفت، جان دیگر شود جان که دیگر شد، جهان دیگر شود

در پایان این بحث، شهادت چند تن از دانشمندان مسیحی و مادّیون را راجع به قرآن- این کتاب بزرگ آسمانی- ذکر می‌کنیم:

گواهی بیگانگان بر عظمت قرآن

۱. دکتر شبلی شمیل، لبنانی، متوفّی ۱۹۱۷ میلادی، مؤلّف کتاب «الحقیقه» در قصیده مشهوری که در مدح رسول اعظم صلّی‌الله علیه وآله وسلّم دارد، می‌گوید:

دَع مِن مُحمد فِی صدی قُرآنِه لا قَد نَحاه لِلحمه الغایاتِ

انّی وَان اکُ قَد کَفَرتُ بِدِینِه هَل اکفُرَنَّ بِمُحْکَمِ الآیاتِ

وَمَواعِظِ لَو انَّهم عِملُوا بِهاما قَیدُوا العُمرانَ بِالعادات

بِبَلاغَه القُرآنِ قَد خَلَبَ النُهی

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۴۹

وَبِسَیفِه انحی عَلَی الهاماتِ مِن دُونِهِ الابطال فِی کُلِّ الوَری

مِنْ حاضِرٍ او غائِبٍ او آتٍ

۲. ناصیف یازجی مسیحی، متوفی ۱۸۷۱ میلادی نویسنده و ادیب مشهور و مؤلّف کتب «طوق الحمامه» و «مجمع البحرین به فرزندش ابراهیم یازجی- که از رهبران نهضت علمی، ادبی و لغوی عرب، حافظ قرآن و مؤسّس مجلّه «الضیاء» به شمار می‌رود- چنین وصیت کرده است:

اذا شِئتَ ان تَفُوقَ اقرانَکَ فِی العِلْمِ وَالادَبِ وَصَنَاعَةِ الانشاءِ فَعَلَیْکَ بِحِفْظِ الْقُرآنِ وَنَهجِ البَلاغَةِ[۲۸]

۳. استاد سنایس می‌گوید: قرآن، قانون عامی است که باطل از هیچ سویی به آن راه ندارد و صالح و شایسته برای هر زمان و مکان است و اگر مسلمانان به آن تمسّک جسته و طبق تعالیم و احکام آن عمل می‌نمودند، صبح می‌کردند در حالی که مانند گذشته بر همه امّت‌ها

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۵۰

سیادت داشتند.[۲۹]

۴. بوسور سمیث انگلیسی می‌گوید: در تاریخ این موضوع، یگانه و بی‌مانند است که محمّد صلّی‌الله علیه وآله و سلّم کتابی آورد که آیتِ بلاغت و دستور شرایع و نماز و دین است.[۳۰]

۵. دکتر گوستاولوبون فرانسوی می‌گوید: تعالیم اخلاقی قرآن، برگزیده آداب عالی و خلاصه مبادی کرایم اخلاق است و از آداب انجیل، به درجات بالاتر است.[۳۱]

۶. ادوار لوهارت می‌گوید: نور حکمت قرآن، نوری است که بر سینه پیغمبری که برای ارشاد بشر مبعوث شد، نازل گشت و دستوری باقی گذارد که هرگز با آن گمراه نمی‌گردند؛ قرآنی که جامع مصالح دنیا و خیر آخرت است.[۳۲]

۷. کنت هنری دی کستری می‌گوید: اگر در قرآن، غیر از جلوه و روشنی معانی و جمال و زیبایی مبانی دیگری نبود، کافی بود که بر افکار مسلّط شود و قلوب را فرا گیرد.[۳۳]

۸. ریتورت واجب است اعتراف کنیم که: علوم طبیعی و فلک و

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۵۱

فلسفه و ریاضیات که در اروپا در قرن دهم رواج و رونق یافت، اقتباس از قرآن گردید و اروپا مدیون اسلام است.[۳۴]

۹. جویث قرآن، به جهت کثرت فصاحت و بلاغت، خواننده را به محاسن خود جذب می‌نماید و شوق و علاقه او را به قرائت، زیاد می‌کند.[۳۵]

۱۰. دکتر موریس فرانسوی: قرآن فاضل‌ترین کتابی است که دست صناعت ازلی برای بشر پدید آورده و کتابی است که در آن شکّ و شبهه‌ای نیست.[۳۶]

۱۱. بولاتیلر: دشوار است که انسان گمان کند، قوّه فصاحت بشری دارای تأثیر قرآنی باشد. قرآن معجزه است؛ زیرا مردان زمین و فرشتگان آسمان از ساختن مثل آن عاجز و قاصرند.[۳۷]

۱۲. پروفسور دکتر سیلقیوفردیو ایتالیایی می‌گوید: بیشتر کسانی که در قرآن بحث و بررسی دارند، در تاریخ شرق متخصّص هستند و از تعصّب برکنارند؛ اجماع دارند بر این که: بزرگ‌ترین عمل ممکن برای خدمت بشر تا این زمان قرآن است.[۳۸]

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۵۲

۱۳. مسترکرنیکو انگلیسی، استاد آداب عربی در دانشگاه «الیکره»، وقتی که اساتید و ادبا در مجمعی از او درباره اعجاز قرآن پرسش کردند، پاسخ داد: قرآن برادر کوچکی به نام نهج البلاغه دارد. آیا در امکان کسی هست که مانند این برادر کوچک بیاورد تا برای ما جایز باشد که در امکان آوردن مثل برادر بزرگ، سخن بگوییم.[۳۹]

۱۴. لیون در جلالت و مجد قرآن، همین بس که مرور چهارده قرن نتوانسته از آن چیزی بکاهد، و هم چنان تازه و زنده است.[۴۰]

۱۵. جیبوس نیز از کسانی است که اعتراف می‌کند به این که قرآن، دستور اساسی و قانون عام برای عالم اسلامی است، دین و دنیا، سیاست و اجتماع، جنگ و تجارت، دادگستری و داوری و آن‌چه بر آن حیات انسانی دور می‌زند، در قوانین قرآن فراهم شده است.[۴۱]

۱۶. ادموند یورک قانون محمّدی، قانونی است که برای همگان از سلطان تا کم‌ترین فرد مقرّر شده، و استوارترین نظام حقوقی و بزرگ‌ترین موازین علمی قضایی و عظیم‌ترین تشریع روشن و منوّری است که همانند آن در عالم، هرگز پدیدار نشده است.[۴۲]

۱۷. الکس لوازون محمّد صلّی‌الله علیه وآله وسلّم کتابی به جا گذارد که در

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۵۳

میان مسایل علمی جدید و نوین، آیت بلاغت و سجل اخلاق و کتاب مقدّس است؛ مسأله‌ای که با اساس و پایه‌های اسلامی معارضه نماید، وجود ندارد و بین تعالیم قرآن و قوانین طبیعت مناسبت و سازگاری و مطابقت تمام برقرار است.[۴۳]

۱۸. جیمس متشز: شاید قرآن از هر کتابی در عالم، بیشتر خواننده داشته باشد و به طور حتم از هر کتابی برای حفظ، آسان‌تر و تأثیرش در دل‌ها بیشتر است. و از مزایای آن این است که هنگام شنیدن آن، دل‌ها خاشع و ایمان زیاد می‌شود.[۴۴]

۱۹. دکتر لویس صابونجی متوفّی ۱۹۲۸، قصیده‌ای در مدح پیغمبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم سروده است که مَطْلَع آن این است:

اَلی العُربِ وَافی بِالرِّساله احمدُوَجاءَ بِآیاتِ الکتابِ یوَحِدُ[۴۵]

۲۰. عبدالله یورکی در اشعار بسیاری رسول اعظم و قرآن مجید را مدح و ستایش فراوان کرده که از آن جمله این ابیات است:

قَبَسٌ مِن الصحراءِ شَعشَعُ نُورُهُفَجلا ظَلَام الجَهلِ عَن دُنیانا

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۵۴

وَمَشی وَفِی اردانه عَبَقُ الهُدیوَاریج فَضلِ عَطَّرَ الاکوانا

بَثَّ الشَریعَه مِن غَیاهب رَمسِهافَرعی الحُقُوقُ وَفَتَّحَ الاذهانا

مَرحی لُامی یَعَلِّمُ سِفَرهُنُبغاء یعرب حِکمه وبیاناً

تا این که می گوید:

انِّی مَسِیحی اجِلُّ مُحَمَّداًوَراه فِی سِفرِ العُلا عُنواناً

وَاطَأطَأ الرَّأسَ الرَّفیع لِذِکْرِ مِنصاغَ الْحَدِیثَ وَعَلَّمَ الْقُراناً

انِّی اباهِی بِالرَّسُولِ لَانَّهُصَقَلَ النُّفُوسَ وَهَذَّبَ الوجدانا

وَلِانَّه داسَ الجَهالَه وَانتَضیسَیف الجِهاد فَحَطَّم الاوثانا[۴۶]

.

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۵۵

غیر از شخصیت‌های مذکور، دانشمندان، شعرا و ادبای دیگری مانند: «ودیع بستانی»، «خلیل مطران»، «شبلی ملاط»، «سابازاریق» (شاعر فیحاء)، «حلیم دموس»، «تولستوی» روسی، «میس کوک» آمریکایی، «کارلایل»، «ولز» انگلیسی، «مونتیه» فرانسوی و دیگر

دانشمندان بزرگ کشورهای اروپایی، آسیایی و آمریکایی- که حتّی آوردن نام آن‌ها در

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۵۶

این مجال امکان نـدارد- از قرآن به بزرگی و اعجاز یاد کرده‌انـد که یکی از اهل اطّلاع، کتابی بزرگ در این موضوع نگاشـته و در آن، اعترافـات بیگانگـان را از هر ملّت، هر کشـور و هر زبـان، بـا همـان لغـات و خـطّ خودشـان جمع آوری کرده و کرامت اسـلام، جامعیت، مزایا و مفاخر این دین حنیف را از زبان و قلم آنان شرح داده است.

وَالْفَضْلُ ماشَهِدت بِه الاعداءُ

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۵۸

فصل چهارم: قرآن، کتاب زندگی

تمسّک به قرآن

ما مسلمانان بر آن عقیده‌ایم که قرآن، نور و رحمت و هدایت به سوی خیر و سعادت است و کافی تر و جامع‌تر از آن دستوری برای بشر نیامده و نخواهد آمد و جامعه انسانی با وجود احکام قرآن و مکتب اسلام به هیچ نظام و قانون دیگری احتیاج ندارد.

شک نداریم که اگر تعالیم قرآن به اجرا درآید، نقاط ضـعف و نابسامانی‌هایی که زندگی جوامع بشـری را فرا گرفته، مرتفع خواهد شد و برادری و عدل و داد، جهان را فرا خواهد گرفت.

بنابراین، وظیفه ما است که به حکم حدیث شریف و متواتر:

انِّی تارِکٌ فِیکُمْ الثَّقَلَیْنِ کِتابَ اللهِ وَعِترَتِی ما ان تَمَسَّکتُم بِهما لَن تَضِلُّوا ابَداً[۴۷]

به قرآن و عترت پیامبر صلّی‌الله علیه وآله وسلّم متمسّک شویم و رسالت

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۵۹

قرآن را به جهانیان برسانیم؛ مبـدأ و مقصد انجام حرکات و نهضت‌ها، اقدامات و انقلاب‌های اصـلاحی را، تعالیم قرآن قرار دهیم؛ و همواره آن را نقطه شـروع و نقطه پایان، مصـدر هـدایت و منبع جهش بدانیم. در تمام شؤون و نواحی زندگی فقط به قرآن و عترت رجوع نماییم و آن را یگانه میزان و قانون محترم و واجب الإتّباع دین و دنیا دانسته، در هیچ اقدام و هیچ حال از آن غافل نگردیم.

بـدیهی است که مسـلمان نمی‌تواند قرآن را از زندگی، اجتماع و دین و دنیای خود دور کرده و به جدایی دین از دنیا و روحانیت از سیاست، قایل شود.

مسؤلیتی که متوجّه ما مسـلمانان، می‌باشد، این است که به جدایی دین از دنیا تسلیم نگردیم؛ اگرچه بسیاری، نادانسته و جاهلانه این جدایی را پذیرفته‌اند.

هر فرد مسلمان باید به این پرسش‌ها پاسخ گوید:

آیـا مـا قرآن را مصـدر واقعی اقـدامات و منبع الهامـات می‌دانیم؟ و برای اخطـارات و ابلاغـات اعتبار قایلیم؟ آیا در ایمان به قرآن و راهنمایی‌های آن جدّی و پابرجا و استوار هستیم؟

آیا برنامه زنـدگی ما از قرآن گرفته شـده است؟ و به قـدر یک رژیم درمانی و بهداشتی و یک نسـخه پزشک، از کتاب خدا پیروی می کنیم؟ و آیا می‌توانیم به این پرسش‌ها پاسخ مثبت بدهیم؟

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۶۰

تـا وقتی که زنـدگی، اجتمـاع، اعمال و رفتار، دروس و برنامه حیاتی به گونه‌ای باشـد که در برابر این سؤالات، جواب مثبت نداشـته

باشیم، از حریم امن و کرامت و عزّت قرآن مجید دور هستیم.

قرآن و اجتماع اسلامی

تشخیص و تمیز اجتماع اسلامی از جوامع دیگر به این است که مصدر افکار و افعال و سلوک اجتماعی، تربیتی، تجاری، سیاسی و مبدأ تحرّک و محور تمام فعّالیت‌های علمی و صنعتی و اصلاحی، «قرآن» و «سنّت» باشد. از این رو، اگر مسلمانان بتوانند در آغاز و مطلع قرن پانزدهم چنین انقلابی در جهان اسلام و در جوامع خود به وجود آورند، آینده آنان سعادت بخش و مقرون به رستگاری و آزادی خواهد بود و برای ابلاغ رسالت اسلام به جهانیان و نجات بشر از این همه سرگردانی و گمراهی، لیاقت و شایستگی خواهند یافت.

با کمال تأسّف، جهل به احکام و تعالیم و ارشادات قرآن و عدم دست‌یابی بسیاری از مسلمانان به اهداف واقعی و مقاصد این دین حنیف، سبب شده که افرادی به اصطلاح روشن‌فکر امّا گمراه و کم اطّلاع این حقیقت که قرآن باید مبدأ تحرّک و مصدر اقدامات و سازنده اجتماع باشد را انکار و یا در آن تردید نمایند.

اگر این گونه افراد، در نظراتی که اظهار می‌دارند، مقصدشان تقلید کور

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۶۱

کورانه از بیگانگان و تأیید دشمنان اسلام و مزدوری برای آن‌ها نباشد و در عقیده خود اصرار و لجاجت ندارند، باید با ادلّه و براهین و تذکّر آیات محکم قرآن در مسایل مهمّ سیاسی، اجتماعی و انتظامی آنان را قانع سازیم که انسان در هر دُور از ادوار حیات و در هر عصری از اعصار و در شؤون مختلف از قبیل: حیات دنیا و آخرت، روح و جسم، ظاهر و باطن، انفرادی و اجتماعی، محتاج به هدایت خدا و استمداد از رهبران آسمانی و پیروی از برنامه‌های جامع الهی است. و چنان‌چه تحقیق و مطالعه در ادیان و کتب آسمانی و مکتب‌های اجتماعی نشان می‌دهد: غیر از قرآن، دستورالعمل دیگری- که جاودان و کافی و شامل تمام نواحی زندگی باشد- وجود ندارد.

افراد دیگری فکر جدایی دین و دنیا را پیش کشیده و می‌خواهند دایره هدایت قرآن را تنگ کرده و دین را منحصر به عبادات، اخلاقیات و عقاید سازند و در حقیقت، قرآن را صرفاً یک کتاب اخلاق یا یک کتاب دعا تلقّی کرده و آن را در مجالس ترحیم و بر سر قبور اموات بخوانند و هنگام سفر، به همراه آن مسافر را بدرقه کنند و یا در سند ازدواج و جهیزیه، از روی تبرّک، وجود یک جلد قرآن را ذکر کنند و یا آن را به بازوی خود ببندند و شاید عدّه قلیلی هم باشند؛ که گاه گاهی به فیض تلاوت آن نایل شوند.

امّا آیا انتفاع و استفاده از قرآن، فقط همین است و معنای

«وَمَن جَعَلَهُ

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۶۲

اَمَامَهُ قادَهُ الَی الجَنَّهُ»[۴۸]

این می‌باشد؟

بدیهی است افرادی که قرآن را از دنیا و از اجتماع، از معاشرت و مجالست، از اداره مملکت و منزل و امور دیگر جدا ساخته و اسلام را در فکر و عمل تجزیه کرده‌اند، گمراه هستند؛ زیرا بر حسب محکمات آیات قرآن و اجماع مسلمین و سیره رسول اعظم و ائمه علیهم السّلام و احادیث و اخبار و فقه اسلام، دین از دنیا جدا نیست و تعالیم قرآن محدود به امور عبادی، اعتقادی و اخلاقی نمی‌باشد.

درباره نظم بخشیدن به امور دنیایی از قبیل: امور مالی و اقتصادی، قضایی، حکومتی، اجتماعی و سیاسی در قرآن آیات صریح

بسیاری موجود است و هر کس به دقّت قرآن را مطالعه کنـد، می‌یابد که رسالت قرآن، هدایت بشـر در جمیع نواحی زندگی است. جـدایی دین از دنیا- که بعضـی به تقلیـد بیگانگان، آن را مطرح می‌کننـد- به هیچ وجه با تعالیم اسـلام سازگار نیست و معنای آن، نقص دین و شریعت (العیاذ بالله) و وافی نبودن آن به رفع حوایج و نیازمندی‌های اجتماعی و سیاسی است.

برخی دیگر نیز هـدایت قرآن را تمام و جامع و شامل می‌داننـد؛ ولی در مقام عمل به تعالیم دیگر گرایش پیدا می‌کنند و مکتب‌های غیر اسلامی، و افکار و آراء و دستور زندگی خود را از جاهای دیگری اقتباس

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۶۳

می‌نمایند و سپس سعی دارند با تأویل و توجیه نصوص، کتاب و سنّت را با آن افکار و تعالیم، موافق معرّفی نمایند. چنان چه برخی در اسـتفاده از آیـات قرآن، اخبـار و احـادیث را ترک کرده و روایـات را کنار می‌گذارنـد و بـدین گونه بین قرآن و عترت جـدایی می‌اندازنـد و به اجماع فقها و فهم و اسـتظهارات بزرگان، اعتنا نمی‌کننـد، که بی‌شک هـدف آنان از این روش، پیدا کردن معاذیر و دستاویزهایی برای پیروی از نظریات مأخوذ از دیگران و تقلید از اجانب و مکتب‌های غرب یا شرق است.

این دو دسته نیز در روشنی تعالیم اسلام گام برنمی‌دارند، و روشی که دارند، آنان را از قرآن دور، و جمال زیبای اسلام را مستور، و هرج و مرج فکری و اعتقادی و پراکندگی ایجاد می‌کنند.

این دو دسـته را باید به کیفیت صـحیح و طریق مسـتقیم استفاده و استنباط از کتاب و سنّت، راهنمایی کرد؛ و از توجیه و تأویل و هم چنین تقلید از افکار بیگانگان و مکتب‌های مادّی و ضعف شخصیت، برحذر داشته و آنان را به استقلال فکر و تعقّل و تأمّل و پیروی از علم تشویق نمود.

دسـته پنجم، کسانی هسـتند که به طور جـدّی و قاطع، قرآن را منبع هـدایت و یگانه کتاب راهنمای دنیا و آخرت می‌دانند؛ و از هیچ مکتب و مصدر دیگری حاضـر به اقتباس برنامه زندگی نیستند و متون و نصوص کتاب و سنّت را محترم شمرده و به حلال و حرام و واجب و مستحب

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۶۴

و مکروه آن ایمان آورده و قرآن را راهنمایی برای همه می‌دانند.

این افراد را می‌توان اهل قرآن و امّت قرآن خواند؛ و این‌ها هستند که می‌توانند جمله

«وَالقُرآنُ کِتابی»[۴۹]

را بگویند.

این جمعیت، جمعیت وفادار به قرآن و خواهان اجرای کامل احکام قرآن هستند؛ هر چنـد وفاداری و فداکاری آنان یکسان نیست و امتحانات و حوادث، معلوم می‌سازد که تا چه حد و تا کجا و به چه مقدار برای قرآنی شدن اجتماع، فداکاری و اقدام می‌کنند.

آیا به همان عقیده قلبی وبحث علمی در این موضوع، قناعت کرده یا حاضـرند قدم به جلو گذارند و واقعاً هدایت اسلام را بر مسایل زندگی از اخلاق و معاملات، تربیت، اقتصاد و ... تطبیق نمایند و به اخطارات و انذارات و بشارت‌ها و تعالیم قرآن توجّه کنند؟

وظیفـه‌ای کـه این دسـته در مقابـل دین و قرآن دارنـد این است که: قرآن را مـایه نشـاط فکری و برنـامه عمـل و حرکت قرار داده و تصـمیم بگیرنـد که در هیـچ جـا و هیـچ مورد از آن منحرف نشونـد و تنها به این که قرآن، زینت اوراق مصاحف و محور بحث‌ها و مطالعـات علمی و فقهی و تحقیقی است و از خوانـدن و نوشـتن و شـنیدن آن، زبان‌هـا و دست‌هـا و چشم‌هـا و گوش‌هـا مسـتفیض می‌شود، اکتفا نکرده و اجرای احکام قرآن را- که کتاب عمل و کتاب دین و دنیا و برنامه حیات است- هدف

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۶۵

خود قرار داده و به آن اهمیت بدهنـد؛ دین و احکـام آن را به عقایـد و عبـارات و جنبه‌های فردی و روحی محـدود نسازنـد و در هر

رشته‌ای احکام قرآن را مطاع و مرجع دانسته؛ و دنیا و آخرت خود را با احکام آن اداره کنند.
تا وقتی که این وضع در جوامع مسلمانان به وجود نیاید و افراد غیور و با همّت برای تحقّق این مقصد، کمر همّت نبندند و صادقانه و مخلصانه، تلاش و جهاد ننمایند، از بحث علمی و اعتقادی بی‌عمل، رهبری و هدایت قرآن بر کرسی تسلّط مطلق بر تمام شؤون بشر، مستقر نمی‌شود. از این رو باید کاری کرد که آفتاب اسلام در عرصه‌های گوناگون زندگی مسلمانان پرتو افکن شده و جلوه نفوذ و رسوخ اشعّه آن در نواحی متعدّد حیات آنان آشکار گردد.
یقیناً اگر بحث علمی و اعتقادی مقدّمه عمل نباشد، سبب ادای رسالت اسلام و تمکین آن نخواهد شد. رهبران و زعما باید به طور جدّی و صادقانه، اقدامات چشم‌گیر و مؤثّری بنمایند که اسلام و احکام اسلام در میان متون و کتب حدیث و فقه و در حجره‌های مدارس طلّاب علوم دینی و کتابخانه‌ها مستور و پنهان نماند؛ و در میادین دیگر به ویژه میدان عمل و سازندگی در هر زمان و مکانی آن احکام و دستورات عالیه اجرا شود.
مادام که دنیا قرآن را در اجتماع مسلمانان، مرجع امور و مصدر نهضت
عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۶۶
و تحرّك نبیند، از حقیقت اسلام و قدرت آن در سازندگی مترقّی‌ترین اجتماعات چیزی نمی‌فهمد. و تا زمانی که قرآن را سازنده اجتماع و مدنیت ما نبینند، هر چه در تبلیغ اسلام و مطالبی که در اجتماع چند صد میلیونی مسلمانان از آن اثری نیست تلاش کنیم، ثمرات و آثار مهمّی نخواهد داشت.
دنیا به ما می‌گوید: اگر چنان چه شما مدّعی هستید که از امّت حضرت خاتم الانبیاء صلّی الله علیه وآله وسلّم می‌باشید؛ اسلام را دین خدا و قرآن را کتاب خدا و قانون حکومت و اجتماع و تجارت و حیات و موت می‌دانید و به آن ایمان دارید و نقص و ناتمامی در آن فرض نمی‌کنید، پس چرا ریزه‌خوار خوان دیگران شده و پای رکاب دیگران می‌دوید و کورکورانه نظریات و آرا و مبانی و راه دیگران را گرفته و ترویج می‌کنید؟
چرا در اجتماعات شما از اسلام جز در داخل مساجد، در مراسم عبادت، در گورستان، در مجالس دینی، مدارس طلّاب و کتب دینی کم‌تر می‌توان خبر گرفت و برنامه‌های اجتماعی وسیع و مترقّی اسلام، متروك و احکام آن تا حدودی تعطیل شده و مظاهر اجتماعات غیر اسلامی، از جمله در: خیابان‌ها، مؤسّسات، سازمان‌ها و حتّی تربیت و تجارت و تبلیغات، شما را فرا گرفته است؟!
وظیفه مسلمان‌ها است که با ساختن و روی کار آوردن اجتماع اسلامی
عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۶۷
به این پرسش پاسخ دهند.
در عصر حاضر، بهترین و بزرگ‌ترین خدمتی که هر مسلمان باید به اسلام و قرآن بنماید، این است که: با محدود کردن قرآن در دایره عبادات و چهاردیواری مساجد و خانه‌های علما و جدا کردن آن از اجتماع و امور دنیا- که یك فکر خطرناك غربی و بیگانه از اسلام است- مبارزه کند و مفاهیم و مقاصد وسیع اسلامی را ترویج و تبلیغ نماید؛ تا هر جا، هر مقام و هر مجمع، سازمان و مؤسّسه‌ای، مظهر تعالیم اسلام گردیده و جامعه اسلامی با سرعت هر چه بیشتر ترقّی نماید.
قال الله تعالی:
ان تَنصروالله یَنصُرُکم وَیُثَبِّت اقْدامَکُمْ [۵۰]
عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۶۸

فصل پنجم: سلام بر ماه خدا[۵۱]

اشاره

سلام بر میهمانان خدا!

سلام بر روزه داران!

سلام بر آنان که با نیروی ایمان، جنبش‌ها و تمایلات نفسانی را مهار کرده و می‌توانند خود را از آلودگی‌های شهوت و غضب، و از پلیدی و زشتی کنار کشیده و پاک و بی‌غلّ و غش زندگی کنند.

سلام بر کسانی که حرمت ماه رمضان را نگاه داشته؛ و از برکات و فضیلت‌های این ماه برخوردارند.

روزه‌دار عزیز! تو میهمان خدایی! تو مشمول آمرزش و رحمت او هستی! نفس کشیدن تو ثواب تسبیح و خواب تو ثواب عبادت را دارد؛

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۶۹

پس قدر خود را بدان!

بدان که بزرگ‌ترین مکتب تربیتی و روحانی اسلام برای همه طبقات اعم از غنی و فقیر، شاه و گدا و عالم و جاهل، افتتاح شده و شعبه‌های

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۷۰

آن در کاخ‌های شهری و خانه‌های روستایی، در همه شهرها و نقاط مسلمان نشین باز گردیده و در عالم اسلام، وجد و نشاط و بیداری ضمیر و توجّه به معنویات، همه چیز را تحت الشّعاع قرار داده است.

به راستی که چه فرصت خوب و چه اوقات عزیزی است؛ اگر ما قدر آن را بدانیم. تا چه اندازه این ماه به ما نیرو می‌دهد؟ ما را امیدوار و سر زنده و تازه می‌کند و احساسات انسانی را بیدار می‌سازد؟

درود بر آن رهبرانی که در وصف روزه فرمودند:

الصَّومُ جُنَّةٌ[۵۲]

روزه سپر (زره) است.

به راستی روزه، سپر از گناه، از پلیدی و زشتی و از آفات خشم و شهوت است.

برنامه اخلاقی اسلام

در این دنیای پر غوغا که بسیاری از مردم از فشار مادّیات و مدنیت (منهای انسانیت) خسته شده و از سر گردانی‌هایی که توجّه به مادّیات برای بشر فراهم نموده، به ستوه آمده و از رواج فساد اخلاق، فحشا و

بی‌عفّتی و خدعه و نیرنگ رنج می‌برند، نیاز جامعه به معنویات و اخلاق هر روز آشکارتر می‌شود.

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۷۱

جمعیتی به نام تسلیحات اخلاقی تشکیل شده است که متأسّفانه چون برنامه کار آن‌ها به طور جامع و مستقیم از تعالیم مقدسّه اسلام الهام نمی‌گیرد، موفقیتی به دست نمی‌آورند و اگر هم سر و صدایی بلند کنند، بسیار محدود و گاهی ممکن است با اغراض سیاسی توأم باشد. از این گونه جمعیت‌ها و سازمان‌های ضعیف، کاری ساخته نیست؛ و نمی‌توانند در قلب و روح بشر وارد شده و او را در برابر همه این خطرات بیمه نمایند.

یگانه راهی که بشر را به سر منزل رستگاری می‌رساند، راه اسلام است. همان آیینی که تعالیم و برنامه‌های آن، همه جانبه و در هر عصر و زمان مترقّی‌ترین تعالیم است. همان دینی که معنویت و روحانیت آن، دل‌های بشر را تحت نفوذ گرفته و ماه رمضانش، وضع و اوقات کار و پیشه، اداره و برنامه زندگی و ... را عوض می کند.

اسلام برنامه تسلیحات اخلاقی عمیقی از چهارده قرن پیش به اجرا گذارده که اگر همه با هم همکاری کنند تا این برنامه از هر لحاظ اجرا شود، سطح اخلاق فاضله به میزان بی‌سابقه‌ای بالا خواهد رفت.

این برنامه تسلیحاتی اسلام در مقابل سپاه خشم و شهوت، بی عفّتی و ناپاکی، جنایت و خیانت، حبّ مال و جاه، بی‌رحمی، حرص، حسد، ظلم و ستم، تجاوز به حقوق ضعفا، ضعف اعصاب و ضعف روح، ناتوانی اراده و آفات دیگر، همان برنامه ماه رمضان است.

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۷۲

البتّه اسلام برنامه‌های اخلاقی و اجتماعی دیگر، بسیار دارد که چون موضوع گفتار ما نمی‌باشد، بحث درباره آن را به فرصتی دیگر محوّل می کنیم.

برای ما توجّه به برنامه‌های ماه رمضان لازم و مفید است؛ زیرا می‌توانیم با برنامه‌های آن نقاط ضعف و نواقص امور خود را برطرف کنیم.

آری، ماه رمضان، ماه روزه، قرائت قرآن، دعا و ذکر خدا، توبه و اعاده حیثیت، ماه کمک به مستمندان و صله رحم، ادب و حسن خلق بوده و دستوراتش به قدری جالب و ارزنده است که ارزش آن را با جواهرات و اموال این دنیا نمی‌توان سنجید. ثواب تمام اعمال حسنه و کارهای نیک در این ماه بیش از ماه‌های دیگر است.

قرائت قرآن مجید- به ویژه اگر با تأمّل در معانی آیات آن توأم باشد- ما را به معارف حقیقی و به عالم انسانیت، آشنا کرده و امراض روحی را شفا می‌بخشد.

رمضان و ادعیّه

ادعیه‌ای که در این ماه خواندن آن‌ها توصیه شده، رشد فکری، علمی، اخلاقی و اجتماعی مسلمانان را قوّت می‌بخشد و آنان را به مصالح اجتماع و کوشش در قضای حوایج مردم، علاقه‌مند می‌سازد؛ و آتش

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۷۳

حرص و آز را فرو می‌نشاند.[۵۳]

دعای «افتتاح»، معارف اسلام و عقاید حقیقی و حمد و سپاس خدا و کیفیت صلوات و عرض ادب به محضر پیغمبر اکرم و ائمه طاهرین علیهم السلام را می‌آموزد.

سحر گاهان خواندن دعاهای سحر مخصوصاً دعای «ابی حمزه ثمالی» انسان را در عوالمی ملکوتی و روحانی سیر می‌دهد و او را به افق اعلی صعود می‌دهد.

آن چه در این دعا درج است از موادّ لازم برای ترقّی روح، و از تمام موادّی که استفاده از آن برای تغذیه جسم و تربیت بدن احتیاج می‌باشد، گران‌بهاتر است.

این دعا، برای تربیت روح و اصلاح امور اجتماعی و هدایت فکری، اعتقادی و تنظیم امور معیشت، مانند کتاب جامعی است که حاوی تمام دستورات بهداشتی جسم باشد؛ هر چند این مثال هم در معرّفی این دعا ناقص است.

تمام جملات این دعا، ارزنده و با اهمیت است و هر بندی از آن ما را به یک یا چند وظیفه از وظایف انسانی، اجتماعی و اخلاقی متوجّه می‌سازد و از همه بالاتر، روحانیت و حقیقتی است که خواننده در این

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۷۴

دعا احساس می‌نماید.

نماز جماعت، مظهر اتّحاد

نماز جماعت که یکی از بزرگ‌ترین شعایر اسلام است و همواره باید مظهر شوکت و اتّحاد و نشانه اتّفاق و عظمت مسلمین باشد، در ماه رمضان رونق بیشتری یافته و مساجد از نمازگزاران- که کار و شغل خود را رها کرده و در برابر خدا با هم کیشان خود از سیاه و سپید، سر به سجده می‌گذارند- موج می‌زند.

روح عدالت، مساوات و آزادی اسلامی ظاهر می‌شود. آقا و نوکر، استاد و شاگرد، فقیر و غنی، همه در کنار هم می‌ایستند و چه بسا که گاهی سرباز در صف جلو و افسر ارشد در پشت سر او مشغول نماز و نیایش ذات پروردگار است.[۵۴] و از آن‌ها کسی به خدا نزدیک‌تر است که تقوا و پرهیزکاریش بیشتر باشد و چنین همه با هم «اللهُ اکبر» و «سُبحانَ رَبِّی العَظِیم» و «رَبِّی الاعلی» و «بِحَولِ‌الله وَقُوَّتِه اقُومُ وَاقعد» می‌گویند.

ارشاد و تربیت در رمضان

علما و گویندگان و خطبا بر منبرهای وعظ و ارشاد، توفیق هدایت و

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۷۵

دعوت به دین و بیان احکام و تهذیب اخلاق را در این ماه بیشتر دارند.

در حقیقت باید گفت: ماه رمضان یک مؤسّسه تربیتی و ارشادی و مدرسه‌ای است که همه ساله تشکیل می‌شود و تعالیم آن عمومی و همگانی است. مدرسه‌ای که هم وظیفه آموزش و پرورش و هم وظیفه شهربانی خوب و مأموران امین انتظامات و هم وظیفه بهداری و هم عمران و آبادی و هم وظیفه سازمان‌های خیریه و تعاون و نیکو کاری و هم راهنمایی‌های دینی و اجتماعی را انجام می‌دهد.

به طور قطع اگر بشر بخواهد با تمام وسایل مادی و بودجه‌های هنگفت و کلان چنین مدرسه‌ای بگشاید که روحانیت و حقیقت آن را رهبری نماید، قادر نخواهد بود.

امّا به نیروی نفوذ کلمه یگانه رهبر بزرگ جهان بشریت حضرت محمّد بن عبدالله، پیامبر اسلام صلّی‌الله علیه وآله وسلّم همه ساله این مدرسه و این دانشگاهی که بیش از ششصد میلیون دانشجو دارد و شعبه‌های آن مساجد و خانه‌ها و اطاق‌ها و منازل مسلمین است، افتتاح و معلّمین روحانی از فراز منابر و درون مساجد به درس و راهنمایی و هدایت مردم انجام وظیفه می‌کنند.

اگر مسلمین به طور صحیح از این فرصت عالی برای تهذیب اخلاق و تحکیم مبانی ایمان و صداقت و صحّت عمل، بهره‌برداری نمایند، به طور قطع به موفقیت‌های درخشانی نایل می‌گردند.

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۷۶

در این برنامه هیچ عیب و نقصی نیست و کامل‌تر از این برنامه تربیتی پیدا نمی‌شود؛ ولی متأسّفانه ما در استفاده از آن کوتاهی می‌کنیم.

روزه دار عزیز! ما می‌دانیم که در روزه‌داری فقط به طاعت پروردگار نظر داری؛ امّا بدان که روزه عبادتی است که مصالح و فواید آن بسیار است و فایده آن منحصر به تهذیب نفس و تمرین خودداری و ایستادگی و مقاومت در برابر تمایلات اهریمنی نفس سرکش و صفای باطن و نورانیت ضمیر نیست.

نقش بهداشتی روزه

روزه از نظر بهداشت جسم و جلوگیری از بیماری‌ها و از نظر علاج امراض هم مفید و مؤثّر است. و اگر انسان بخواهد از سلامت مزاج برخوردار شود، باید همه ساله این یک ماه را به رژیم اسلام در غذا و سایر تمتّعات عمل نماید.

مؤلّف کتاب روزه و نفس می گوید: روزه از نظر صحّی و بهداشتی، وسیله‌ای برای تطهیر بدن از سموم ضارّه و از غذاهای غیر لازمه می‌باشد.

دکتر روبرت بارتلو می گوید: شکّی نیست که روزه از وسایل مؤثّر در نجات از میکروب‌های مضرّه است.

دکتر عبدالعزیز سلیمان می گوید: روزه در موارد بسیاری مورد استفاده

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۷۷

و طریق علاج است و در حالات بیشتری سبب حفظ صحّت و سلامت بدن است.

وی پس از آن می گوید: حکمت بسیاری از اوامر دینی با پیشرفت علم ظاهر می‌شود و از آن جمله در مورد روزه ظاهر شده است؛ که در حالات بسیاری مفید و نتیجه بخش و در حالات دیگر علاج منحصر به فرد است.

سپس مواردی را که روزه به عنوان علاج تجویز می‌شود (مانند: اضطرابات مزمنه امعاء والتهاب حاد و مزمن کلیه و امراض قلب) را ذکر کرده و می گوید: روزه در هر سال، یک ماه ۵۵] بهترین وسیله پیش گیری از جمیع امراض است که در حقیقت این بیان همان ترجمه حدیث معروف «صُومُوا تَصِّحُوا» است.

دکتر ظواهری می گوید: کَرَم ماه رمضان شامل بیماران بیماری‌های جلدی نیز شده است؛ زیرا بعضی امراض جلدی با روزه بهبود می‌پذیرد.

وی بعد از یک سلسله تحقیقات علمی درباره امراض جلدی می گوید: بهترین علاج برای این حالات، خودداری و امساک (روزه‌داری) از طعام و نوشیدنی‌ها است.

سپس، نظرات علمی خود را راجع به تأثیر روزه در جلوگیری از افزایش میکروب‌های ضارّه اظهار داشته و می گوید: ماه روزه ماه

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۷۸

استراحت از این سموم و ضررهای آن می‌باشد.

او امراضی را معرّفی می کند که «روزه» علاج آن‌ها شناخته شده است.

بعضی از دانشمندان مطّلع می گویند: روزه وسیله حفظ الصّحه و علاج امراضی است که تمدّن و رفاه پرستی، سبب پیدایش یا انتشار آن شده و هر چه وسعت دایره تمدّن بیش‌تر شود، رژیم روزه‌داری اسلام بیشتر لزوم پیدا می کند. و سرّ این که اسلام از سایر ادیان به روزه بیشتر اهمیت داده، این است که اسلام آخرین شریعت آسمانی است؛ و در زمانی آمده که امراض به واسطه افراط در خوش گذرانی و خوش خوراکی، روز افزون بوده است.

بنا به نقل یکی از کتب علمی، تازه‌ترین نظرات علم بهداشت این است که: بر هر شخصی خصوصاً سالمندان واجب است در هر هفته یک روز یا در هر ماه یک هفته را روزه بگیرند؛ و بهتر این است که در سال، یک ماه روزه بدارند.

یکی از مشهورترین مراکز بهداشتی دنیا، مرکز بهداشتی دکتر هنریج لاهمان در سدن سکسونیا است. در این مرکز صحّی، بیماران را با روزه معالجه می کنند و علاوه بر این، مراکز دیگر مانند: مرکز بهداشتی دکتر برشریز و دکتر مولر و ... نیز وجود دارد که به این روش، به معالجه بیماران مبادرت می‌ورزند.

یکی از پایه‌های علاج در این مراکز، یکی پاک کردن جسم بیمار از

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۷۹

فضولات زائده بر حاجت جسم است که اسباب سستی فعّالیت سایر اعضا می‌شود. و دیگری، فرصت استراحت دادن به اعضا و جهاز هاضمه است.

غالباً این روش علاج، در امراض مهمّی مثل: اضطراب هضم، امراض قلب و کبد و کلیه و بالا رفتن فشار خون، مؤثّر واقع شده است.

***

پس ای روزه‌دار عزیز! قدر خود را بدان و فرق خود را با روزه خواران نادان و شکم پرست که بی عذر شرعی روزه خواری می کنند، بشناس.

متوجّه باش که تو نیرومند و قوی هستی! تو هستی که سرسختانه و با احاطه بر امیال نفسانی، پیروز شده و کشوری را که قهرمانان زورمند و پیلتن از فتح آن عاجز شده‌اند، فتح کرده‌ای!

روزه رمز صبر و بردباری بشر می‌باشد. کدام صبر بالاتر از صبر بر گرسنگی و تشنگی است که سفره غذاهای لذیذ گسترده باشد و انسان یک لقمه از آن را به دهان نزدیک نبرد و قَدَح آب خنک حاضر باشد و با غلبه بر تشنگی، شکیبایی ورزد و آب نیاشامد.

این نیروی ایمان است که می‌تواند به جان آدمی چنین صبر و ثبات بخشد و هر جا که خواست خواهش‌های نفس را کنترل کند؛ و او را به نظم و ترتیب و حفظ مقرّرات و انضباط عادت دهد.

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۸۰

این روزه داران بودند که با عدّه کم، قشون‌های بسیار را شکست دادند و ممالک و کشورهای زیادی را فتح نمودند.

همین روزه دارن بودند که با دست خالی، امّا با دلی پر از ایمان و فضیلت و با سلاح صبر و استقامت و اسلحه‌ای که ماه رمضان به آنان عطا کرده بود، صفوف سپاهیان مسلّح دنیا را از هم شکافتند؛ و در میادین جنگ، در حالی که روزه‌دار بودند، شربت شهادت می‌نوشیدند.

روزه دار پاکدل! تمام این فواید در مقابل ثواب و اجرهایی که برای روزه مقرّر شده و در برابر تقرّبی که روزه‌دار به درگاه آفریدگار جهان حاصل می کند و معنویت و وسعت روح و نشاطی که در خود احساس می کند، ناچیز است.

روزه دار موفّق و با اراده! حال که در دانشگاه الهی (ماه رمضان) به یاد گرفتن اصول عالی انسانیت و ریاضت نفس و قدرت اراده اشتغال داری، همه دروسی را که در این مدرسه به تو می‌دهند، خوب به خاطر بسپار و آن‌ها را در زندگی خود به کار گیر؛ و بدان که تمام احکام اسلام- دینی که من و تو به آن افتخار داریم- همین قِسم است و سعادت بشر در گرو عمل به این دین است.

بیا در این ماه رمضان تصمیم بگیر و تلاش کن هر قدر که می‌توانی به اسلام، به قرآن، به هدف عالی پیامبر و امامان، به توسعه فرهنگ و معارف اسلامی، به تهذیب اخلاق جوانان و نسل حاضر، کمک کنی، و دِین خود را به دین اسلام ادا کرده و خود نیز فردی صالح و شایسته،

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۸۱

خیرخواه، خدمت گزار جامعه و مواظب وظایف دینیت باش! در اجتماعات مسلمین، در نماز جماعت و مجالس تبلیغ همیشه شرکت کن.

جوانان ارجمند! سالمندان بزرگوار! اساتید دانشگاه و شخصیت‌های کشوری و لشکری! هر که و در هر مقامی که هستید ماه رمضان را احترام کنید. و خود را در معرض نسیم‌های رحمتی که در این ماه همواره در وزش است، قرار دهید. حتماً در نماز جماعت‌ها و در مساجد شرکت کنید و با مردمی که در حقوق انسانی از شما چیزی کم ندارند، در یک صف بنشینید و مساوات اسلامی را به عالم نشان دهید. خود را به برادران دینی خود نزدیک کنید تا همه با هم، هم فکر و هم رنگ، پیوند اتّحاد خود را محکم و

استوارتر سازید.

مگر باید بعضی افراد را فقط در سینماها و مجالس شب نشینی معلوم‌الحال (!) ملاقات کنند؟! آیا بهتر نیست که در مسجد و مرکز تعلیم و ارشاد و ایمان حضور یابید و این رسم را در این مملکت اسلامی معمول سازید؟ مگر در ممالک متمدّنه، مسیحی‌ها، شخصیت‌ها و رئیس جمهوری‌ها، زمامداران و پروفسورها در مراسم کلیسا شرکت نمی‌کنند؟! ما یقین داریم که بهترین وسیله برای تقویت اتّحاد و هماهنگی بین تمام طبقات، شرکت جستن همه مقامات در مراسم دینی و اسلامی است. به امید خدا و به انتظار همّت مسلمانان آگاه و غیرت مردان آزاده و پاکدل

و ترقّی خواه.

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۸۳

فصل ششم: هلال ماه رمضان

اشاره

رَبِّی وَرَبُّکَ الله رَبَّ العالَمِین ۵۶]

اینک بیش از هزار و چهارصد سال است که مسلمانان هلال ماه رمضان را با نشاط و اقبال بسیار به عبادت خدا و شور و سرور استقبال می‌کنند، و مانند کسی که مدّت‌ها انتظار بازگشت عزیزترین مسافر را کشیده، از مقدمش غرق شادی و خشنودی شده، خدای را بر این توفیقی که یافته‌اند سپاس‌گزاری می‌کنند.

سپاس‌گزاری می‌نمایند؛ چون میهمان خدا شده و در دار الضّیافه حق، به کرامت و شرافت مشرّف شده‌اند:

وَهُوَ شَهرٌ دُعِیتُم فِیهِ الی ضِیافةِ اللهِ جُعِلْتُمْ فِیهِ مِن اهلِ کَرامةِ اللهِ ۵۷]

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۸۴

سپاس او را به جای می‌آورند، چون افتخار درک روزها و شب‌های پر برکت ماه مبارک را نصیب آنان فرموده است.

پروردگار را حمد می‌کنند که باز فرصت تهذیب اخلاق و اصلاح احوال و نیل به فیوض بسیار و تزکیه باطن و صفای نفس یافته و شعور اسلامی خود را زنده و احساسات پاک انسانی را شاداب ساخته و دلها را با استغفار و توبه، دعا و مناجات و یاد خدا جلا داده و با اولیا و بندگان مقرّب خدا در سیر طریق معرفت و اطاعت، همکاری می‌کنند. چه ماه پرارزش و چه اوقات گرانبها و چه سرمایه عزیزی که به دست آن‌ها آمده است.

از حضرت باقر علیه السّلام روایت است که فرموده: «پیغمبرصلّی‌الله علیه وآله وسلّم به مردم روی می‌کردند و می‌فرمودند: ای گروه مردم! وقتی هلال رمضان طلوع می‌کند، شیاطین سرکش به غل بسته می‌شوند و درهای آسمان و بهشت و درهای رحمت باز می‌شود و درهای آتش بسته می‌گردد و دعاها مستجاب می‌شود، و در هنگام افطار هر روز، برای خدا آزاد شدگانی است که از آتش، آن‌ها را آزاد می‌کند و هر شب منادی ندا می‌کند: آیا سؤال کننده‌ای هست؟ آیا استغفار کننده‌ای هست؟ خدایا! هر انفاق کننده را عوض عطا فرما و هر امساک کننده را لطف عطا کن.

تا آن که هلال شوّال طلوع می‌کند و مؤمنان ندا داده می‌شوند: بامداد به سوی جایزه‌های خود بیایید که روز جایزه است.»

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۸۵

سپس حضرت باقر علیه السّلام فرمود: «سوگند به کسی که جانم به دست او است این جوایز، جایزه دینار و درهم نیست.»[۵۸]

با نو شـدن ماه، برنامه‌ها رونـد دیگری می‌یابـد. در کشورهای اسـلامی اوقات کار کارگران و صاحبان مشاغل و پیشه‌ها و مؤسّـسات ملّی و حکومتی تغییر می‌کند. غذاخوری‌ها، میهمان‌خانه‌ها و ... که در سراسر روز کار می‌کردند، دست از کار می‌کشند.

هلال ماه رمضان را که می‌بیننـد رو به جانب قبله، خـدا را می‌خواننـد و از او امن و ایمان و تنـدرستی و اسـلام و عافیت و کمک بر اقامه نماز و ادای روزه و انجام شب زنده‌داری و تلاوت قرآن و ... را طلب می‌نمایند:

اللّهُمَّ اهِلَّهُ عَلَینـا بِالامِنِ وَالایمانِ وَالسّـلامةِ وَالاسـلامِ وَالعافِیـةِ المُجلَّلَـةِ، وَدِفاعِ الاسـقامِ وَالعَونِ عَلی الصَـلوةِ وَالقِیامِ، وَتِلاوةِ القُرآنِ اللّهُمَّ سلِّمنا لِشَهرِ رَمضان وَتَسلَمهُ منّا وَسَلِّمنا فِیهِ حتّی یَنقَضِی عنّا شَهرُ رَمَضان وَقَد عَفَوتَ عَنّا و غَفرتَ لَنا وَرَحِمتَنا[۵۹]

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۸۶

و این چنین بـا حـال خوش، پـاک و بی آلایـش و بـا چنین آرمان‌هـا و اهـداف، وارد مـاه رمضـان می‌شونـد و خطـاب به مـاه کرده، می‌گویند: «رَبِّی ورَبُّکَ الله رَبُّ العالَمِین.»

در این جمله پر معنی، ایمـان و اعتقـاد خود را به توحیـد تـازه کرده و ارتبـاط و هم‌بسـتگی تمام مخلوقات و عوالم هستی به نظام اتمّ الهی را مورد توجّه قرار داده و انسان و ماه و جمیع کائنات را تحت تربیت عامّه باری تعالی می‌شناسد.

آری، بسـیاری از انسان‌هـا بـوده و هسـتند که مـاه، سـتاره، آتش و آفتـاب را ربّ النّوعی پنداشـته و در تـاریکی این گمراهی‌هـا، از تماشای حقایق نجات بخش و خداپرستی و توحید، محروم گردیده‌اند.

اما مسلمان روزه دار وقتی هلال ماه رمضان را می‌بیند، می‌گوید:

رَبِّی وَرُبُّکَ الله رَبُّ العالَمِین

مربّی انسان و حیوان، نبات و جماد، ماه و ستاره، خورشید و کهکشان‌ها و آب و آتش خدا است و پرستش، فقط و فقط سزاوار ذات بی زوال او است و بشـر و ماه و تمام معبودهای باطل و اتّخاذی، مخلوق و مربوب او هسـتند و ماه، آفتاب، هر کره و هر مخلوقی- هر چه بزرگ

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۸۷

و عظیم باشد- محتاج به تربیت الهیه هسـتند و کوچک‌تر از آنند که بشـر- این موجودی که تاج «لَقَدْ کَرَّمْنا» بر سـر گرفته- نسبت به آن‌ها کوچکی و حقارت نشان دهد و از نیایش، پرستش و تعظیم آن‌ها چاره‌جویی نماید.

خداوند آن‌ها را مسخّر انسان قرار داده و انسان را مستعدّ تصرّف و تسخیر آن‌ها آفریده است.

این است فکر بلنـد و اندیشه روشن مسـلمان روزه دار و موحّد خداشـناس و این است دینی که بشـر را به تسـخیر ماه و کرات تشویق می‌نماید و او را در سـفر به ماه و کواکب و نجوم، گستاخ می‌سازد. این است دینی که باید پیروان آن همه، جهان‌بین و جهان شناس شونـد؛ و این است دینی که پیروان خود را به مطالعه عالم آفرینش و دقّت و تأمّل در نظام جهان و کشف اسـرار مخلوقات و خواصّ آن دعوت می‌کنـد و کسانی را که در آیات خـدا مطالعه نمی‌کننـد و بر علم و بصیرت خود نمی‌افزاینـد، به شدّت مورد نکوهش و توبیخ قرار داده است.

آری، در سراسـر قرآن آیـات بسـیاری بشـر را دعوت به علم و تحقیق و کاوش و تلاش برای رفع حجب و پرده‌ها کرده و بلکه قرآن مجید خشیت و بیم از خدا را مخصوص آن دسته از علما می‌داند که از عظمت دستگاه آفرینش با اطّلاع و جهان شناس باشند.

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۸۸

جهان، مسخّر انسان

پیش از این که بشـر عملا دست به کار تصـرّف کرات و مسافرت به ماه شود، دانشـمندان به اسـتناد آیات قرآن این اسـتعداد را برای

بشر ثابت می‌دانستند.

یکی از آیاتی که امکان نفوذ و دست یافتن بشر را به آسمان و کرات آسمانی اعلام کرده است، این آیه کریمه است:

یَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَن تَنفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانفُذُوا لَا تَنفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ ۶۰]

به نظر ما صریح‌ترین آیاتی که به تسخیر بشر بر آسمان و زمین و آن چه در آن‌هاست دلالت دارد، آیاتی است که چند رقم از آن‌ها را در اینجا می‌آوریم:

۱. وَسَخَّرَ لَکُمُ اللَّیْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ إِنَّ فِی ذَلِکَ لَآیَاتٍ لِّقَوْمٍ یَعْقِلُونَ ۶۱]

۲. أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَکُم مَّا فِی السَّمَاوَاتِ وَمَا فِی

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۸۹

الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَیْکُمْ نِعَمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً[۶۲]

۳. وَسَخَّرَ لَکُم مَّا فِی السَّمَاوَاتِ وَمَا فِی الْأَرْضِ جَمِیعًا مِّنْهُ إِنَّ فِی ذَلِکَ لَآیَاتٍ لِّقَوْمٍ یَتَفَکَّرُونَ ۶۳]

این گونه آیات به صراحت از این که مخلوقات نامبرده، بالقوّه مسخّر انسان هستند، خبر داده و بشر را به استعداد خدادادی‌اش برای تسخیر آفتاب و ماه و آن چه در آسمان و زمین است و بهره‌برداری از آن‌ها متوجّه فرموده و او را برای به فعلیت رساندن این قوّه و استعداد و تسخیر مخلوقات زمینی و فضایی آماده، شجاع و گستاخ می‌نماید.

بدیهی است، مراتب و درجات تسخیر متفاوت است و فعلیت این استعداد و مقدار استفاده بشر از آن، وابسته به کوشش و همّت خود او می‌باشد.

کشاورزی، درختکاری، نهرسازی، سدسازی و اموری از این قبیل، تسخیر زمین، آب و هوا، گیاه و درخت است. استفاده از معادن و سنگ‌ها و خانه‌سازی، آجرپزی، نجّاری، آهنگری و ... نیز تسخیر زمین، خاک، درخت، آتش، آهن و ... است. هرچه بشر بیش‌تر بکوشد دایره

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۹۰

تسخیراتش وسیع‌تر می‌شود.

استفاده از شیر حیوانات و ساختن انواع لبنیات، استفاده از پشم آن‌ها برای لباس و فرش و از پوست آن‌ها برای پای افزار و از گوشت آن‌ها برای غذا و خوراک نیز تسخیر حیوان است.

استفاده از ماه و ستاره به منظور راه‌یابی و تعیین ماه و سال و استفاده از نور آفتاب، برای پرورش جسم انسان و حیوان و پرورش نبات و معدن، همه تسخیر آفتاب و ماه توسّط انسان است.

قدم گذاشتن در ماه و سفر کردن به کرات آسمانی و دست تملّک به سوی آن‌ها دراز کردن نیز تسخیر است.

به همان اندازه‌ای که استعداد بشر توسعه دارد، به همان حد هم دامنه این تسخیرات توسعه پذیر است.

پس قرآن نه فقط با این پیشرفت مخالفتی نکرده و نه فقط آن را غیر ممکن نشمرده، بلکه بشر را به کوشش هر چه بیشتر تشویق می‌کند و آسمان و زمین و ماه و آفتاب را مسخّر فکر او می‌شمارد.

زنده باد قرآن! زنده باد تعالیم افتخار آمیز اسلام! و زنده باد مؤمن روزه‌داری که هلال ماه رمضان را با این کلمه پر معنی «ربی و ربک الله رب العالمین» خوش آمد می گوید.

ولی جای تأسّف است که مسلمانان از این تعالیم الهام نگرفته و در علوم و صنایع عصر حاضر از دیگران عقب مانده و به تفکّر و تحقیقی

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۹۱

که قرآن همه را دعوت به آن کرده- چنانچه شایسته است- نمی‌پردازند. ما کتاب و دینی داریم که با هر ترقّی و پیشرفتی در زمینه علم و صنعت موافق است. هر چه علم پیشرفت کند، عظمت و حقیقت آن روشن‌تر می‌شود و در هر زمینه‌ای، راهنمایی بهتر از آن برای بشر یافت نخواهد شد.

اگر بشر صدها هزار ستاره و کهکشان را مسخّر کند، از شوکت و عظمت و قدرت هدایت قرآن چیزی کاسته نمی‌شود؛ و تعالیم این کتاب از اعتبار و ارزش نمی‌افتد:

وَمَن يَبْتَغِ غَيْرَ الإِسْلَامِ دِينًا فَلَن يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ ۶۴]

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۹۳

فصل هفتم: پایگاه پرهیزکاری

اشاره

لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

از این جمله شریف قرآنی استفاده می‌شود که تعالیم، تکالیف، اوامر، نواهی و ارشادات الهی، متضمّن خیر و صلاح فرد و جامعه، و سازنده نظام و اجتماع هر چه صالح‌تر است.

خداوند خواسته است که امّت اسلام، خاتمه امم و امّت نمونه و امّت وسط و حامل و حامی دعوت او به عدل و میزان و توحید خالص و پرهیزکاری باشد.

از باب نمونه در تشریع روزه این مقاصد و فواید، منظور و این رسالت و صلاحیت پی‌ریزی شده است. و اگر کمی فرصت و ضعف استعداد علمی به ما اجازه ندهد که از حکمت‌های تمام احکام و تعالیم شرعیه سخن به میان آوریم و فرصت آن را هم نداشته باشیم که در تفصیلات و شرح مصالح و فواید روزه مطالعات لازمه را بنماییم، این مقدار را فرصت داریم که در جمله کریمه: «لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» که در آن خداوند در

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۹۴

پایان، حکم به وجوب روزه فرموده است، تأمّل و دقّت کنیم.

جمله‌ای که از آن فضیلت تقوا و نقش آن در سازندگی شخصیت مسلمان معلوم می‌شود.

جمله‌ای که در این جا خدا در مقام بیان حکمت روزه به آن اکتفا فرمود، بیان‌گر آن است که محصول و میوه روزه، خودداری از مفطرات و ترک التذاذ و کام‌گیری‌های نفسانی و تقوا و پرهیزکاری است.

متّقی و پرهیزکار، کسی است که از گناه اجتناب می‌کند، و اوامر و نواهی خدا را اطاعت می‌نماید، و به آنچه خلاف شرف و فضیلت است، نزدیک نمی‌شود. تقوا مشتق از وقایه است و آن چیزی است که در برابر صدمات و ضربات مادّی و معنوی حایل و حاجب و سپر قرار داده می‌شود. روزه داری ماه رمضان و نگاهداری این رژیم شرعی سبب حصول تقوا و تکمیل آن می گردد.

در روزه صبر و مراقبت، مخالفت با عادات، جهاد با شهوات و موارد دیگر از این قبیل، وجود داردکه هر کدام آدمی را به صفت تقوا آراسته می‌سازد.

بدیهی است مفهوم تقوا و این ثمره گران‌بهای روزه، محدود به دایره عبادات یا محرّمات نیست؛ بلکه تقوا مفهوم وسیع و شاملی است که شعاع آن تمام نواحی وجود شخص را نورانی و نسبت به تمام تکالیف شرعیه از عبادات، معاملات، اجتماعیات، سیاسیات و

آنچه در سازندگی

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۹۵

شخصیت اسلامی مؤثّر است، او را عهده دار و مراقب می‌سازد؛ و باعث می‌شود که شخص از شاه‌راه شریعت محمدیه صلّی‌الله علیه وآله وسلّم قدم بیرون ننهد و امانتی را که به اقرار شهادتین و ایمان به معنی «رَضِیتُ بِاللهِ رَبًّا وَبِمُحَمَّدٍ نَبِیّاً وَبِالاسلام دِیناً وَبِالْقُرآنِ کِتاباً وَبِالکعَبَةِ قِبلةً وَبِامیرالمُؤمِنِین وَاوْلادِه الطّاهِرِینَ ائِمَّةً»[۶۵] عهده‌دار حمل آن شده، حفظ نماید، و در آن خیانت نکند؛ و از این جا پاسخ یک پرسش روشن می‌شود.

پرسش این است که:

آیا اسلام می‌تواند در این زمان هم مسلمانان را به حرکت و ترقّی راهنمایی کند؟ و آیا اسلام در تحریک مسلمانان، قدرت گذشته را دارد؟

آیا مسلمانان اگر در امور خود از تعالیم اسلام الهام بگیرند و تکالیف شرعیه را سر مشق خود قرار دهند، می‌توانند در عصر حاضر نیز مشعل‌دار علم، تمدّن، اخلاق و آزادی باشند و بشریت را از این سقوط عجیب و خطرناک و فقر معنوی و بی‌تقوایی نجات بخشند؟

جواب این است که: یقیناً می‌توانند.

قطعاً اسلام استعداد این تحریک را دارا است؛ و هیچ تفاوتی در جهت صلاحیت اسلام بین امروز و دیروز نیست و همان‌طوری که دیروز عالی‌ترین تعالیم و برنامه‌ها، تعالیم اسلام بود، امروز و فردا و آینده تا هر

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق ؛ ص۹۶

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۹۶

زمان و هر عصر عالی‌ترین تعالیم، تعلیمات اسلام است.

روزه اسلام، همان‌طور که در سال دوّم هجرت (سال فرض روزه) سبب رسوخ صفت تقوا و پرهیزکاری و اعتیاد به حفظ رژیم معنوی و واجد فواید صحّی و روحی و اجتماعی بود، امروز نیز چنین است و هیچ تفاوتی پیدا نکرده، بلکه فواید آن آشکارتر و در بعضی قسمت‌ها بیشتر شده است.

عقیده توحید و یگانه پرستی که اساس تعالیم و هسته مرکزی دستورات و هدایت این دین حنیف است، همان‌طور که در گذشته سبب اتّحاد، اتّفاق، برداشتن فاصله‌ها و الغای امتیازات موهوم و بشرپرستی بود، امروز نیز چنین است؛ و یگانه راه علاج این همه بیماری‌های اجتماعی و استعباد خلق‌الله، فقط عقیده توحید اسلام است.

تفاوتی که ما با آنان داریم و خصلتی که آن‌ها را صاحب آن همه افتخار و عزّت و سر بلندی ساخت، و فقدان آن ما را گرفتار این همه عیوب و نواقص اجتماعی، اخلاقی، سیاسی و زبونی و ضعف قرار داده، التزام آن‌ها به احکام و تعالیم اسلام بود. آنان گفتن شهادتین را سپردن سند محکم برای عمل به لوازم و آثار آن دانسته و تخلّف از مقرّرات و شرایط این سند را آسان نمی‌شمردند؛ در حالی که ما مثل این است که با گفتن شهادتین، وظیفه و تکلیفی را- که از این اقرار به عهده ما می‌آید- احساس نمی‌کنیم.

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۹۷

آن‌ها معنی شهادتین را باور کرده و دستورات قرآن را ضامن سعادت دنیا و آخرت و سرپیچی و تخلّف از آن را عین بدبختی، ضرر، خسارت و بلکه هلاکت می‌دانستند و همان‌گونه که ما از سمّ کشنده اجتناب می‌کنیم، آنان از محرّمات پرهیز می‌کردند، و همان‌طور که ما برای منافع و مقامات دنیوی می‌کوشیم و هر رنج و زحمتی را در راه دستیابی به آن تحمّل می‌کنیم، آنان در ادای

واجبات کوشا، و رضای خدا را با بذل مال و جان خریدار بودند. آن‌ها به سخنان پیغمبر صلّی‌الله علیه وآله وسلّم و رسالت آن حضرت، چنان ایمانی داشتند که اطاعت از اوامر او را عین رستگاری دانسته و سستی و مسامحه را کنار گذاشته بودند.

قرآن را برای عمل، و سخنان پیغمبراکرم صلّی‌الله علیه وآله وسلّم‌را برای پیروی فرا می‌گرفتند، و عقیده داشتند که قرآن فقط برای خواندن و نوشتن نازل نشده و احادیث فقط برای این که در سینه محدّثین و صفحات کتب ثبت و ضبط شود، وارد نگشته است.

یگانه یا مهم‌ترین موردی که اجتماع اسلامی را از اجتماع جاهلی جدا می‌ساخت، التزام مسلمانان به عمل بود و این یکی از مهم‌ترین عللی بود که مشرکان را به آن جنگ‌ها وادار کرد.

مشرکان دریافتند که اسلام به لفظ اکتفا نمی‌کند و پس از شهادتین، نوبت انجام فرایض، اطاعت و پیروی از خدا و رسول و ترک اخلاق ذمیمه و کردارهای نکوهیده است؛ از این جهت از تلفّظ این دو کلمه

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۹۸

طیبه که متضمّن خیر و سعادت دنیا و آخرت است، خودداری داشتند و اگر مثل زمان ما اسلام از مسلمانی جدا بود و از آن گفتار، کرداری نمی‌خواستند شاید صلحی بین مسلمانان و مشرکان برقرار می‌شد و غزوه بدر، احد، احزاب و ... پیش نمی‌آمد.

اگر اسلام رضایت می‌داد که آنان به زبان، شهادت به توحید دهند، ولی عملا بت‌ها را بپرستند و دختران را زنده به گور کرده و زنا، قمار، می گساری، ربا، خون‌ریزی، سرقت، ستم گری و سایر معاصی را مرتکب شوند و نماز، روزه، زکات، حج و دیگر فرایض اسلام را ترک نمایند، میان کفر و شرک و توحید و جامعه اسلامی و اجتماع جاهلیت، این همه فاصله نمی‌افتاد.

امّا اقرار به زبان کافی نبود و علاوه بر گفتن شهادتین، به طور جدّی و مؤکّد موظّف بودند که به احکام شرعیه عمل کنند و عضویت در اجتماع اسلامی، بدون التزام به رعایت احکام- اگر چه به ظاهر باشد- امکان نداشت.

اسلام با اعمال و روش دوره جاهلیت، با بت پرستی و کفر، با فحشا و منکرات، با روابط نا مشروع زن و مرد، با بی‌حجابی و بی‌عفّتی، با بی‌عدالتی، با دروغ و خیانت، با زورگویی و استبداد زمامداران، مبارزه را آغاز کرد و این اعمال در جامعه مسلمانان آن روز، با اسلام و تسلیم مغایر بود؛ از این رو، به مجرّد این که در هر موضوع آیه‌ای نازل، و

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۹۹

دستوری صادر می‌شد، فوراً اجرا می گردید.

وقتی آیه حرمت خمر نازل شد، خم‌های شراب را روی زمین ریختند و شراب سازی و می‌فروشی ممنوع شد.

وقتی حرمت ربا اعلام شد، ربا خواری متروک، و قرض الحسنه رایج گردید. هنگامی که آیه وجوب روزه ماه رمضان نازل شد، همه با شور و شعف به اطاعت فرمان خدا کمر بستند. و چون آیه حجاب نازل گردید، حتّی یک زن مسلمان نیز بی‌حجاب نماند.

هنگامی که فرمان جهاد می‌رسید، شهادت را رستگاری و سعادت می‌شمردند و اگر به آن نایل نمی‌شدند، ناراحت می گشتند.

آنان با آن که در آغاز تشریع این تکالیف، به آن انس نداشتند، چون شهادتین را برای عمل، به زبان می‌آوردند و به این گواهی خود احترام نهاده و خود را متعهّد می‌شمردند، فوراً اجرا می کردند.

امّا گویا ما شهادتین را برای عمل، به زبان جاری نمی‌کنیم و خود را در برابر این گواهی بزرگ و پر از خیر و برکت متعهد و ملتزم نمی‌دانیم.

بلندگوی مساجد، رادیوهای شهرها و کشورهای مسلمان نشین در اوقات نماز، نوای خوش اذان سر داده و به توحید و رسالت، شهادت می‌دهند؛ امّا مجامع، محافل، کوچه‌ها، خیابان‌ها، بازارها و مدارس، عملا این شهادت را نمی‌دهند.

واقعیت این است که فرق اجتماع ما با اجتماع جاهلی این است که

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۰۰

آن‌ها کلمه اسلام را بر زبان جاری نمی‌ساختند و ما شهادتین را می گوییم و بعضی تکالیف عادی و اخلاقی را انجام می‌دهیم؛ ولی به طور مطلق به لوازم آن پایبند نیستیم. قرآن را کتاب دینی خود می‌دانیم؛ امّا در مظاهر عمده اجتماعی با آن‌ها که قرآن، کتاب، و اسلام، دین آن‌ها نیست فرق زیادی نداریم.

اگرچه در عصر رسالت و صدر اسلام هم افراد منافق- که به زبان اظهار اسلام می کردند؛ ولی در عمل با اسلام مخالفت داشتند- بسیار بود؛ ولی، افراد ملتزم به آداب اسلام و کسانی که منبع تصوّرات، افکار و آرا و اعمال اجتماعی و سیاسی آن‌ها «اسلام» بوده و شخصیتی کاملا اسلامی داشتند نیز موجود بودند. علاوه بر این، قرآن و حدیث و به طور کلّی قوانین اسلام، مرجع و مصدر امور عموم بود و کسانی که تخلّف می کردند، متخلّف از کتاب و سنّت و قانون دولت و حکومت شناخته می‌شدند.

مطابق آن چه در تاریخ مطالعه می کنیم در عصر پیغمبراکرم صلّی‌الله علیه وآله وسلّم‌برنامه کار این چنین بود که اقرار به شهادتین از اطاعت اوامر و نواهی پیغمبر صلّی‌الله علیه وآله وسلّم تفکیك پیدا نکند و حتّی منافقین هم ملتزم به حفظ ظواهر آداب شریعت بودند و اگر کسی تخلّف می کرد، مثلا مرتکب سرقت، زنا، می گساری و یا قمار شده، و یا از شرکت در جهاد خودداری می‌نمود، او را با حد یا تعزیر شرعی کیفر می‌دادند و

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۰۱

چه بسا که در بعضی موارد وی را مرتجع و مرتد می‌دانستند و در بعضی موارد، در مذمّت و نکوهش او آیه وارد می‌شد؛ چنان چه بر حسب تفاسیر، نزول آیات:

وَمِنْهُم مَّنْ عَاهَدَ اللّهَ لَئِنْ آتَانَا مِن فَضْلِهِ لَنَصَّدَّقَنَّ وَلَنَكُونَنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ ۶۶]

(تا آیه ۷۸ از برائت) امتناع «ثعلبه بن حاطب» از ادای زکات بود.[۶۷]

هرگاه پیغمبر صلّی الله علیه وآله وسلّم فرمانی یا وعده ثواب و اجری در انجام عملی می‌داد، زن و مرد در به جای آوردن آن از هم پیشی می گرفتند و مانند زمان ما نبود که هر چه مصلحین، دعوت به اعمال خیر بنمایند، اثر نبخشد.

به طور نمونه این داستان را بخوانید:

داستان ابی الدّحداح

در شأن نزول آیه شریفه:

مَّن ذَا الَّذِی یُقْرِضُ اللّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَیُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا کَثِیرَةً[۶۸]

در کتب تفسیر روایت شده است که پیغمبراعظم صلّی‌الله علیه وآله وسلّم فرمود:

مَن تَصَدَّقَ بِصَدَقَةٍ فَلَهُ مِثلاها فِی الجَنَةُ[۶۹]

هر کس صدقه‌ای بدهد، در بهشت دو چندان برای اوست.

ابوالدّحداح عرض کرد: یا رسول‌الله! من دو باغ دارم، اگر یکی از آن‌ها را صدقه بدهم، دو مانند آن در بهشت برای من خواهد بود؟

- بلی.

- مادر دحداح نیز با من خواهد بود؟

- بلی.

- فرزندانم با من هستند؟

- بلی.

ابوالدّحداح باغ آبادتر را صدقه داد؛ پس آیه: (مَن ذَاالَّذَی ...) نازل شد.

ابوالدّحداح به باغ آمد و دید که همسر و فرزندانش در آن جا هستند. بر در باغ ایستاد و بدون این که قدم در باغ بگذارد از همان جا صدا زد:

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۰۲

یا امُّ الدّحداح!

همسرش گفت: لَبّیکَ یا اباالدّحداح!

اباالدّاح گفت: من این باغ را صدقه قرار داده و دو مانندِ آن در بهشت خریده‌ام و شما نیز با من هستید.

همسرش گفت: خدا برکت دهد به آن چه خریداری کرده‌ای.

همه از باغ بیرون آمدند و باغ را تسلیم کردند.

پیغمبر صلّی‌الله علیه وآله وسلّم فرمود:

کَم نَخلَةٍ مَتَدَلٍ عُذُوقها لِابَی الدحداح فِی الجَنهٔ[۷۰]

چه بسیار درخت‌های خرما که در بهشت خوشه‌های آن (از سنگینی) برای ابی الدحداح به سوی زمین متمایل باشد.

داستان عمیر بن حمام

در جنگ بدر پیغمبراکرم صلّی‌الله علیه وآله وسلّم اصحاب را به جهاد ترغیب می‌کرد و آنان را که شهید شوند، به بهشت مژده می‌داد.

عمیر بن حمام که مشغول خوردن چند دانه خرما بود، گفت: به به! بین من و بهشت فاصله‌ای غیر از این که این ها (کفّار) مرا بکشند، نیست.

خرماها را از دست انداخت و شمشیرش را گرفت و جهاد کرد تا

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۰۳

شهید شد.[۷۱]

داستان عوف بن حارث

و نیز در جنگ بدر بود که عوف بن حارث عرض کرد: «یا رسول الله! ما یضحِکُ الرَبُّ مِن عَبدِه؟؛ چه کاری سبب خشنودی و رضای خدا از بنده‌اش می‌شود؟»

آن حضرت فرمود:

«غَمسُهُ یَدهُ فِی العدّوِ حاسِراً؛

دست را برهنه در دشمن فرو بردن.»

عوف زرهی را که بر تن داشت بیرون آورد و بینداخت؛ شمشیر بگرفت و جهاد کرد تا شهید گشت.[۷۲]

بهترین روزها

جمال الدّین محمّد بن یوسف زرندی حنفی مکّی از سوید بن غفله روایت کرده است که وقتی سختی و شدّت بر علی، امیرالمؤمنین علیه السّلام زیاد شد، آن حضرت به فاطمه‌زهرا علیها السلام فرمود:

مناسب است خدمت پیغمبر صلّی الله علیه وآله وسلّم بروی و از او درخواست نمایی. فاطمه زهرا علیها السلام به محضر پدر مشرّف شد و در را کوبید.

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۰۴

پیغمبر صلّی الله علیه وآله وسلّم فرمود: این در کوبیدن فاطمه است. هنگامی آمده که عادت نداشت در این هنگام به نزد ما بیاید. دستور داد تا در را باز کردند.

پیغمبر صلّی الله علیه وآله وسلّم فرمود: در ساعتی آمدی که عادت تو نبود در این وقت پیش ما بیایی!

فاطمه سلام الله علیها عرض کرد: یا رسول‌الله! این فرشتگانند که طعامشان تسبیح، تحمید و تمجید است؛ پس طعام ما چیست؟

پیغمبر اسلام صلّی الله علیه وآله وسلّم که خود رییس و رهبر زهّاد روزگار بود، فرمود: سوگند به آن کس که مرا به حق مبعوث کرده، در خانه ما سی روز است آتش برای طبخ غذا روشن نشده، امّا چند رأس گوسفند برای ما رسیده است. اگر می‌خواهی امر کنم تا پنج رأس آن‌ها برای تو باشد و یا اگر می‌خواهی پنج کلمه- که جبرئیل به من تعلیم کرده- به تو تعلیم دهم؟

فاطمه زهرا سلام الله علیها که مرکز زهد و کانون شوق و توجّه به خدا و منبع معرفت و کمال بود از مال دنیا در آن حال چشم پوشید و عرض کرد:

آن پنج کلمه را به من تعلیم دهید.

پیغمبر صلّی الله علیه و آله وسلّم فرمود: بگو:

یا اوَلَّ الاوَّلِین، وَیا آخِرَ الآخِرین، وَیا ذَالعُروُةِ المَتِین

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۰۵

وَیا راحِمَ المَساکِین ویا ارحَمَ الراحِمین.»

فاطمه سلام الله علیها فرمود: از خدمت پدر به خانه باز گشتم.

علی علیه السّلام فرمود: چه با خود آوردی؟

فاطمه سلام الله علیها فرمود:

ذَهَبتُ مِن عِندِکَ الَی الدُنیا وَاتَیتُکَ بِالآخِرة

از نزد تو به طلب دنیا رفتم و آخرت آوردم!

علی علیه السّلام فرمود:

خَیر ایّامکِ. خیر ایّامکِ

بهترین روزهای تو است. بهترین روزهای تو است.[۷۳]

***

این حکایت‌ها نمونه‌هایی از ایمان صادق تربیت شدگان مکتب محمّدی است و به ویژه در تاریخ زندگی حضرت علی و حضرت زهرا و فرزندان آن دو همسر عالی‌قدر علیهم‌السلام و اصحاب خاصّ ایشان نظایر آن بسیار است.

مسلمانان صدر اسلام و مسلمانان معاصر

به راستی که قدرت و توانایی مسلمانان صدر اسلام در فراگرفتن

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۰۶

تعالیم و به کار بستن آن عجیب بوده که ایمان را با حرکت، و معرفت را با قیام و نهضت، هم‌دوش ساخته و در میادین گوناگون

حیات، پیش‌روی می کردند.

ولی امروزه شخصیت مسلمانان مورد هجوم افکار و آرای فاسد واقع شده و اوهام و شکوک و جهالت به واقعیت‌های دین اسلام، توانایی عرض وجود و فعّالیت و استقامت آنان را ضعیف ساخته است.

میان افکار و آرایی که به مسلمانان تعلیم داده می‌شود، با افکار و تصوّراتی که از قرآن بر می‌آید، از زمین تا آسمان و از شرق تا غرب فاصله است.

مسلمانانی که سوره‌هایی مانند: سوره برائت را تلاوت کرده و با جان خود حقایق آن را آمیخته بودند، به جهان و اجتماع و افراد، و زن و فرزند و خویشان و بستگان با چشمی غیر از چشم‌های ما می‌نگریستند. همّت بلند و نظر رفیع آن‌ها را هیچ چیز غیر از رضای خدا و اعتلای کلمه اسلام و ساختن یک اجتماع اسلامی متحرّک و آزاد، قانع نمی‌ساخت.

سربازان و مجاهدانشان برای گرفتن کشورها و فتح قلاع، خانه‌ها، بلاد، و حکومت بر عباد و این که لشکری بر لشکری پیروز شود و سپاهی سپاه دیگر را مغلوب کند، جهاد نمی کردند؛ بلکه جهادشان فی سبیل الله و برای آزاد ساختن انسان‌ها، و برپایی حکومت احکام خدا، فتح قلوب

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۰۷

برای اسلام، رفع تبعیضات و نشان دادن برتری برنامه و موازین اسلامی و انسانی بر موازین دیگر و بر قراری عدالت واقعی بود.

بین ما و آنان که ندای اسلام را ندای حیات و آزادی و حرکت می‌دانستند و آن ندای روح بخش را شنیده و به آن پاسخ مثبت می‌دادند و از آن در همه مسایل و رویدادهای زندگی الهام گرفته و استمداد می‌جستند، تفاوت بسیار است؛ چرا که متأسّفانه بعضاً ما که می کوشیم واقعیتی را که در آن هستیم و احوال و ظروفی را که برای نیل به مقاصد مادی اختیار و انتخاب کرده‌ایم، با توجیه، تأویل و تحریف نصوص، با اسلام منطبق سازیم و یا اسلام را بر آن تطبیق کنیم و برآنیم که برای انحرافات خود در مقابل اسلام، معاذیری بیابیم و توجیهاتی ارایه دهیم.

اجتماع اسلامی در عصر رسالت و هر جامعه اسلامی که تشکیل شده یا بشود، شعارش رهبری و مرکزیت اسلام و تسلیم امور، به حکومت اسلام است؛ تا طبق احکام خدا و تعالیم پیغمبر صلّی‌الله علیه وآله وسلّم و به دور از دخالت‌ها و آرای اشخاص و حکّام، آن‌ها را سامان بخشد.

در حالی که اجتماع بسیار وسیع و چند صد میلیونی به اصطلاح اسلامی ما، به معنای واقعی کلمه در مقابل اسلام تسلیم نیست؛ از اسلام می‌خواهد اوضاع و احوالی را که دارد، تصویب کرده و در انحرافات فکری، اخلاقی، سیاسی و اجتماعی، معاذیر غیرمنطقی را بپذیرد، و اگر اسلام با اعمال زشت و روش‌های منحرف- العیاذ بالله- موافق باشد، آن

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۰۸

را مرکز اصلاح و ترقّی و دینِ روز می‌دانند و اگر انحراف‌ها را امضا نکند و منحرفان را خطاکار بداند، چنین دینی را صالح برای حیات و زندگی نمی‌شمارند، و چون نصوص اسلام در اهداف عالیه خود آن چنان صراحت دارد که این مسلمان نماهای جاهل و غافل نمی‌توانند آن را به مسخره گرفته، و با شهوات، پستی‌ها، آزادی کشی‌ها و اعمال زشت دیگر تطبیق کنند، اسلام را عاجز و ناتوان از رهبری جهان معاصر می‌شمارند؛ و در استعداد آن، برای جلو بردن اجتماع مسلمین و بازگشت آنان به افتخارات گذشته، شک می‌کنند. در حالی که جای هیچ شکّ و تردیدی نیست که اسلام عاجز از رهبری مسلمین و سایر جوامع بشری نبوده و نیست، و تمام مواد و صلاحیت‌های رهبری و هدایت به سوی یک اجتماع کامل و تمام انسانی، به تصدیق متفکّرین و متتبعین بزرگ در آن جمع است.

این ما هستیم که عاجزیم و شهامت آن که خود را با تعالیم اسلام منطبق سازیم، نداریم.

این ما هستیم که در طوفان‌های شهوت و حبّ جاه و مقام و مادّیات گرفتار شده و به ندای نجات بخش اسلام پاسخ نمی‌دهیم.

این ماییم که در مقابل بیماری‌ها، ضعف و سستی، ناتوانی عزم و اراده، ترس از مرگ و حبّ دنیا، ناتوان شده و از مراجعه به پزشک حاذق و خوردن دارو و گرفتن رژیم، خودداری می‌کنیم و بیماری خود را غیر

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۰۹

قابل علاج می‌پنداریم.

این ماییم که در دام‌های استعمار گرفتار شده، و برای آن که از آب و نان موقّت ما چیزی کاسته نشود، شجاعت پاره کردن این دام‌ها را نداریم.

بی‌تردید، اسلام به ما اجازه نخواهد داد که اجتماع اسلام را مسخ کرده و به ربا، زنا، قمار، می‌گساری، رشوه، خیانت، اختلاط زن و مرد، فحشا و فساد و بیگانه پرستی آلوده سازیم.

یقیناً اسلام به ما این اجازه را نمی‌دهد که اجتماعات جاهلی را چنان چه در کشورهای غیر اسلامی رایج است، از نو بسازیم. و نیز اجازه نمی‌دهد که مرتجعانه به اعصار جاهلیت پیش از اسلام بر گردیم.

اسلام هرگز با بشر پرستی، تبعیضات نژادی، استثمار، شرک و مظاهر آن، با عَلَم کردن پیکره‌ها و بت‌ها و پرستش آن‌ها موافقت نمی‌نماید؛ و مفاهیمی را که کفّار به ما عرضه می‌دارند، صریحاً رد می‌کند و فقط منهج و مفاهیم خود را عرضه می‌دارد.

آری، هیچ گاه از قدرت و توانایی اسلام برای اصلاح جوامع و نجات انسان‌ها چیزی کاسته نمی‌شود و صلاحیت رهبری جاویدان آن، روز به روز آشکارتر می‌شود.

اسلام در مکاتبی که در جهان معاصر وجود دارد یا پس از این وجود می‌یابد، هضم نمی‌شود و با آنها آمیختگی و ترکیب پیدا نخواهد کرد.

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۱۰

این اسلام با جوامعی که مسلمان نماها می‌خواهند با الهام از استعمار و به نفع شرق یا غرب بسازند، سازگار نیست و صلح و آشتی ندارد و نصوص کتاب وحدیثش با آن‌ها تطبیق نمی‌گردد. از این‌رو، دین اسلام مسلمان دو شخصیتی را نمی‌پذیرد.

اسلام، دین خدا است و دین خدا با استثمار ضعفا، با سرمایه‌داری- که نتیجه استعباد کارگر و تسلّط کار فرما بر سیاست، اجتماع، قانون، محاکم و اخلاق است- با اشتراکیت و الغای مالکیت، و با بی‌شخصیت ساختن انسان‌ها و سلب استقلال از آدمی و به صورت ماشین و جماد از آن استفاده کردن، مخالف است.

حال اگر در یک جا نوکران شرق و دول اشتراکی و در جای دیگر مزدوران و سرمایه‌داران و رژیم‌های به اصطلاح کهنه، آن را پاسخ گوی احتیاج بشر ندانند، مهمّ نیست؛ چرا که اسلام برای همیشه به صدای استعباد و ضدّ آزادی از حلقوم هر کس که بیرون بیاید، جواب موافق نمی‌دهد.

اسلام یک مسلک خدایی و یک منهج مستقل است که باید به تمام و کمال اجرا شود تا جامعه اسلامی به وجود آید.

اگر ما بخواهیم برای ضعفی که در برابر قوای مادّی دشمن داریم و خود را ناچار می‌دانیم (در حالی که ناچار نیستیم) به خواسته‌های آنان عمل کرده و اسلام جدیدی اختراع کنیم یا اجازه دهیم که اسلام نوینی

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۱۱

را برای ما اختراع کنند، چنین اسلامی- که با مبانی تفکّرات شرق و غرب آمیخته است- اسلام قرآن، دین خدا و دین محمّد صلّی‌الله علیه وآله وسلّم نیست.

آن اسلامی که پیامبر عزیز اسلام آورد و خداوند متعال در قرآن کریم راجع به آن می‌فرماید:

انَّ الدِّینَ عِندَ اللهِ الاسْلامُ ۷۴]

حدود، ارکان، شعائر، احکام، دعوت و مقاصدش روشن است و اکنون هم باید مانند چهارده قرن قبل، منبع حرکت و فعّالیت و مصدر اقدام و قیام مسلمین باشد.

اسلام، همان اسلام؛ قرآن، همان قرآن؛ و احادیث و تعالیم، همان تعالیم چهارده قرن پیش است. وسایل تبلیغی عصر، درک حقایق و فهم مشخّصات مکتب عالی اسلام را آسان‌تر ساخته؛ ولی ما در ناحیه عمل، ضعف و کمبود داریم و تصوّرات و افکار دور از حقایق اسلام، ما را به خود مشغول کرده است. شهوات و مادّیات در ذایقه ما اثر گذاشته و از این جهت نمی‌توانیم با یک جهش، این دام‌ها و بندها را پاره نموده و به سوی دنیای فضیلت، سعادت و انسانیت و توحید اسلام، پرواز کنیم.

امّا عاقبت باید بفهمیم و خواهیم فهمید- هر چند دیر شده و هر آن،

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۱۲

دیرتر می‌شود- که یگانه داروی دردها و درمان این همه بیماری که بشریت به آن مبتلا شده و سامان دهنده این همه بحران که در سر تا سر دنیای به اصطلاح متمدّن در هر زمینه وجود دارد، اسلام است.

باید با مقیاس‌های اسلامی امور را بسنجیم و فکر و عمل خود را هدایت کنیم.

باید همواره در کلاس اسلام، زانوی تلمّذ زنیم تا به انسانی واقعی و رشد یافته تبدیل گردیم؛ و به سلاح تقوا و پرهیزکاری، مسلّح شویم؛ تقوایی که سبب هدایت جستن و بهره بردن از قرآن مجید است:

ذلِکَ الْکِتابُ لارَیْبَ فیْهِ هُدَی لِّلْمُتَّقینَ ۷۵]

تقوایی که وسیله نجات از گرفتاری‌ها و نابسامانی‌های زندگی و فشارهای اقتصادی است:

وَمَنْ یَتَّقِ اللهَ یَجعَل لَّهُ مَخْرَجاً وَیَرْزُقْهُ مِنْ حَیْثُ لایَحْتَسِبْ ۷۶]

تقوایی که سبب آسان شدن امور است:

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۱۳

وَمَن یَتَّقِ اللهَ یَجعَل لَّهُ مِنْ أَمْرِهِ یُسْراً[۷۷]

تقوایی که باعث جدا شدن حق از باطل است:

ان تَتَّقَوُا اللهَ یَجعلْ لَکُم فُرقاناً[۷۸]

تقوایی که به فرمایش علی علیه السّلام امروز پناه گاه و سپری در برابر حوادث جهان است و فردا راه بهشت جاویدان.

آری، صیام و روزه ماه رمضان اگر به شرف قبول، مشرّف و آداب و وقار آن نگاه‌داری شود، میوه‌اش تقوا و محصول آن استحکام شخصیت اسلامی و مستعد شدن روزه‌دار برای فرمان‌بری و اطاعت اوامر خدا و رساندن دعوت اسلام به جهانیان است.

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۱۴

فصل هشتم: روزه، عبادتی آسان

اشاره

یُرِیدُاللهُ بِکُمُ الیُسْرَ[۷۹]

شریعت اسلام با فطرت بشر هماهنگ، و احکام آن، خواسته‌های واقعی فطرت و طبع سلیم و ذوق مستقیم است. اسلام به خرد و

نیروی اندیشه بشر اهمیت فراوان داده و او را به تعقّل و کنجکاوی و تحقیق تشویق می کند و کسانی را که از حکومت عقل و مراجعه به آن سرباز می‌زنند، سرزنش و توبیخ می‌نماید.

تعالیم اسلام تحمیلی بر روح پاک انسانیت ندارد و وجدان بشر از این که روش خود را با آن تعالیم منطبق سازد، سنگینی و فشاری را احساس نمی کند.

یگانه صراط مستقیم و کوتاه‌ترین راه به سوی مقاصد عالیه، برنامه‌های اسلام است که مصالح دین و دنیا، جسم و روح و فرد و اجتماع را با هم جمع نموده است.

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۱۵

آن چه در این دین حنیف مورد نهی و حرمت واقع شده، چیزهایی

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۱۶

است که بر فطرت تحمیل شده و با خواسته‌های آن هماهنگ نیست. و آن چه مورد امر قرار گرفته و حکم به وجوب و استحباب آن شده، مطابق با فطرت است.

«خیر و مصلحت» و «دفع ضرر و مفسده»، پایه احکام اسلام است و در هر کجا، دو مصلحت باهم مزاحمت کنند، حفظ مصلحت مهم‌تر و در هر جا ناچاری به ارتکاب یکی از دو مفسده باشد، پرهیز از عملی که مفسده‌اش بیشتر است، لازم می‌شود.

یکی از مشخّصات و علایم شریعت اسلام، «سهولت و آسانی احکام» آن است؛ چنان چه در اموری که تشریع اسلام بر پایه آن استوار است، «امکانات مکلّفین» و «عملی بودن تکالیف» مدّنظر قرار می گیرد.

تعالیم سخت، برنامه‌های دشوار و پر زحمت و مخالفت با فطرت سبب می‌شود که فرد، بیش‌تر از اطاعت سرباز زند؛ و دین به واسطه آن فقط مکتب ریاضت و وسیله کوبیدن و افنای غرایز باشد؛ و از فوایدی که باید برای دنیا و آخرت، نظام اجتماع، تهذیب اخلاق، تربیت و هدایت و ترقّی داشته باشد، خالی گردد.

بدیهی است اگر قانون، بر خلاف فطرت و براساس رعایت مصلحت و دفع مفاسد نباشد، قابل دوام نیست و عاقبت هم اگر با زور و قهر، بر بشر تحمیل شود، با مقاومت و عکس العمل شدید مواجه شده و در مقابل فطرت محکوم می گردد.

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۱۷

همان طور که در عالم تکوین و طبیعت اگر بخواهیم موجودی را بر خلاف طبع و مسیر طبیعی قرار بدهیم، آن موجود مقاومت می کند تا پیروز یا فانی شود، در عالم تشریع نیز باید قوانین با خواسته‌های فطری و نیازهای واقعی سازش داشته باشد و گرنه در میدان تنازع بقاء مغلوب و معدوم می‌شود.

قوانینی که با فطرت بشر موافق باشد، پذیرفته می‌شود و از وجدان خود انسان، مأمور اجرا خواهد داشت. و اگر برخی برای مقاصد شخصی و جهل با آن ستیزه کنند و نگذارند آن قوانین به اجرا درآید، دیگران پشتیبان آن خواهند بود و مخالفت با آن را سرزنش می‌نمایند.

از این جهت اسلام در موارد عُسر و حرج، اضطرار، ضرر و تقیه، طبق شرایطی که در فقه بیان شده، احکام و تکالیف خود را برداشته است. و قرآن مجید و نصوص و روایات، این اصول را تثبیت و تقریر فرموده‌اند که به نمونه‌هایی از آن اشاره می گردد:

الف– آیات کریمه

فَاقِمْ وَجْهَکَ لِلدِّینِ حَنِیفاً فِطْرَتَ اللهِ الَّتِی فَطَرَ النَّاسَ عَلَیْهَا[۸۰]

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۱۸

وَمَا جَعَلَ عَلَیْکَمْ فِی الدِّینَ مِنْ حَرَج ۸۱]
یُرِیدُ الله أَن یُخَفِّفَ عَنکُمْ ۸۲]
الّامَا اضْطُرِرْتُمْ إِلَیْهِ ۸۳]
الّا ان تَتَقُوا مِنهم تُقاهْ[۸۴]
یُرید الله بِکمُ الیُسرَوَ لایُرید بِکُم العُسرَ[۸۵]
مَایُریدُ الله لِیَجْعَلَ عَلَیْکُم مِّنْ حَرَج وَلکِن یُرِیدُ لِیُطهِّرَکُمْ وَلِیُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَیْکُم لَعَلَّکُمْ تَشْکُرُونَ ۸۶]
لایُکَلِفُ الله نَفساً الّا وُسعَها[۸۷]
لایُکَلِّفُ الله نَفساً الّامآ آتَاهَا[۸۸]
عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۱۹

ب- احادیث شریفه

لا ضَررَ وَلاضِرار فی الإسلام ۸۹]
رُفِعَ عَن امَّتِی تِسعَهْ ...[۹۰]
یَسِّرُوا وَلا تُعَسِّرُوا وَبَشِّرُوا، ولاتنفِرُوا ...[۹۱]
بُعِثتُ بِالحَنفیهِ السَمحهْ[۹۲]

مطابق آن چه بیان گردید، بنای شرع بر تسهیل و آسانی است؛ پس، این سؤال مطرح است که چرا تکالیف دشوار- که به بذل مال و جان نیاز دارد- در شرع بسیار است؟

در پاسخ باید گفت: اگرچه بذل جان و فداکاری آسان نبوده و بذل اموال نیز بر کسانی که از خصلت سخاوت محروم‌اند و از همدردی با هم نوع، لذّت نبرده و آن را پرداخت غرامت و ضرر می‌پندارند، دشوار است؛ امّا برای تحصیل مقاصد مهم و یا دفع مفاسد بزرگ، تحمّل این زحمات، گوارا و موافق با فطرت است و وقتی این تکالیف به نوع بشر عرضه شود، همه با صرف نظر از توجّه به خود، انجام آن را لازم و از اصول و نوامیس کمال و بقای نظام اجتماع می‌دانند. این گونه تکالیف،
عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۲۰
خلاف یسر و آسانی نیست؛ بلکه تأمین کننده آن نیز است.

در ضمن آیات راجع به روزه ماه رمضان، این جهت سهولت دین اعلان گردیده و نشان‌گر آن است که در تشریع روزه هم این موضوع رعایت شده است.

روزه بر نفوس معتاد به صرف غذا سخت بوده و به نوعی، ریاضت است؛ چرا که مانند هر رژیم تربیتی دیگر، با هوای نفس انسان سازگار نیست؛ ولی این ناسازگاری مثل ناسازگاری دارو با اشتهای بیمار است و قبول نکردن ذایقه و تنفّر مزاج بیمار، به واسطه طعم دارو است؛ ولی فطرت، وجدان و عقل بیمار، خوردن این دارو را پذیرفته و تحمّل زحمت آن را لازم می‌داند و سرباز زدن از خوردن آن را ناپسند و نابخردی می‌شمارد؛ به طوری که اگر بیمار از خوردن آن دارو خودداری کند، پرستار- که عقل و فطرتش پا بر جا است- آن را به زور به او می‌خوراند.

امّا اگر دارویی زیان‌آور بود، نباید آن را به بیمار خورانید و یا اگر خوردن آن دارو، ناراحت کننده است، ولی قابل تبدیل به داروی دیگر می‌باشد، پزشک حاذق آن را به داروی دیگر تبدیل می‌نماید و یا اگر تغییر زمان آن، مصلحت مهمّی داشت، وقت آن را تغییر می‌دهد.

خداوند متعال در ضمن بیان احکام روزه، دستور فرموده است که مسافر و بیمار در وقت دیگر- که این دو عذر را ندارند- روزه بگیرند.

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۲۱

سپس می‌فرماید: «یُرِیدُ اللّهُ بِکُمُ الْیُسْرَ؛ خدا بر شما آسانی می‌خواهد.» خداوند در روزه نیز، سخت‌گیری و دشواری نخواسته و به طور کلّی هدف تکالیف، تنگ‌گرفتن بر مردم و به دشواری انداختن آنان نیست؛ بلکه خدا نسبت به بندگانش رؤوف و مهربان است؛ آسانی امور آن‌ها را می‌خواهد و سخت‌گیری بر آنان را اراده نفرموده است.

اگر چه اصل مذکور، در ضمن احکام روزه بیان شده، امّا اصلی کلّی است که در تمام موارد دیگر هم منظور شده و تذکّر آن در ضمن احکام روزه، به این دلیل است که: بسا بعضی نادانان و ناپخته‌گان گمان کنند که در تشریع روزه بر مکلّفین سخت‌گیری شده است و از این رو خداوند برای دفع این توهّم فرموده است:

«یرید الله بکم الیسر

»؛ بی شک اگر مراد خداوند از روزه به دشواری افکندن بندگان بود، از بیمار و مسافر و پیران سالخورده، وجوب آن برداشته نمی‌شد.

پس، ای برادر مسلمان! سپاس خدای را به جای آور و نعمت اسلام را قدر بدان و در ماه رمضان، فرمان او را به جان و دل پذیرا شو! مبادا که از آمرزش خدا در این ماه محروم بمانی:

«فالشقی من حرم غفران الله فی هذا الشهر العظیم».[۹۳]

مبادا بدون عذر شرعی روزه‌ات را افطار کنی و با امر الهی در این ماه عزیز مخالفت کرده و معصیت نمایی

و مشمول این حدیث شریف گردی:

مَن افطَرَ یَوماً مِن شَهر رَمَضان خَرجَ رُوحَ الایمانِ مِنه ۹۴]

کسی که روزی از ماه رمضان را [بدون عذر] افطار کند، روح ایمان از او بیرون خواهد رفت.

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۲۲

فصل نهم: روزه و پرورش وجدان

در نهاد انسان نیرویی آسمانی و قوّه‌ای ملکوتی است که او را به کارهای نیک تشویق کرده و از کارهای زشت باز می‌دارد.

همه این نیرو را در اعماق باطن خود می‌یابند و پیروی از آن را کمال و فضیلت می‌دانند. و تنها از کسانی می‌توان انتظار و توقّع امانت‌داری، صداقت و عدالت داشت و به خیر و نیکی آنان دل بست که این نیرو در آنان زنده و بیدار است. و این نور در نهاد هر کس به خاموشی گرایید، دیگر نباید از او انتظار عدالت، فضیلت، شرف و آدمیت داشت.

در اصطلاح علمای اخلاق به این نیرو «وجدان» می گویند. حقیقت این نیرو هر چه باشد و اسمش «وجدان» باشد یا «ضمیر» یا «قلب»، تفاوت نمی کند. چنین نیرویی در بشر وجود دارد که با انجام کار نیک، شاد و خوشحال می‌شود (مانند: کسی که از عهده تکلیف و مسؤولیت بزرگی بیرون آمده باشد که در این صورت، احساس راحتی و آسایش قلبی می‌نماید.) و هرگاه کار بد و عمل زشت و گناهی از انسان سر زند، این

نیرو او را توبیخ و سرزنش می کند، و او را از کرده خود پشیمان ساخته

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۲۳

و بسا که آثار نـدامت و کراهت در چهره گرفته او خوانـده می‌شود و در ضـمیر، احساس نـدامت کرده و می گوید: کاش این کار را نکرده بودم! و ...

نـدای وجـدان و صـدای ضـمیر، همواره به او نهیب می‌زنـد و او را می‌ترسانـد و از او می‌خواهد تا نقطه ضـعف‌ها را برطرف کند، و شکستگی و خسارت حاصل از گناه را جبران نماید.

قرآن مجید چنین حالت وجدانی را «نفس لوّامه» نامیده است.

بارهـا افرادی را دیـده‌ایم که تحت تـأثیر این نـدای وجـدان و برای خلاصـی از تألّمـات روحی، صـفحه زنـدگی آن‌ها- که از جرم، خیانت، گناه، ستم و فساد سیاه شـده بود- عوض شـده و در فصل دیگری از زندگی به صورت انسانی پاک و خیرخواه، نوع پرور، خداپرست و با شرافت ظاهر گردیدند.

پیروی از این نیروی خداداد و ذاتی و به کار بستن آن، باعث رشد و ترقّی آن می‌شود؛ چنان چه بی‌اعتنایی و اهمال و سـستی نسبت به آن، سـبب ضعف و فنای آن می گردد؛ و از این رو وقتی برای اوّلین بار، انسان با وجدان خویش مخالفت نماید، سخت ناراحت و نادم است و در آتش عـذاب روحی می‌سوزد و اگر آن مخالفت را دنبال کنـد، وجـدان او به تدریج تاریک می‌شود؛ تا حدّی که از آن کار زشت و ناپسند، هیچ گونه عکس العملی در نهاد خویش نمی‌یابد و مصداق:

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۲۴

خَتَمَ اللهُ عَلَی قُلُوبِهِمْ وَعَلی سَمْعِهِمْ وَعَلی ابصارِهِمْ غِشاوَةٌ[۹۵]

می گردد.

یکی از اهداف و برنامه‌های دینی این است که وجدان بشر همیشه زنده بماند و از ضعف و سستی آن جلوگیری شود.

نماز، حج، دعا، اذکار، مواعظ، نصایح، تلاوت قرآن و سایر احکام تربیتی اسـلام و به طور کلّی، اطاعت از تمام اوامر و نواهی شرع، این نیرو را رشد می‌دهد و وجدان عالی‌تر و نیرومندتری به نام «وجدان دینی و شعور به مسؤولیت» می‌سازد.

این وجدان، مظهری از خوف و ترس از خدا و خشیت الله است.

این وجدان دینی است که هنگام وسوسه‌های شیطانی و اندیشه‌های اهریمنی به کمک مردم پرهیز کار بر می‌خیزد و آنان را از خطر سقوط در پرتگاه گناه نجات می‌دهد:

انَّ الَّذِینَ اتَّقَوْا إذَا مَسَّهُمْ طائِفٌ مِنَ الشَّیْطانِ تَذَکَّرُوْا فَإذَا هُمْ مُبصِرُونَ ۹۶]

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۲۵

این وجدان ایمانی و مذهبی، گناه را مانند سنگ بزرگی- که بیم فرود آمدن آن بر سر شخص وجود دارد- خطرناک و مهیب جلوه می‌دهد:

انَّ المُؤمِنَ یَری ذَنبَهُ کَانَّهُ صَخَرةٌ یَخافُ ان تَقعَ عَلیَه ۹۷]

یکی از فوایـد تربیتی روزه «پرورش وجـدان» است. روزه از جمله عباداتی است که با خلوص و پاکی نیت و پیروی از وجـدان دینی انجام می‌شود و ریاکاری و اغراض باطل در آن کمتر وارد می گردد؛ زیرا روزه، صبر و امساک از مفطرات و خویشـتن‌داری است. و کسـی که نیت پـاک، شوق به اطاعت فرمان خـدا و پاسـخ به نـدای وجـدان نداشـته باشـد، امساک و خویشـتن‌داری نیز ننموده و در خلوت از خوردن و آشامیدن پرهیز نخواهد کرد؛ چرا که می‌تواند در حضور مردم از خوردن غذا خودداری کند، و به طور محرمانه روزه خود را افطار کند.

پس بی‌تردیـد کسـی که در حضور و غیـاب مردم امسـاک دارد و روزه است، دارای نیت قربت و اخلاص است و اطاعتش، واقعی و حقیقی است و این است معنای فرمایش امیرالمؤمنین علیه السّلام:

وَالصِّیامُ اِبتلاءً لِاِخلاصِ الخَلق ۹۸]

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۲۶

این روزه دار یقیناً دارای وجدان رشد یافته دینی است و حتماً روزه او سبب رشد بیش‌تر وجدان و شعور او و به مسؤولیت می‌شود.

پس ای برادر ایمانی وای حبیب روحانی! اگر خواهان رشد وجدان و بیداری ضمیر هستی، روزه بگیر و آن را که یکی از ارکان اسلام است، کوچک مشمار؛ که در حدیث آمده است:

بُنِیَ الاسلامُ عَلی خَمسةِ اشیاء، عَلَی الصَلوةِ، وَ الزَکاةِ، وَالحَجِ، وَ الصَوم، وَالولَایةِ[۹۹]

اسلام بر پنج چیز بنا شده است: نماز، زکات، حج، روزه و ولایت.

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۲۸

فصل دهم: برنامه‌های عبادی، نجات‌بخش انسان

اشاره

بشر دنیای مادّی، انسان عصر فضا، جهان طغیان غرایز حیوانی، بشر سرکش و رها شده از التزامات اخلاقی، جوامع ماشینی و اجتماعات سرمایه‌داری که شب و روز از زحمت و تلاش و کار و کوشش برای یک زندگی پر از حرارت مادی آرام نمی‌گیرند؛ اجتماعاتی که رهبران آن‌ها در بند مادیات گرفتارند و فرصت ندارند که امور جهان را از منظر فضیلت و انسانیت بنگرند و با عینک تقوا و شرف، اوضاع به هم پیچیده و دشوار آن را مطالعه نمایند؛ جوامعی که در آن رشته‌های محکم و استوار فضیلت، پاکدامنی و عفاف یکی پس از دیگری گسسته می‌شود، هر روز ناراحتی‌های روحی و فکری و بی‌اعتمادی تازه‌ای بر سرشان سایه می‌افکند.

مللی که در زور و قدرت مافوق دیگرانند و مللی که ضعیف و خودباخته و غارت زده هستند، و بالاخره تمام انسان‌های عصر ما، برای رسیدن به یک حال معتدل، و توازن روحی و برای رفع این همه

نگرانی‌ها و تأمین زندگی آرام بخش و محیط اعتماد و سکون و ثبات

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۲۹

روحی به برنامه‌هایی مانند برنامه‌های اطمینان بخش ماه رمضان بیش از انسان‌های سال‌ها و قرون پیش نیاز دارند.

در آبادترین و آزادترین نقاط این دنیای به اصطلاح متمدّن و در مجامع بزرگ جهانی، جهت دست‌یابی به مقام، استثمار ملل و گسترش نفوذ، توسعه تجارت و بازرگانی، غارت کردن اموال، معادن و دست رنج ملل فقیر و کارگران بیچاره چه خیانت‌هایی که نمی‌شود! کمپانی‌های صنعتی و بازرگانی برای سبقت از هم و زمین زدن حریف و از میدان بیرون راندن او میلیون‌ها دلار صرف می‌کنند. از این رو، شرق و غرب همواره یکدیگر را متّهم کرده و از هم شاکی‌اند!

با نگاهی به بودجه‌های تسلیحاتی، سازمان‌های جاسوسی و کارآگاهی- که خواب و اطمینان را از همه ربوده‌اند- به یک باره از بشریت ناامید شده و گمان می‌رود که انسان محکوم به بدبختی و زندگی توأم با ناراحتی است و نباید جز شرّ و فساد از او انتظار دیگری داشت.

خیانت و شهوت‌رانی به سر حدّ افراط رسیده است؛ به گونه‌ای که تاریخ بشر مانند آن را به خود ندیده است.

وضع واقعی زنان در آخرین مرتبه انحطاط و پستی و سقوط قرار گرفته و شرافت و عفاف آن‌ها لکّه‌دار شده و بلکه از میان رفته است؛ چرا که خوش بخت‌ترین آنان در منطق و مکتب مادّی گری، کسی است که در کاباره‌ها و اجتماعات شهوترانی، و در بین

مردان پست و کثیف

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۳۰

بیشتر و برهنه‌تر، آشکار شود و با بوالهوسان هم پیاله گردد و از این رهگذر و از طفیل این روابط به ظواهر زندگی خود سر و سامان داده و شکم خود را سیر سازد.

سرمایه‌داران خون آشام هزاران نفر از آن‌ها را به نام کارگر در اختیار خود گرفته و در حالی که میلیون‌ها جوان بی‌همسر، تحت فشار غریزه جنسی، نظم اجتماع را به هم می‌زنند و متعرّض بانوان و دوشیزگان می‌شوند، آن را در انحصار خود قرار داده، به شهوترانی و هوس پرستی سرگرم هستند.

در پاره‌ای از نقاط، وضع به طوری است که زن بدبخت، خواه و ناخواه باید خود را تسلیم امیال حیوانی مردان متجاوز سازد.

و اگر این موازین اخلاقی که هنوز پرتو ضعیفی از آن، بر دل‌ها می‌افتد از میان برود و این نور خفیف عفّت و پاکدامنی و احترام به ناموس و زن و التزام به انجام غریزه جنسی از طریق ازدواج مشروع- چنان چه دورنمای آینده و تشویق زنان بی‌عفّت و خودفروش نشان می‌دهد- از بین برود و اگر یک برنامه تربیتی اسلامی همه جانبه که رهبر و راهنمای بانوان به عفاف و پاکدامنی، تعدیل غریزه جنسی، حفظ موجودیت و شخصیت ارجمند زن موجود نباشد و یا به اجرا در نیاید، زن هیچ‌گونه استقلالی نیافته و برای جلوگیری از تجاوز به او هیچ قانونی و قدرتی دست به اصلاح نخواهد زد و باید به حکم اجبار، به هر پستی و ننگی

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۳۱

تن در دهد و خود را برای پذیرایی از هر مرد جلّاد و زورمندی آماده سازد و هیچ پناه‌گاهی برای دفع ظلم از او- حتّی به طوری که در دوران جاهلیت رسم بود- پیدا نخواهد شد.

تصوّر مفاسدی که از تعقیب روش «اختلاط زن و مرد» در اجتماع کنونی پدید می‌آید، واقعاً سرسام آور است.

مهر و عطوفت و بشر دوستی، و الفاظی از این قبیل به صورت تشریفاتی درآمده و بی‌اعتبار می‌شود. و اگر مؤسّسات عمومی که به طور ماشینی و برای مقاصد خاصّی به ضعفا کمک می‌کنند و اغلب اغراض سیاسی را از کمک به مستمندان و آسیب دیدگان و بازماندگان اجتماع دنبال می‌نمایند، وجود نداشتند، هیچ کس به فریاد نیازمندان و دردمندان پاسخ نمی‌داد.

بی‌شک آرامش و آسایش مصنوعی- که با سرگرمی‌ها، شب نشینی‌ها، پارتی‌ها و مواد تخدیرکننده قوای عقلی و روحی فراهم می‌شود- نمی‌تواند بشر را سیر و قانع سازد. و افرادی که بدین ابزار متوسّل می‌شوند از بهتر زیستن واقعی که با آرامش و سکون روحی و اطمینان قلبی توأم باشد، دورتر می‌شوند.

در چنین جهانی که تشریح ناکامی‌های آن در این مجال ممکن نیست و آن چه می‌شنویم و می‌بینیم گوشه‌ای از بدبختی‌های جهان انسانی است، و در این جهانی که به علّت رواج خیانت، جنایت، بی‌عفّتی، پست

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۳۲

همّتی، بی‌غیرتی، پرستش مادّیات و شهوات، دشواری‌ها روز افزون است، یگانه راه علاج برای آرام کردن روح بشر، توسّل به نیروی ایمان، تقوا، تقویت قوای اخلاقی و کنترل غرایز حیوانی است.

خدایی که این بشر را آفریده و این غرایز را در نهاد او گذارده، می‌دانسته است که اگر این حرص و آز، خودخواهی و تکبّر، استبداد و جاه‌طلبی و شهوات بر این بشر مسلّط شود، دیگر نه تنها خودش، بلکه دیگران هم آرامش نخواهند داشت. و اگر مادّیات، معشوق و محبوب و معبود او شد، در هیچ حد و اندازه و مقداری قانع نمی‌شود. و اگر تمام کهکشان‌ها را مالک شود، حرص و آزش پایان نمی‌پذیرد؛ و اگر میلیون‌ها انسان را برای منافع پلید شخصی و جاه طلبی استثمار کند یا به کشتن بدهد، آن را ناچیز شمرده و به حساب نمی‌آورد.

خدای متعال می‌دانست که اگر این بشـر راهنمایی نشود، برای خودش و از جنس خودش خدایانی می‌سازد و بشر پرستی را در صُور مختلف، ذلیلانه می‌پذیرد و در برابر اقویا و استعمارگران به خاک می‌افتد و آن‌ها را از یک انسان عادی، برتر می‌شمارد و برای آن که به اخذ مقام و درجه‌ای نایل آید، به هر پستی و تملّقی متوسّل می‌شود.

خدایی که این انسان را می‌شناخت، او را راهنمایی کرد تا هم به وسیله عقل و خرد و چراغ بینشی که در نهاد او روشن کرده و هم توسّط پیامبران و راهنمایان حقیقی، راه سعادت و نیک بختی را بیابد.

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۳۳

راهی که به عنوان یگانه راه، به تمام مقاصد شریفه و هدف‌های ارزشمند انسانی ختم می‌شود و وسیله آرامش روحی، اطمینان قلب، رفع بیم و هراس و نگرانی و وسواس است.

تمام برنامه‌های دینی برای تکمیل و ترقّی انسانیت و تقویت اراده پی‌ریزی شده و حبّ فضیلت، بشردوستی و راهنمایی به سوی اهداف عالی‌تر از اهداف مادّی را مدّ نظر دارد.

برنامه عبادی رمضان

یکی از برنامه‌ها، همین برنامه «روزه ماه رمضان» است.

آیا می‌دانید و هیچ فکر کرده‌اید که اجرای این برنامه در هر سال تا چه حد انسان را به خود باز می‌گرداند و ضمیر فرد را آگاه و شعورش را بیدار می‌سازد؟!

آیا اندیشیده‌اید که اجرای برنامه ماه رمضان توسّط انسان‌هایی که در عصر ما گرفتار مسایل مادّی وحیوانی، مسابقات بیهوده، شهوت‌رانی‌های بی‌نهایت کثیف و شرم‌آور، شرکت در مجالس لهو و لعب و رقص و قمار، می‌گساری و صدها آفت دیگر شده‌اند، چه آثار نیک و سودمندی دارد و چگونه آنان را از منجلاب این پلیدی‌ها نجات می‌دهد؟

کسانی که در طول سال به واسطه اشتغالات مادّی حتّی برای لحظه‌ای فرصت توجّه به امور روحانی را نداشته‌اند و از وجدان انسانی خود جدا

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۳۴

شده و موج اجتماع، آنان را از این سو به آن سو پرتاب کرده و پناهگاه و آسایشگاهی نیافته‌اند، اکنون در پناه ماه رمضان می‌آرمند و در لذاید روحانی و معنوی غرق می‌شوند؛ با خدا مناجات کرده و دعا می‌خوانند:

اللّهُمّ انّی اسئَلُکَ ایماناً تُباشِرُ بِه قَلبِی ...[۱۰۰]

گریه کرده و اشک می‌ریزند؛ و با روحی سرشار از امیدواری عرض امید نموده و دعای:

الهِی لَوقَرَنتَنِی فِی الاصفاد، وَمَنعَتَنِی سَیبَکَ بَینَ الاشهاد، وَدَلَلتَ عَلی فَضائِحِی عُیونَ العِباد ما قطعت رجائی منک، وما صرفت تأمیلی للعفو عنک انا لانسی ایادیک عندی [۱۰۱]

را زمزمه می‌کنند که دین، منبع امید و خدا مصدر تمام خیرات است و غیر از این مادّیات، غیر از جنگ‌ها و مسابقه‌ها، خیانت‌ها و جنایت‌ها، استثمارها، پرده دری‌ها و بی‌غیرتی‌ها، غیر از این مجالس هرزه‌گی و

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۳۵

دانس‌ها و رقص‌ها، سینماها و کاباره‌ها- که خسته‌کننده روح و تاریک کننده باطن و باعث تضعیف اعصاب و پرده خرد و بینش و کشنده غیرت و مردانگی و شخصیت است عالم دیگر و لذّت‌های بهتری وجود دارد.

می‌فهمند که آدمی‌زاد می‌تواند به مادّیات بی‌اعتنا باشد. و در مقابل شهوات، امیال تشنگی و گرسنگی، زبان، چشم‌چرانی و ... سر

خم نکند.

می‌فهمند که آرامش واقعی روح، در یاد خداست و در عالم فضایل انسانی صفاتی مانند: راستی و درستی، شکیبایی، بشر دوستی، خدمت به هم نوع، دانش پژوهی، نیکوکاری، فروتنی و دادگری وجود دارد؛ و مزاحمت، دشمنی و کینه، جنگ، بی‌خانمان کردن و صفاتی از این قبیل در آن راه ندارد.

عالم فضایل عالمی است که هر چه بشر، عالی همّت و بلندنظر باشد، زودتر در آن به مقصد می‌رسد.

راستی، کدام مدرسه و چه مکتبی برای تربیت این بشر، بهتر از ماه رمضان است؟

در ماه رمضان شعائر اسلام- که شعائر انسانیت و فضیلت است- زنده می‌شود. نماز جماعت‌ها رونق یافته و در آن مساوات اسلامی و حسّ هم ردیفی و هم قدمی آشکار می‌شود.

همه می‌فهمند که بنده یک خدا هستند و این امتیازات مادّی بی‌ارزش

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۳۶

است. و کسی که به خدا نزدیک‌تر و خلوصش بیشتر باشد- سلطان یا رعیت، کارفرما یا کارگر، فرمانده یا سرباز ساده- محترم‌تر است.

غرورها، خودخواهی‌ها، کبرها و طمع‌ها و حسدها همه در ماه رمضان ضمن اجرای برنامه‌هایی از قبیل: ادعیه، مجالس وعظ و خطابه و ... به اندازه قابل توجّه ضعیف یا نابود می‌شود.

اگر کسانی که مادّیات، چشم بصیرت آنان را کور کرده، این برنامه‌های اسلامی را انجام دهند و از لذاید مادّی کناره‌گیری نموده و به حال معنوی خود برسند، در یازده ماه دیگر سال نیز از حدود اعتدال، چندان تجاوز نمی‌کنند.

ادعیه‌ای که در ماه رمضان می‌خوانیم، هر یک درسی آموزنده و راهنمایی برای توجّه به مصالح عموم و آسایش همگان است.

این جمله‌ها، گویای احساسات و خواسته‌های روزه‌دار است:

اللّهُمَّ ادْخِلْ عَلی اهْلِ الْقُبُورِ السُّرُور. اللّهُمَّ اغْنِ کُلَّ فَقیر اللّهُمَّ اشْبِعْ کُلَّ جائِع ...[۱۰۲]

هر یک از دعاهایی که خوانده می‌شوند، نردبان ترقّی و تکمیل خداشناسی و خداپرستی و آموزنده معارف اسلام و مبین ارتباط بنده با

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۳۷

خدای جهان و محکم‌کننده ارکان ایمان است.

ما باید از ماه رمضان حداکثر استفاده را برده و شکر این خوان گسترده و نعمت بی‌دریغ را به جای آوریم و از موائد و غذاهای روحی آن بهره‌مند گردیم.

اتّحاد اسلامی

روزه دار عزیز! توجّه داشته باش که مسلمانان در تمام نقاط دنیا با شادی و احترام فراوان از ماه مبارک رمضان استقبال می کنند و تو در این مراسم و در ادای وظایفی که بر عهده‌داری و در این عالی‌ترین مدرسه تربیتی و کلاس آدم سازی تنها نیستی؛ چرا که صدها میلیون همکلاس و هم‌شاگرد داری و همه با تو در ادای تکلیف روزه، قرائت قرآن و دعا، و مناجات با خدا همگام هستند.

چنان بیندیش که باید با تمام این صدها میلیون هم‌کلاس، آشنایی و دوستی داشته باشی و خیر و سعادت آن‌ها و هدایت همه بشر را از خدا بخواهی!

متوجّه باش که چگونه اسلام تو را و آن‌ها را با هم مرتبط کرده، و از این همه ملیت‌های گوناگون و نژادهای مختلف، یک امّت

بزرگ به نام «امّت اسلام»، «امّت توحید» و یا «امّت قرآن» ساخته است.

پس تو یک فرد از افراد این امّت و یک عضو از اعضای این جامعه

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۳۸

هستی و با آن‌ها اهل یک ملّت می‌باشی. از این رو باید به سهم خود، با این پیکری که تو عضوی از اعضای آن هستی، همکاری کنی، و معنی حدیث شریف نبوی صلّی‌الله علیه وآله وسلّم:

مَثَلُ المُؤمِنِین فِی تَوادهِم، وَتراحُمِهم مَثَلُ الجَسد اذَا اشتَکی مِنهُ عُضوٌ تَداعی له سائِرهُ بِالحمی والسَهر[۱۰۳]

را آشکار سازی.

متوجّه باش که تو مسلمانی و باید اسلام را مافوق هر چیز و هر کس بدانی. ملیت، قانون، فکر و عقیده و همه چیز تو اسلام است. آن مسلمانی که در دورترین نقاط دنیا و در بین صدها هزار بیگانه اکنون روزه‌دار است، هموطن واقعی تو است و تو باید به فکر مصالح و سعادت او باشی! او هم باید به فکر تو باشد و هر دو، برای خیر بشریت قدم بردارید.

در ماه رمضان متوجّه می‌شویم که مرزهای جغرافیایی، سازمان‌های حکومتی و ... میان مسلمانان فاصله‌ای ایجاد نمی‌کند و این اصطلاحات و تقسیمات هیچ اثری در همبستگی قوای مسلمین ندارد.

مسلمانان باید با التزام به احکام قرآن، دیگربار سر بلند کرده و امّت اسلام را قوّت و نشاط بخشند، و فاصله‌ها را شکسته و با آنان که

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۳۹

قومیت‌های خاصّی را ترویج می‌کنند و می‌کوشند که میان مسلمانان فاصله اندازند، مبارزه نمایند و اموری را که خارج از اسلام و مخالف با دعوت اسلام است، سبب امتیاز و جدایی از دیگر مسلمان‌ها نسازند.

قانون و احکام روزه و نماز و دیگر تکالیف و احکام اسلامی، در همه جا یکسان است و مرزبندی‌های جغرافیایی، و عوامل دیگر سبب تغییر قوانین و یا چندگانگی نمی‌شود.

روزه‌دار عزیز! در این ماه تأمّل و اندیشه کن. به وضع اسلامی خود و جامعه‌ات رسیدگی کن. تا آنجا که در توان داری به اسلام و توسعه قلمرو آن، به دفاع از احکام الهی، به حفظ ملّیت خود و سایر مسلمانان خدمت کن؛ که اگر بتوانی و از آن دریغ کنی، مسؤول هستی و در سرای دیگر باید جواب‌گو باشی.

ماه رمضان ماه تربیت است؛ ماه تعویض حال و روش و ماه تصمیم و عزم و همّت است.

در طول این ماه به قضایای اسلامی، به نقشه‌های خائنانه دشمنان اسلام، به میزان آمادگی خود برای دفاع از اسلام، به آینده اسلام، به یافتن بهترین راه برای تبلیغ اسلام، به اتّحاد مسلمین، و به مسایل دیگر فکر کنید و از دانشمندان و متفکّرین اسلامی استمداد نمایید تا شما را در درک صحیح مسایل و موضوعات راهنمایی کنند؛ تا دریابید که مسایل و قضایای اسلامی در اجتماعات ما فراموش شده و اگر به هوش

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۴۰

نیاییم و بیدار نشویم، در یک چنین اجتماع ناهنجار و مسخ شده‌ای همه چیز خود را خواهیم باخت.

پس برای یاری دین خدا بکوشید و برای نگاه‌داری پرچم اسلام، با مال و جان فداکاری نمایید.

وَلاتَهِنُوْا وَلاتَحْزَنُوْا وَأَنتُمُ الاعْلَوْنَ إن کُنتُم مُّؤْمِنِینَ ۱۰۴]

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۴۲

فصل یازدهم: روزه و آموزش آزادی

حضرت مولای متّقیان علیه السّلام رهبرآزاد مردان و آزادی‌خواهان می‌فرماید:

الاحُرٌّ یَدَعُ هذِهِ اللُماظَهَ لِاهلِها انَّهُ لَیسَ لِانُفسُکِمُ ثَمَنٌ الّا الجَنَهُ فَلا تَبیعوها الّابِها[۱۰۵]

آیا آزاده‌ای نیست که این بازمانده غذای دهان دیگران (دنیا) را برای اهلش بگذارد؟ به درستی که برای جان‌های شما بهایی غیر از بهشت نیست؛ پس آن را به غیر بهشت نفروشید.

نظامی شاعر حکیم می گوید:

دگر باره پرسید آن شهریارکه: «تو کیستی من کیم در شمار؟!»

چنین داد پاسخ سخن گوی پیرکه: «فرمان دهم من، تو فرمان‌پذیر!

مرا بنده‌ای هست نامش هوادل من به آن بنده فرمان رواتو آنی

کِی آن بنده را بنده‌ای‌پرستار ما را پرستنده‌ای!»

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۴۳

بسا افرادی که داد آزادی‌خواهی دارند و دیگران را به آزادی می‌خوانند و بی‌آن‌که توجّه داشته باشند، اسیر و بنده هستند و از خود اختیاری ندارند.

بسیاری از اشخاص که آزادی و حقوق دیگران را پایمال کرده و آن را دستخوش امیال و اراده خود ساخته و خود را بر ملل و جوامع، فرمانروای مطلق می‌شمارند نیز از نعمت آزادی محروم هستند.

این هر دو دسته بنده‌اند و مقید و مملوک؛ امّا نه بنده و مملوک یک تن؛ نه بنده‌ای که جسمش در اختیار غیر باشد، و فکر و اندیشه‌اش در اختیار خودش.

اینان بنده هوا، بنده پول، مال، اسب، اشتر، گاو، الاغ، گوسفند و بنده مقام هستند. غلام حلقه به‌گوش شهوت، غلام اربابان قدرت و کدخدایان، حاکمان و امیران، بنده مقاصد رذیله و اشیای خسیسه و بنده عادات و خرافات هستند. بندگانی که علاوه بر جسمشان، روح و فکرشان نیز بنده است و همه چیزشان در بند افتاده و از آزادی واقعی و استقلال روحی و فکری بویی نبرده‌اند.

عادت به خوردن و نوشیدن، عادت به شهوت رانی، قمار، شراب، می گساری، شب‌نشینی‌های زیان‌بخش، سیگار و دخانیات، ظلم و ستم،

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۴۴

و بی‌اعتنایی به ضعیفان و زیردستان و ... آن‌ها را چنان اسیر و مقید کرده که، نجات از این طلسم عادات را غیرممکن می‌دانند.

در میدان سیاست، در عرصه مبارزات ورزشی، در جنگ و نبرد و لشکرکشی، پیروز می‌شوند و حریف را بر زمین می‌زنند؛ امّا در میدان مبارزه با عادات و آزاد شدن از قیود هوا و هوس، بیچاره و مغلوب، شکست خورده و بر زمین افتاده‌اند.

چنین کسانی، خود و انسانیت خود را در اسارت عادات انداخته و نتوانسته‌اند از وادی تنگ و تاریک بندگی و بردگی مخلوقاتی مانند خود، با بال همّت پرواز کرده و در باغستان آزادی واقعی، وارد شوند.

برنامه کار روز و شب و حاصل زندگی آن‌ها انجام یک سلسله عادات و تکرار مکرّرات است و به طور خلاصه حیات آن‌ها مصداق سخنی است که از «روسو» نقل شده است:

«انسان، بنده و برده متولّد می‌شود و بنده و برده می‌میرد. روز ولادت او را در قماط می‌پیچند و روز مرگ، او را در کفن قرار می‌دهند. [و در دل خاک پنهان می کنند] و در میان این دو روز، بنده و اسیر و مملوک و خاضعِ عادت است.»

آیا کسی که تمام عمرش را در لهو و لعب و بازی به سر می‌برد، و نمی‌تواند دمی از آن، خود را کنار بکشد، آزاد است یا بنده؟!

آیا کسی که دست از قمار بر نمی‌دارد و شب‌ها را تا نزدیک سحر بر

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۴۵

سر سفره قمار، مال و وقت عزیز خود را به باد فنا می‌دهد، بنده است یا آزاد؟!

آیا شخصی که جام شراب را- با آن که به زیان‌های خانمان براندازش واقف است- مثل آب گوارا می‌نوشد، بنده است یا آزاد؟!

آیا آن که نمی‌تواند از زندگی تجمّلی و از طعام‌های رنگارنگ سفره‌اش و از لباس‌های گران‌بها و متنوّعش، چیزی کم بگذارد و از هم‌نوعان خود- که درمانده و گرفتار، مستمند، بیمار، زلزله‌زده و مبتلا هستند- دستگیری و به آنها کمک نمی‌کند، بنده است یا آزاد؟!

آیا کسی که برای مقام و منصب، حفظ ریاست و برای تجمّلات بیش از حد، و شکم پرستی، حقوق ضعفا را پایمال و دسترنج کارگران را غارت می‌کند و از رشوه‌خواری و دزدی از بیت المال مسلمین، باک ندارد آزاد است یا بنده؟!

آیا این است زندگی آزاد و شرافتمندانه انسان؟!

یقیناً این‌گونه افراد، بنده‌اند و آزاد ساختن آنان، از آزاد کردن رفیق و عبید دشوارتر است، چنان چه دین اسلام برای آزادی غلامان و کنیزان کوشش‌های ثمربخشی نموده و برنامه‌های سودمندی تنظیم کرده و آن را از عبادات بزرگ قرار داده است و حتّی در بعضی موارد، حکم به وجوب آن نموده و در موارد دیگر، به طور استحباب آن را از مسلمانان خواسته است، برای آزاد کردن این ممالك فکری و بندگان و غلامان

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۴۶

واقعی نیز برنامه‌های وسیعی را پیشنهاد کرده تا بشر را از بند استعباد، عادات رذیله و هوای نفس آزاد سازد و همان گونه که در قرآن ذکر شده، یکی از اهداف دعوت حضرت خاتم الانبیاء صلّی‌الله علیه وآله وسلّم برداشتن این گونه بارها از روح و فکر بشر است:

وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالاغْلالَ الَّتِی كَانَتْ عَلَيْهِمْ ١٠۶]

و تا بشر به این آزادی نرسد طعم آزادی را نمی‌چشد و در سایر امور کسب آزادی نمی‌کند.

یکی از برنامه‌های آزادی بخش اسلام، «روزه» است.

روزه، آدمی را از بند عادات حیوانی آزاد می‌سازد و او را به سوی ملکوت اعلی پرواز می‌دهد:

طَیران مرغ دیدی تو زپای بند شهوت‌به در آی تا ببینی طیران آدمیت!

خور وخواب وخشم وشهوت، شَغَب است وجهل وظلمت‌حَیوان خبر ندارد زِجهان آدمیت!

فرد مسلمان به قصد روزه، سحر از میان بستر آرام خواب، برای خوردن سحری و انجام عبادت و خواندن دعا و نماز بر می‌خیزد و از

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۴۷

قید خواب و عادت به استراحت، آزاد می‌شود و در تمام مدّت روز از تحت سیطره و تسلّط جسم و غرایز حیوانی و عادت به خوردن و نوشیدن، خود را بیرون می‌کشد و طلسم هوا و هوس را می‌شکند و از خوردن غذاهای لذیذ و میوه‌های شیرین و خوش طعم و نوشیدنی‌های خنك و گوارا خودداری می‌کند و به عادات روزهایی که روزه نبود، نمی‌اندیشد و برنامه‌های غذایی روزانه را ترك کرده و فکر و عقل و وجدانش را آزاد می‌سازد و خود را در افقی عالی‌تر و نورانیت و روشنایی دیگر می‌بیند. ادعیه‌ای را که جهت ماه رمضان و برای مواقع سحر و روز و شب، وارد شده، می‌خوانند؛ ادعیه‌ای که اغلب دارای جملات آموزنده، حقیقت و روح آزادی است.

ادعیه‌ای که عقیده توحید را با جان و روان و وجدان آمیخته می‌سازد و خواننده را از بندهای گران اخلاق زشت و صفات ناپسند نجات داده و به صفات پسندیده و اخلاق کریمه دعوت می‌نماید.

روزه‌دار عزیز! و برادر مسلمان! از ماه رمضان، درس آزادی بگیر و نخست از عادات زشت و تقیدات بی‌جا، خود را آزاد ساز و بدان که یکی از مقاصد اسلام، آزادی افراد و جماعات از یوغ حکومت‌های مستبد و سلطه‌های فردی و شخصی است.

این گونه آزادی، هدف مقدّس تمام انبیا است و همان سان که قرآن کریم بیان می‌دارد، آن‌ها برای آزادی بشر مبعوث شده‌اند:

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۴۸

وَلَقَدَ بَعَثنا فِی کُلِّ امهٍ رَسوَلًا انِ اعبُدُواالله وَاجتَنِبُوا الطاغُوتَ ۱۰۷]

مشاهده می‌کنید که چه معانی بزرگ و آزادی بخشی در این آیه نهفته و چگونه با نهایت صراحت و قاطعیت، پرستش غیر خدا و استعباد و شرک و طاغوت‌پروری را محکوم کرده است.

این است اساس آزادی اسلامی که هیچ‌کس وهیچ مقامی حقّ گردن‌کشی و زورگویی ندارد. و هیچ‌کس نمی‌تواند دیگران را فرمان‌بر خود و خاضع جلال و جبروت مادّی خود سازد و طبق خواسته و هوا و هوس خود، مانند دوران جاهلیت وپیش از اسلام بر دیگران فرمان‌روایی کند.

کسانی که در برابر این افراد، خاضع می‌شوند، از دستور صریح این آیه محکم قرآن تخلّف می‌کنند و سران قدرت را به گردن کشی، خودکامگی و فساد، تشویق می‌نمایند.

دین اسلام همواره آزادی کشی، تکبر، بلندپروازی و استعلای فرد بر دیگران را به شدّت مورد نکوهش قرارداده و ابطال فرموده است:

چنانچه این آیه شریفه بیان می‌دارد:

تِلْکَ الدَّارُ الْأَخِرةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِینَ لایُرِیدُونَ عُلُوًّا فِی الأَرْضِ وَلافَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِینَ ۱۰۸]

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۴۹

کلام الهی و احکام و قوانین خدا باید بر همه چیز و همه کس و بر هر قانون بشری، سیطره داشته و حاکم باشد و کلام مؤمنان و مقصد و هدف آنان، ترویج و بلند آوازه شود.

بیشتر شقاوت‌ها، و بدبختی‌های بزرگ، ناشی از عدم درک حقیقت آزادی و حریت اسلامی و یا عدم استقامت در راه آن است. از این رو، کسانی که به این درک و استقامت، موفّق نمی‌شوند، تکبّر و گردن‌کشی و استعباد دیگران را می‌پذیرند و با اظهار تملّق در برابر متکبران و گردن‌کشان، بر کبر و طغیان آنان می‌افزایند؛ در حالی که اسلام از تمام افراد بشر دعوت می‌کند تا در برابر خدا و حکومت خدا خاضع باشند.

آن چه باعث تأسّف است این است که مسلمانان به آیات توحید قرآن کمتر توجّه دارند و از میوه‌های درخت طیبه توحید، کمتر تناول می‌کنند.

روزه‌دار عزیز! با دقّت در آیه شریفه:

یا ایُهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّکُمُ الَّذِی خَلَقَکُمْ وَالَّذِینَ مِن قَبْلِکُم لَعَلَّکُمْ تَتَّقُونَ، الَّذِی جَعَلَ لَکُمُ الأَرْضَ فِراشاً، وَالسَّمَآءَ بِنَآءً وَانزِلَ مِنَ السَّمَاءِ ماءً فَاخْرَجَ بِهِ مِنَ

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۵۰

الثَّمَراتِ رِزْقاً لَّکُمْ فَلا تَجْعَلوُا لِلّهِ أَندَاداً وَأَنتُمْ تَعْلَمُونَ ۱۰۹]

درمی‌یابیم که چه حقایق بزرگ و معانی بلندی در آن درج شده است. این آیه، عموم بشر و انسان‌ها را مخاطب قرار داده و به

پرستش آفریدگار یگانه و ترک شرک دعوت می کند، و عالی‌ترین مفهوم آزادی را به بشر عرضه می‌دارد.

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۵۲

فصل دوازدهم: روزه و سیر زمان

نقش علم در ایمان

به گواهی دانشمندان بزرگ غرب و شرق، پیشرفت‌های علمی و صنعتی روز افزون- که حکایت از استعداد وسیع و توان اندیشه بشر دارد- به هیچ وجه موجب سستی ایمان به خدای جهان و برنامه‌های آسمانی و هدایت‌های اخلاقی و اجتماعی پیامبران نمی‌شود؛ و اصولا تا آنجا که فکر دوربین بشر به کاوش‌های بزرگ علمی توفیق یافته و به کشف مجهولات بسیار نایل شده، هیچ رابطه‌ای میان ترقّی دانش و صنعت، و کاهش نیروی ایمان یافت نشده و پس از این هم رابطه‌ای پیدا نخواهد شد؛ بلکه هر چه بشر در ناحیه کشف قوای طبیعت و تسخیر زمین و آسمان قدم به جلو بر دارد، نیروی ایمان او استوارتر و احساس او به آن وجود بزرگ (خدا)- که تمام این نظامات جهان، از کهکشان‌ها تا ذرّه و اتم را برقرار کرده- بیشتر می‌شود.

تاریخ سیر ادیان نشان می‌دهد که به موازات ترقّی علم و دانش، ایمان واقعی بشر نیز همواره رو به تکامل بوده است.

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۵۳

تمام اقداماتی که دانشمندان در زمینه کشف خواصّ پدیده‌های این عالم دارند و تمام دانش‌هایی که در رشته‌های گوناگون این پدیده‌ها شب و روز دانشمندان را به بررسی و تحقیق وادار کرده- از دانش پزشکی، گیاه شناسی، زیست شناسی، زمین‌شناسی، کیهان‌شناسی و ...- همه دلایل خداشناسی قرآن مجید و معارف دین اسلام را تأیید می کنند؛ و آن چه را در قرآن و احادیث اسلام درباره تمام موجودات به طور عام بیان شده، این دانش‌ها آن را به طور استقراء و بررسی در هر رشته، بیان می‌دارند.

قرآن می گوید: تمام عالم، تحت یک نظام دقیق قرار داد.

دانش‌های بشری نیز، از هر یک از نظام‌ها و ارتباطی که میان این پدیده‌های جهانی بر قرار است، سخن می گویند.

به طور مثال: اگر نظام دقیق و ارتباط بین اجزای این جهان وجود نداشت، امکان موفقیت بشر برای تسخیر ماه و کرات دیگر خرد پسند نبود.

تمام دانش‌ها، روی نظم و ارتباط اجزای این جهان پیدا شده است؛ حتّی دانش پزشکی بر اساس نظام جسمی بدن انسان پیشرفت کرده و بیماری‌ها را علاج می کند.

این نظم همان است که در قرآن مجید مکرّر از آن یاد شده است. دانش امروز امکان تسخیر کرات را عملی کرد. قرآن هم چهارده قرن

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۵۴

پیش تمام کرات و مخلوقات را صریحاً مسخّر انسان معرفی فرموده است.

اسلام، تمام افراد بشر را عضو یک جامعه و همه حیوانات و نباتات و جمادات را اعضای یک جامعه بزرگتر و بالاخره تمام مخلوقات کوچک و بزرگ را با هم مرتبط و عضو جامعه بزرگ ممکنات- که یک اراده بر همه آنها حکم فرما، و یک نظام در همه آن‌ها برقرار است- می‌داند.

علوم امروز نیز همه این ارتباطات و هم بستگی‌ها را کشف می کنند.

از نظر دانشمندان و علما، علم مؤید ایمان، و ایمان مشوّق علم است؛ ولی افرادی نادان که از علوم و دانش‌های قدیم و جدید

بی‌اطّلاع می‌باشند، گمان می‌کنند که چون وسایل زندگی مادّی عوض شده، مسایل اخلاقی و معنوی و برهانی نیز عوض می‌شود؛ و چون مظاهر زندگی مادّی دستخوش تحوّل و تغییر است، همه چیز قابل تحوّل و تغییر می‌باشد و چون از ابتدا ایمان پا برجا و با اساس نداشته‌اند و از حدود تقلید جلوتر نرفته‌اند، نسبت به تعالیم اخلاقی و دستورات انبیا، بی‌اعتنا شده‌اند و گمان می‌کنند که مثلا چون بشر، اسب و ... را کنار گذارده و از اتومبیل و هواپیما و ... استفاده می‌کند، باید ایمان، امانت، صداقت، محبّت، عفاف، پاکدامنی و سایر تعالیم اخلاقی را کنار بگذارد.

این تفکّر نتیجه جهل ونادانی و بی‌اطّلاعی از حقایق دین و دعوت دین، و خلط و اشتباه بین امور روحانی، معنوی و اخلاقی و اجتماعی با

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۵۵

امور صناعی است. و با اندك توجّه، این اشتباه برطرف می‌شود؛ زیرا اگر بین ضعف ایمان و پیشرفت صنعت و تغییر مظاهر زندگی مادّی رابطه‌ای بود و به موازات ترقّی و تحوّلات مادّی و صنعتی، ایمان ضعیف شده و در قوس نزولی حرکت می‌کرد، قرن‌ها پیش از این، فاتحه ایمان خوانده شده و همه جا بی‌ایمانی، حاکمِ مطلق شده بود؛ چرا که تمام مظاهر زندگی بشر از خانه، لباس، خوراك، کسب و تجارت، زراعت، آلات و ادوات، خواندن و نوشتن، کتاب و چاپ، نقل و انتقال، ریسندگی و بافندگی، همه به تدریج و در اثر پیشرفت صنعت و اختراع و کشف مجهولات، ساخته و تکمیل شده و هر روز، بشر قدمی به جلو برداشته و در جهان علم و صنعت اطّلاعات تازه‌ای کسب کرده است. و در حالی که این مظاهر زندگی از هزاران سال پیش تاکنون در حال تغییر بوده و هست، ایمان و لوازم آن همواره ثابت و برقرار باقی مانده است؛ به طوری که اگر یک مؤمن و یک موحّد حقیقی چند هزار سال پیش، مانند: ابراهیم خلیل علی نبینا و آله وعلیه السّلام به این دنیای ما باز گردد، اصلا و ابداً چیزی از ایمانش کاسته نمی‌شود و با همان ادلّه‌ای که قرآن از آن‌ها حکایت کرده، اکنون هم مردم را به خدا راهنمایی می‌کند؛ و همان‌طور که آن روز بشرپرستی و شرك را محکوم می‌کرد، امروز هم بشرپرستی را که به صُور دیگر رایج شده، محکوم می‌کند؛ زیرا هیچ فرق و تفاوتی پیدا نشده، جز ترقّی علم و افزایش اطّلاع بشر، که آن هم مؤید

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۵۶

ایمان و سبب نیاز بیشتر انسان به یک نظم دینی و وجدانی شده است.

توجه به یک نکته

نکته‌ای که در این جا باید به آن توجّه داشت این است که: برخی از ملل به جای عقاید صحیح و حق، و کیش معقول و دین خردپسند، و توحید خدا، خرافاتی را پذیرفته و به آن ایمان دارند.

این ملّت‌ها یا از اساس، عقاید خرافی داشته؛ یعنی، کیش آن‌ها مبنای منطقی و پاك نداشته و یا اگر داشته به واسطه علل و دسایس و حوادث و تحریفات خرافاتی که داخل آن دین شده، به شرك و پرستش غیر خدا آلوده گشته است؛ که چون تاریخ روشن و کتاب دست نخورده و مورد اعتماد هم در دست ندارند، نمی‌توانند آن خرافات را از حقایق جدا کنند؛ مانند: کیش مسیحیت کنونی. از این جهت ناچار به ضدیت با علم برخاسته و در میدان مبارزه با دانش‌های بشر، شکست خورده و ایمان پیروان آن مذاهب، سست و بی‌اثر گردیده است.

تاریخ کلیسا کاملا این موضوع را نشان می‌دهد که علّت بزرگ و اساسی زوال حکومت کلیسا بر قلوب و تسلّط افکار مادّی گری در جهان مسیحیت، خرافاتی بود که به اسم دین به آن معتقد شده و ترقّی علم، بی‌مایگی آن عقاید خرافی را آشکار کرد. از این جهت اروپا تا مدّتی به اساس مذهب و دین بی‌عقیده شده و دین را از ریشه و پایه،

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۵۷

بی‌اساس می‌پنداشت.

اسلام و خرافات

امّا اگر دینی مثل اسلام خالی از خرافات باشد و راه اجتهاد و بررسی در آن دین به واسطه وجود کتابی مانند قرآن مجید، و احادیث و سنّت و سیره پیغمبر و ائمه علیهم السّلام برای همه باز، و تاریخ روشن و معتبر آن در دسترس مطالعه عموم باشد، با پیشرفت علم و صنعت از ارزش و نفوذ آن چیزی کاسته نمی‌شود؛ بلکه بر اهمیت و اعتبار آن افزوده می گردد؛ چرا چنین دینی با خرافات به شدّت مبارزه کرده و بشر را به عقل و تفکّر و تعلیم و تعلّم دعوت نموده و تمام بدبختی‌های او را معلول جهالت و نادانی می‌شمرد.

خدایی که اسلام معرّفی می کند و به سوی او می‌خواند، اگر صدها میلیون سال و با سرعت هر چه شگفت‌انگیزتر، بشر در کشف مجهولات به پیش برود، به جایی و نقطه‌ای که او را به انکار این خدا وادار کند یا از پرستش او باز دارد، نخواهد رسید.

خدای بشر همان خدای یگانه اسلام است؛ همان خدای ناپیدا؛ همان خدایی که نظم جهان‌ها، کیهان‌ها، ذرّه‌ها و همه را او برقرار کرده؛ همان خدایی که همه را آفریده است؛ خواه انسان در ناحیه علم و در یک نقطه بماند و تغییر وضعی ندهد، یا هر آن و هر روز با نیروی کوشش و تأمّل

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۵۸

و تفکّر، گام‌های وسیعی بردارد و خواه بیابان نشین باشد، یا در آسمان خراش‌ها زندگی کند، او خدا و معبود و مسجود همه و بی‌نیاز و توانای مطلق، و پاک و منزّه از شرک و انباز است.

سایر عقاید اسلامی و فروع و اصول و تعالیم این دین- که جنبه‌های گوناگون آدمی‌زاد و جامعیت او را از هر جهت رعایت کرده و جسم و روح او را در یک میزان قرار داده و با هم، هماهنگ می‌سازد- همین گونه است؛ یعنی مرور زمان آن را متزلزل و کم اعتبار نخواهد کرد.

اگر دنیا با این ترقّی‌های شگرف و عمیق مادّی، از تعالیم و هدایت‌های اسلام و قرآن و روش تربیتی اولیا و رهبران اسلام و توجّه آن‌ها به عدالت گستری و تساوی حقوق و تأمین رفاه و آسایش واقعی بشر الهام می گرفت، به طور قطع زمین نمونه‌ای از بهشت برین بود.

قرآن را بخوانید؛ نهج البلاغه را مطالعه کنید و اصول عالی و همیشه نوین اسلام را در قسمت‌های اجتماعی و سیاسی بررسی فرمایید تا بدانید هر آنچه در ستایش این دین و تعالیم و اصول و فروع آن گفته شود، گزاف نیست و یگانه راه نجات بشر از اضطراباتی که به واسطه پیشرفت صنعت و غلبه مادیات بر روحانیات و ادغام جامعه‌ها در یکدیگر و اصطکاک منافع پیش آمده، التزام به احکام اسلام و جهانی شدن این نظامات است.

از باب نمونه، یکی از احکام اسلام همین «روزه ماه رمضان» است. هر

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۵۹

چه اعصار مترقّی‌تر، جلو بیاید، نه از حکمت‌ها و فواید روزه چیزی می کاهد و نه نقش روزه را در تربیت روح و جسم و تهذیب اخلاق انکار می کند. و همان طور که چهارده قرن پیش، روزه ماه رمضان از کامل‌ترین و آموزنده‌ترین مکتب‌های اخلاقی و انسانی و آموزنده تقوا و پرهیزکاری و رشددهنده فضایل و ملکات شریفه بود، امروز هم همین منافع و مصالح را دارا است.

اگر چهارده قرن پیش آن طور که باید نوع مردم از فواید آن آگاه نبودند، در عصر ما فواید صحّی و بهداشتی و روانی و تربیتی و اجتماعی آن آشکارتر شده است.

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۶۰

فصل سیزدهم: نقش روزه در روح انسان

انسان در زندگی و در راه ترقّی و تکامل، باید با دشواری‌ها و سختی‌ها دست و پنجه نرم کند و از گردنه‌های خطرناکی عبور نماید و رنج‌ها و زحماتی را در این راه متحمّل شود، تا به سر منزل مقصود برسد؛ و تا بر این دشواری‌ها پیروز نشده و این گردنه‌ها را پشت سر نگذارد، به مقام کمال انسانیت واصل نخواهد گشت.

متاعب، صدمات و خطرات، بشر را آزموده و پخته و خالص می‌سازد؛ به شرط آن که بتواند با صبر و شکیبایی با آن‌ها روبرو شود، ثبات ورزد و از میدان به در نرود.

برای این که جان انسان به صبر و شکیبایی معتاد و نیرومند شود، اسلام برنامه‌هایی عالی و مؤثّر پیشنهاد کرده که از آن جمله «روزه» است.

روزه، انسان را به صبر و تحمّل عادت می‌دهد و به روح او نیرومندی و توازن و سنگینی خاصّی می‌بخشد که در برابر حوادث و ناملایمات عقب‌نشینی ننماید و به سوی اهداف انسانی پیش برود.

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۶۱

از نظر دیگر در وجود انسان احساسات و غرایز متضادّه‌ای است که باید آدمی بر همه آن‌ها مسلّط باشد و در عین حالی که آن غرایز را به نحو معقول ارضا و اشباع می‌کند، بر کارشان نیز نظارت نماید.

وجود بشر منبع خواسته‌های بسیار است که هر یک در سیر او به سوی کمال، دخالت دارند و عوامل و اسباب ترقّی و سعادت او می‌باشند.

این غرایز اگر به طور صحیح رهبری نشود، برای انسان درد سرهای بسیار ایجاد کرده و باطن او را از طوفان‌های نگرانی و وحشت و اضطراب پر می‌سازد و زندگی را بر او تلخ و ناهنجار و مالامال از عذاب و خطا می‌کنند و حسد، تکبر، حرص، طمع، شهوت، هوای نفس، ستمگری، چاپلوسی، تملّق و زبونی، حبّ جاه و ریاست و استثمار دیگران در آن حاکم می‌شود و اگر به طور خِرَدپسند و در لوای راهنمایی دین و قرآن هدایت شوند، باعث رستگاری و سعادت شده و فرد را به صفات انسانی مانند: تواضع، حلم، قناعت، پارسایی، عفّت، تقوا، عدالت، شرافت، استقامت و شجاعت آراسته می‌سازد.

انسان برای تسلّط بر غرایز و برقراری نظم و ترتیب در اعمال آن و حفظ اعتدال و هماهنگ ساختن تمایلات و رهبری آن‌ها، محتاج به صبر و شکیبایی است که یورش‌های این غرایز از قبیل: حسد، شهوت، حبّ جاه، میل به غذا و یورش‌های دیگر او را از پا در نیاورد و در او

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۶۲

اختلال ایجاد ننماید. این یورش‌ها بسیار خطرناک و ضربه زننده هستند و اقناع نفس و دفع این یورش‌ها، با تسلیم شدن و ترک مقاومت‌کردن و آتش بس دادن در برابر آن‌ها امکان پذیر نیست و این امیال و خواسته‌های نفس، بیرون از حد و حصر است.

دوزخ است این نفس و دوزخ اژدهاست‌کان به دریا نگردد، کمّ و کاست

هفت دریا در آشامد هنوزکم نگردد سوزشِ این خلق سوز

نفس را هفتصد سر است وهر سری‌از ثَری بگذشته تا تحت الثّری

اگر نفس از تسلّط بر این غرایز باز داشته شد و عقل آن‌ها را تحت فرمان قرار داد، انسان به سوی کمال می‌رود و اگر به خود

واگذار شدند، مانند طفل شیرخواری که اگر او را از شیر باز نگیرند، به همان حال بزرگ می‌شود، این غرایز نیز در مسیر غیرعقلانی رشد یافته و قوّت سرکشی خود را افزون می‌سازند.

اَلنَفسُ کَالطِّفلِ ان تُهمِلهُ شُبَّ عَلی‌حُبِّ الرِضاعِ وَان تُفطِمهُ ینفَطِمُ

کُم حَسُنَتِ لُذه لِلمَرءِ قاتِلهُ‌مِن حیث لَم یدرِ انَّ السمَّ فِی الدِسَم

وَخالِفِ النَفس وَالشیطانَ وَاعصِهِماوَان هُما مَحاضاکَ النُصح فَاتَّهِم

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۶۳

یکی از فواید روزه همین است که برای این پیکار داخلی، انسان را آماده می‌سازد، و نیروی شکیبایی او را زیاد می‌کند.

مگر روزه ترک شهوات، غذا و خوردنی‌های لذید و آشامیدنی‌های گوارا و خودداری از اعمال غرایز نیست؟

فردی که توانست یک ماه و هر روز تقریباً چهارده ساعت، غذا نخورد، تشنگی را تحمّل کند، به غریزه جنسی اعتنا نکند و آزاد زندگی نماید، خواهد توانست در مواقع دیگر نیز از شهوات نامشروع و آلوده دامانی، خود را حفظ کند.

بیشتر آلودگی‌ها و گرفتاری‌ها و سقوط در سیاه چال‌های زندان‌ها برای همین است که آدمی نتوانسته است برای مدّت زمانی هر چند کم، خود را در برابر خشم و شهوت نگاه بدارد و شکیبایی پیشه سازد.

روزه این حال و این وزن را به انسان می‌دهد که جنبش‌ها و یورش‌های نفسانی او را از این سو به آن سو پرتاب کند.

روزه یار و مددکار و راهنمای ما است که هم بتوانیم هجومی را که از خارج به ما وارد می‌شود دفع کنیم و هم حملاتی را که از داخل ما را تهدید می‌کند، بشکنیم.

از این رو است که از روزه، به «صبر» تعبیر شده و آیه کریمه

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۶۴

«وَاستَعِینُوا بِالصَّبرِ وَالصَلوهِْ»[۱۱۰] تفسیر به «صوم» گردیده است.

چنان چه از حضرت صادق علیه السّلام روایت شده است که فرمود: هرگاه بر کسی پیشامد سختی فرود آمد، پس باید روزه بگیرد؛ زیرا خداوند می‌فرماید:

وَاسْتَعِینُواْ بِالصَّبْرِ وَالصَّلوهِْ

از «شکیبایی» و «نماز» یاری جویید.

پس، فرمود: «صبر» یعنی «روزه».

از این جا معلوم می‌شود که روزه در حصول صفت صبر، یک علّت و عامل مهم است و به این دلیل است که از آن تعبیر به «صبر» می‌شود.

آری، بهترین تقویت کننده صبر و شکیبایی، «روزه» و برترین یاد خدا «نماز» است که هر کس از این دو یار قوی کمک بگیرد، بی‌شک بر حوادث، مصایب، هوای نفس، و تمایلات شیطانی پیروز می‌شود.

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۶۶

فصل چهاردهم: روزه، مدرسه عالی اجتماعی

اشاره

چنان چه می‌دانیم روزه دارای فواید، حکمت‌ها، مصالح روانی و اخلاقی، جسمی، اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی، درمانی و حتّی سیاسی است و باید در هر یک از این فواید جداگانه و مستقل به بحث پرداخت و تذکّر و توجّه به این فواید یقین مسلمان را به دین اسلام، زیاد و اطمینانش را به حکمت خدا در تشریع این فریضه بزرگ قوی‌تر می‌سازد.

در این مجال، می‌خواهیم برخی از حکمت‌های اجتماعی روزه را یادآور شویم؛ تا در روشنایی آن به اوضاع اجتماعی کنونی نیز توجّه کنیم و از ماه رمضان و آیین روزه‌داری برای اصلاح وضع اجتماعی خود کمک بگیریم.

۱. یکی از فواید اجتماعی روزه- چنان چه مکرّر تذکّر داده‌ایم- این است که روزه، اراده اجتماع را قوی و همّت جامعه را بلند و بر هواها و امیال و شهوات، حاکم و مسلّط می‌سازد.

کسی که توانست مدّت چهارده ساعت- کمتر یا بیشتر- در شدّت

گرما، طعام و غذا را ترک و زحمت و رنج تشنگی را تحمّل کند، و از

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۶۷

لذاید جنسی خودداری نماید، می‌تواند برای خاطر مصالح بزرگ اجتماعی و برای حفظ شرف و آبروی خود و جامعه نیز شکیبایی ورزد، و زحمات و دشواری‌ها و ناراحتی‌ها را برای نیل به مقاصد عالی اجتماعی متحمّل گردد.

بدیهی است هر اجتماعی که بخواهد در راه ترقّی قدم به جلو بردارد و با حرکات و نهضت‌های مترقّیانه به پیش رود، به قوّت اراده، عزم آهنین و همّت بلند نیاز دارد؛ قوّت و همّتی که او را به اقدامات بزرگ و نهضت‌های خطیر برانگیزد، و از تصوّر شکست و ضعف و عقب‌نشینی در برابر عوامل مأیوس کننده و مخرّب مصون بدارد.

یگانه چیزی که سبب امتیاز افراد و اجتماعات از یکدیگر و باعث پیروزی و غلبه آن‌ها بر مشکلات است، قوّت اراده و عزم سخت است که هر ملّتی از آن بیشتر برخوردار باشد، بیشتر می‌تواند با مشکلات و مصایب دست و پنجه نرم کند و مصالح عالی عمومی را با بذل مصالح و منافع شخصی و ترک هواهای نفسانی بازخرید نماید.

نقش روزه و تأثیر آن در تکمیل و تقویت اراده، بسیار مهم است؛ زیرا روزه تمرین صبر و خویشتن‌داری و قوّت اراده و ایجادکننده عزم محکم به واسطه ترک لذاید حلال، و سبب صبر و شکیبایی در ترک لذایذ حرام است.

۲. یکی دیگر از فواید اجتماعی روزه، تذکّر و یاد کردن حال فقرا و

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۶۸

طبقه محروم و توجّه به شرافت نفس و علوّ طبع بی‌نوایان صابر و شکیبا است.

اگر روزه‌دار متمکّن و توانگر فقط در ماه رمضان به صبر و شکیبایی می‌پردازد و از خوردن غذاهای لذیذ و اعمال غریزه جنسی خودداری می‌کند، فقیر و محروم صابر و با ایمان، علاوه بر اجرای برنامه ماه رمضان در دوره سال، بر محرومیت‌هایی که دارد صبر می‌کند و از حدود شرع تجاوز نمی‌نماید و زبان به شکایت از خدا نمی‌گشاید و به مال کسی چشم طمع ندوخته و به اغنیا و ثروتمندان حسد نمی‌ورزد.

پس روزه‌دار توانگر و فهیم در می‌یابد که چه بسا این دسته از فقرا و محرومین مؤمن به واسطه صبر بر محرومیت‌ها در قوّت اراده و شرافت طبع و بلندی همّت بر او فضیلت داشته باشند؛ زیرا هر چه کام‌گیری‌های نفسانی بیشتر باشد و طبع، معتاد به هواپرستی، و مشغول به التذاذات جسمانی شد، مقاومت در برابر آن دشوارتر، و اراده ضعیف‌تر و توانایی انسان به تحمّل مشکلات و سختی‌ها و اقدام به اعمال نیک و بزرگ کمتر می‌شود.

چنان چه در تاریخ بزرگان دیده شده و به تجربه نیز ثابت گردیده، در خاندان‌هایی که با ناز و نعمت فراوان خو گرفته باشند، افراد برجسته، با همّت، شجاع و با اراده کمتر پیدا شده و در خانواده‌هایی که با اختیار یا بدون اختیار، به ترک لذایذ و بی‌اعتنایی به امور

مادّی و تن پروری

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۶۹

مبادرت شده، نوابغ و مردان باشخصیت و با اراده، بیشتر ظهور کرده‌اند.

پس، روزه‌دار هم به عزّت نفس و شرافت فقرای فاضل آگاه گشته و هم از سختی و رنج آن طبقه محروم اجتماع، خبردار می‌شود و به فکر کمک به آن‌ها می‌افتد.

در حدیث است که «حمزه بن محمّد» به حضرت امام حسن عسکری علیه السّلام نوشت: چرا خدا روزه را واجب فرموده؟

پاسخ رسید:

لِیَجِدَ الغَنِیُّ مضَضَ الجُوعِ فَیَحنُو عَلَی الفَقِیر[۱۱۱]

برای این که توانگر درد گرسنگی را بیابد و به فقیر عطوفت نماید.

و از حضرت صادق علیه السّلام روایت است که فرمود:

انَّما فَرَضَ اللهُ الصِّیامَ لِیَستَوِی بِهِ الغُنِی وَالفَقِیر الحدیث ۱۱۲]

خداوند روزه را واجب گردانید تا به وسیله آن غنی و فقیر مساوی گردند.

۳. از دیگر فواید روزه آن است که روزه‌دار، حقیقت آزادی و حرّیت را درک می‌کند و روزه او را از عبادت، شهوات، عادات و پرستش هوای نفس آزاد می‌سازد و روح او را ارتقا داده و فکرش را روشن می‌نماید و

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۷۰

در پیکر اجتماع، روح آزادی می‌دمد و همه را به خضوع در پیشگاه آفریدگار- که جز او کسی سزاوار پرستش نبوده و هر مخلوقی از قید رقیت و عبودیت او بیرون نیست- رهبری می‌نماید و از بشرپرستی و کرنش و تعظیم در برابر صاحبان قدرت‌های مادّی و ستمگران باز می‌دارد.

روزه‌دار مؤمن و خداشناس، آزاد واقعی است؛ آزادی که کامل‌ترین معانی و مفاهیم آزادی را درک کرده است.

کسانی که آزادی را به ترک وظایف و التزامات شرعی و عقلی و هوس‌رانی و شهوت‌پرستی می‌دانند، بنده شهوات و عادات و اسیر هوای نفس هستند. چنین کسانی مؤمنان را- که به پرستش خدای یگانه می‌پردازند- مسخره می‌نمایند؛ در حالی که خودشان در پرستش هوا و شهوات و لذّات خسیسه، طوق عبودیت به گردن انداخته و مصداق این کلام معجزه نظام الهی می‌باشند:

افَرَأَیتَ مَنِ اتَخَذَ الهَهُ هَواهُ ۱۱۳]

آن هنگام که هوای نفس مطاع و معبود شد، استبدادش از استبداد هر سلطان مستبد خطرناک‌تر است و اگر از استبداد هوای نفس پیروی شد،

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۷۱

خطرش، زوال شخصیت، شرف و حیثیت است و آن کسانی که پیروی از پلیدی‌های نفس و شهوت‌پرستی و سرپیچی از اوامر شرع را آزادی می‌دانند، علاوه بر آن که معنای آزادی را نفهمیده‌اند، در پلیدترین قید و بندها مقید و بسته هستند و تا این قیود، صفات ذمیمه از قبیل: حرص و آز، حبّ دنیا، تجمّلات و جاه و ریاست و ... را پاره نکرده و به جهان آزادِ خداپرستی و صف آزادمردان موحّد منتقل نشده و اعلان آزادی بشر را در تعالیم اسلام نخوانند، از نعمت آزادی بهره‌ای نمی‌برند.

«ابن خضرویه می گوید:

فِی الحُرِّیَةِ تَمامُ العُبُودِیّهٔ، وَفِی تَحقِیقِ العُبُودِیّهِٔ تَمامُ الحُرِّیَهٔ

در آزادی حقیقی تمام عبودیت و پرستش خدا، و در پرستش خدا تمام آزادی درج است.

آزادی، رهایی از بندهای پرستش غیر خدا، قیود و اخلاق زشت و عادات ناپسند است و اعتماد و اتکای به خدا و بندگی خالص و حقیقت عبودیت خدا، آزادی از قید بندگی و اسارت دیگران است.

۴. روزه، تمرین اخلاص و پاکی نیت و تنزّه از ریا، و اجتناب از شهرت طلبی و مدح و ثنای خلق است. این عیوب و آفات در امور نیک دیگر بیشتر وارد می‌شود؛ ولی روزه‌دار برای ریاکاری ناچار به حفظ رژیم روزه و امساک از مفطرات نیست؛ زیرا ممکن است در خلوت از

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۷۲

مفطرات امساک ننماید و خود را روزه‌دار معرّفی کند.

پس اگر شخصی در تمام مدّت روز و در خلوت و جلوت، پنهان و آشکار روزه‌دار بود، علامت پاکی نیت و صدق باطل و اخلاص او است و فایده آن، تمرین و تربیت نفس بر خلوص نیت و طهارت مقصد و پرهیز از حبّ شهرت و عوام فریبی و حبّ جاه و کسب اعتبار در بین مردم است.

هر مقدار اجتماع از آفات عوام فریبی و حبّ شهرت و جاه و مقام پاک شود، واقعیات و حقایق، میزان سنجش کارها معلوم می‌شود و اشتباه کاری‌ها از بین می‌رود و بزرگ‌ترین خطری که حیات زعما و رهبران ملل و حتّی حکما و دانشمندان را تهدید می‌کند، همین عوام‌فریبی و حبّ جاه و شهرت است که به واسطه آن اعمال از مسیر حقیقت پرستی و واقع‌بینی منحرف شده و اجتماع در اشتباه می‌افتد و علّت عمده شکست بسیاری از نهضت‌ها و قیام‌ها و حرکات اصلاحی، عدم خلوص نیت از ابتدا و یا آلوده شدن نیات در میانه راه و وسط کار، به این آفات است و هر چه اجتماع انسانی از این آفات تطهیر شده و سران و رهبران از حبّ مدح و سپاس پاک باشند و مدح و سپاس، وسیله تقرّب به آنها نباشد و مبالغه و گزافه گویی و نیایش و تواضع نسبت به آن‌ها از بین برود چنین جامعه‌ای به سوی ترقّی واقعی خود

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۷۳

بهتر قدم بر می‌دارد.[۱۱۴]

از این جهت در اسلام به اخلاص در نیت، و توحید در عبادت، اهمیت بسیار داده شده است.

قرآن مجید می‌فرماید:

وَمَآ امِرُوا إِلّا لِيَعْبُدُوا اللهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّين ۱۱۵]

معنای خالص قرار دادن دین، برای خدا این است که انسان‌ها اعمال و رفتارهایی که جنبه معنوی و وجهه ربوبی داشته و نمایش پرستش و

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۷۴

حاکی از حسن ضمیر و صفای باطن است، فقط برای خدا به جای آورند و در برنامه‌های بازرگانی و روابط اجتماعی، سیاسی و نظامی فقط به احکام خدا ملتزم باشند، و از غرور و حبّ جاه و جنبه‌های شخصی، خود را پاک کرده و از التزام به آن چه بیرون از احکام خدا و حدود شرع است پرهیز نمایند، و در هر کار و عمل و هر حرکت، رضای خدا را شرط بدانند.

در روزه و برنامه‌های ماه رمضان، درس این معانی و آموزش این حقایق عالی و این حکمت‌های بزرگ نهفته است و به قدری این عبادت از ریا دور است که خدا آن را برای خود و مخصوص خود معرّفی فرموده است؛ با این که تمام عبادات باید برای خدا انجام شود.

از حضرت امام صادق علیه السّلام روایت شده است که خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید:

الصَّومُ لِی وَانا اجزِی عَلَيه ۱۱۶]

ز هر حرف بشارت ده سراسربود لفظ انا اجزی نکوتر[۱۱۷]

۵. یکی دیگر از فواید اجتماعی روزه حصول ملکه حسن خلق و عفو

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۷۵

و گذشت و دوری از کینه‌توزی، تندخویی، بدزبانی، ستیزه‌جویی، غیبت و دشنام است؛ زیرا از جمله تعالیمی که به طور مؤکّد به روزه‌دار داده شده، این است که مواظب چشم و زبان و گوش خویش باشد و اگر از کسی نادانی و بی‌ادبی دید یا دشنام و سخن زشتی شنید به او پاسخ ندهد.

در حدیث است که حضرت ابی‌عبدالله علیه السّلام فرمود:

اذا صُمتَ فَلیَصُم سَمعُکَ وَبَصَرُکَ وَشَعرُکَ وَعَدَّدَ اشیاءَ غَیرَ هذا وَقال: لا یَکُونَنَّ یَومُ صَومِکَ کَیَوْمِ فطرِکَ ۱۱۸]

وقتی روزه می‌گیری باید گوش تو و چشم تو و موی تو روزه بگیرد. و چیزهای دیگر را شمرد و فرمود: نباید روزی که روزه هستی تو مثل روزی که روزه نیستی، باشد.

و از رسول خدا صلّی‌الله علیه وآله وسلّم روایت است که فرمود:

ما مِن عَبدٍ صائِمٍ یَشتِمُ فَیَقُولُ: انِّی صائِمٌ سَلامٌ عَلَیکَ لاَاشتِمُکَ کَما تَشتِمُنِی إلّا قالَ الرَّبُّ تَعالی: استجارَ عَبدِی بِالصَّومِ مِن شَرِّ عَبدِی قَد اجرتُهُ النّارَ[۱۱۹]

بنده روزه‌داری نیست که به او دشنام داده شود و او به دشنام

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۷۶

دهنده بگوید: من روزه هستم. سلام بر تو! من دشنام نمی‌دهم؛ چنان چه تو دشنام می‌دهی؛ مگر این که پروردگار تعالی می‌فرماید: بنده من به وسیله روزه از شرّ بنده [به من پناه جست. من به تحقیق او را از [شرّ] آتش پناه دادم.

ذکر فواید و حکمت‌های اجتماعی روزه نشان می‌دهد که روزه یک کلاس تربیتی، اجتماعی و عملی و تعلیم سلوک و معاشرت هر چه بهتر و منزّه‌تر و انسانی‌تر است. از این رو در صدر اسلام اجتماع اسلامی از حیث سلوک اجتماعی و معاشرت افراد با یکدیگر و روابط آن‌ها با هم راقی‌ترینِ اجتماعات بود و مدرسه عبادات اسلام، از جمله کلاس «روزه»، مسلمانان را شایسته آن نمود که رسالت اسلام را به دنیا ابلاغ کنند و از ثمرات اخلاقی و برکات درس‌های آن- که عبارت از ایثار، فداکاری، استقامت، تملّک نفس، کوشش در راه هدایت و بیداری ملّت‌ها و آزادی اجتماعات از ظلم سران و فرمان‌روایان و پیکار با جهل، فساد عقیده و رذایل اخلاقی است- جهانیان را به حقیقت اسلام متوجّه سازند.

این معانی بلند را در ضمن ادای مسلمانان صدر اسلام، عبادات و برنامه‌های نماز، روزه، حج و ... فرا گرفته و در پیاده کردن آن می‌کوشیدند.

اکنون نیز ماه رمضان این آثار را داراست و طبق آمارهایی که داده می‌شود، از میزان و تعداد جرایم و جنایات در این ماه کم می‌شود.

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۷۷

مسلمانان در وضع اجتماعی کنونی به تلمّذ در مدرسه عالی روزه ماه مبارک بیش از گذشته احتیاج دارند و هتک حرمت این ماه با افطار روزه، مبارزه با این مدرسه تربیتی اسلامی و مخالفت با تهذیب نفوس و تزکیه اخلاق و تکامل و ترقّی جامعه بوده و معاندت با خدا و اهانت و استخفاف فرمان خالق جهان و جهانیان است. (اعاذنا الله منه).

رمضان، ماه دعا

وَقالَ رَبُّکُمْ ادْعُونِی اسْتَجِبْ لَکُم انَّ الَّذِینَ یَسْتَکْبِرُونَ عَن عِبادَتِی سَیَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِینَ ۱۲۰]

یکی از وظایف و برنامه‌هایی که روزه‌داران در ماه رمضان اجرا می‌نمایند، دعا و مناجات و طلب حوایج از خداوند قاضی الحاجات است.

خواندن دعا و طلب خیرکردن از خداوند در هر زمان، مستحب و توان بخش روان و از اسباب نشاط دل، انبساط خاطر و تجدید قوای فکری و روحی است.

«دعا» رافع غم و اندوه، غذای مقوّی روح، برطرف کننده ناراحتی‌ها، سبب خوش‌بینی و امید به آینده و نجات از کابوس ناامیدی است.

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق ؛ ص۱۷۸

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۷۸

دعا، خواندن پروردگار و یاری خواستن و حاجت طلبیدن از اوست که انسان فطرتاً از این نعمت بزرگ و رحمت واسعه الهی، بهره‌مند است.

بشر- هر چه هم قوی و نیرومند باشد- در شداید و سختی‌ها به وجود خدا- که برتر از همه و بی‌نیاز از همه و کارساز همه است- رو می‌آورد و به او پناهنده می‌شود و رفع سختی‌ها و بلاهایی را که به آن گرفتار شده را از او می‌طلبد. فطرتش او را به سوی خدا رهبری می‌نماید و غیر از خدا کارسازی نمی‌یابد:

قُلْ ارَءَیْتَکُمْ انْ اتَیکُمْ عَذابُ اللهِ اوْ اتَتْکُمُ السّاعَةُ اغَیْرَاللهِ تَدْعُونَ ان کُنْتُمْ صادِقِینَ بَلْ ایَّاهُ تَدْعُونَ ۱۲۱]

اگر افتی بدام ابتلایی‌به جز او از که می‌جویی رهایی ۱۲۲]

انسان در پستی و بلندی‌های زندگی و حوادث روزگار و در برابر پیشامدهای سخت و ناگوار به مواردی می‌رسد که غیر از دعا هیچ گونه

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۷۹

تکیه گاهی برای خود نمی‌یابد و فقط دعا می‌تواند ضعف و ناتوانی روحی او را جبران کند.

یکی از چیزهایی که هر بیمار و گرفتار به آن شایق و مایل است «دعا» است.

هر شخص بیمار و هر انسان مبتلا و ناراحت مایل است دوستی داشته باشد که دردهای خود را با او بگوید و او را از ناراحتی‌های خود آگاه ساخته، گرفتاری‌های خود را برایش شرح دهد و آن چه را بر سرش آمده یکایک برای او بازگو کند و به اصطلاح، «عقده گشایی» نماید.

علم روان شناسی این را یکی از راه‌کاری‌های تخفیف آلام و سبک شدن اضطراب، نگرانی و ناراحتی روحی شناخته است.

اگر شخصی غصّه و اندوه خود را در دل نگاه داشته و پنهان کند و یا کسی را نیابد که غم دلش را آن چنان که هست به او بگوید، در آتش اضطراب و خیالاتِ غم افزا می‌سوزد و دنیای وسیع را بر خود تنگ و تاریک می‌بیند.

یکی از فواید دعا این است که مؤمن، با خدای مهربان و شنوا، رازها، غصّه‌ها و رنج‌ها و افسردگی‌هایش را در میان می‌گذارد و گرفتاری‌های خود را بی‌کتمان شرح می‌دهد؛ و از او چاره‌جویی می‌کند و می‌داند که خدا از هرکس به او نزدیک‌تر است؛ ناله و صدایش را می‌شنود و او را پاسخ می‌گوید.

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۸۰

بنده مؤمن، پس از دعا احساس می کند که آلام درونی‌اش تخفیف یافته و سنگینی بار اندوه و فشارهای روحی‌اش سبک‌تر شده است.

راستی اگر دعا نبود و اگر بندگان راه به دعا نمی‌بردند و ناچار بودند راز دل و غصّه‌های خود را بازگو نکنند، چقدر زندگی ناگوار و تلخ می‌شد و عقده‌های روحی، آنان را آزار می‌داد.

ما باید به خاطر وجود نعمت «دعا»، حمد خدا را به جای آوریم و این نعمت را عزیز و گرامی بداریم.

در دعای «ابی حمزه» است که:

الْحَمْدُ للهِ الَّذِی ادعُوهُ فَیُجِیبُنِی وَان کُنتُ بَطِیئاً حِینَ یَدعُونِی

حمد برای آن خدایی است که او را می‌خوانم؛ پس مرا جواب می‌دهد، هر چند من در جواب او- وقتی مرا بخواند- کُند هستم.

و در همان دعا می‌خوانیم:

الْحَمدُللهِ الَّذِی اسْئَلُهُ فَیُعْطِینِی وَانْ کُنتُ بَخِیلا حِینُ یَستَقْرِضُنِی

حمد، مخصوص خدایی است که از او می‌خواهم، پس مرا عطا می کند؛ هر چند وقتی از من وام بخواهد[۱۲۳] بخل می‌ورزم.

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۸۱

و در فرازهای دیگری از این دعای زیبا می‌خوانیم:

الْحَمدُللهِ الَّذِی انادِیهِ کُلَّما شِئتُ لِحاجَتِی وَاخلُو بِه حَیثُ شِئتُ لِسِرِّی بِغَیرِ شَفِیع فَیَقضِی لِی حاجَتی

سپاس مر خدای را که هر زمان بخواهم برای نیازم او را ندا می کنم و برای راز گفتن با او خلوت می‌نمایم؛ بدون این که شفیعی داشته باشم، پس حاجتم را برمی‌آورد.

الْحَمْدُللهِ الَّذِی ادْعُوهُ وَلا ادْعُو غَیرهُ وَلَو دَعُوتُ غَیرَهُ لَم یَستَجِب لِی دُعائِی

سپاس از آن خدایی است که او را می‌خوانم و غیر او را نمی‌خوانم و اگر غیر او را بخوانم، دعایم را مستجاب نمی کند.

دعا، همّت را بلند، اراده و تصمیم را استوار، و انسان را در برابر حوادث بزرگ و مصایب جانکاه مجهّز و بیمه می‌سازد.

حضرت سیدالشّهدا علیه السّلام در آغاز روز عاشورا- که می‌بایست به استقبال آن همه بلا و مصیبت برود و آن شداید و سختی‌ها هر کدامش برای این که تهمتنان جهان را از پای در آورد و به خاک ذلّت و تسلیم بنشاند، کافی بود- روی به درگاه خدا آورد، و با این جمله‌های پر معنی خدا را خواند و از او تأیید و قوّت خواست و در آن میدان شداید و نوائب، سر مویی از صراط مستقیم منحرف نشد و لحظه‌ای از هدف و

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۸۲

مقصد عالی خود دیده بر نداشت.

اللّهُمَّ انتَ ثِقَتِی فِی کُلِّ کَرب وَانْتَ رَجایِی فِی کُلِّ شِدَّةٍ وَانتَ لِی فِی کُلِّ أمْرٍ نَزَلَ بِی ثِقَةٌ وَ عُدَّةً کَم مِن هَمٍّ یَضْعفُ فِیهِ الفُؤادُ وَتَقِلُّ فِیه الحِیلةُ وَیَخْذُلُ فِیه الصَّدِیقُ وَیشمتُ فِیه العَدُو انزَلْتُهُ بِکَ وَشَکَوتُهُ الَیکَ رَغبَةً مِنّی الَیْکَ عَمَّن سِواکَ فَفَرَّجتَه عَنِّی وَکَشَفتَه وَکَفَیتَنِیه فَانتَ وَلِیّ کُلِّ نِعْمَةٍ وَ صاحِبُ کُلِّ حَسَنَةٍ وَمُنْتَهی کُلِّ رَغْبَةٍ[۱۲۴]

در جمله‌های روح بخش این دعا دقّت کنید تا دریابید سلاحی که حسین علیه السّلام به آن مسلح بود، سلاحی بود که اگر تمام دنیا، سپاه و لشگر می‌شد و با سپاه کوفه هم دست می‌شدند، نمی‌توانستند حسینِ حقیقت و فضیلت را بشکنند و شهامت و شجاعت و استقامت او را متزلزل سازند و او را از مقصد و هدفی که دارد به جای دیگر و نقطه دیگر متوجّه نمایند.

آری، خدا پشتیبان، مددکار و امید و مقصد و منتهای حسین علیه السّلام بود، که توانست از آن میدان بلا، شرافتمندانه و سربلند

بیرون آید و ذلیل و زبون و تسلیم کفّار نگردد؛ و دین خدا را با بذل جان خود و جوانان و یارانش یاری نماید.

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۸۳

دعا، وسیله تهذیب باطن و نشان از شعور دعا کننده به فقر و نیازش به خدا و باعث رسوخ صفت تواضع و فروتنی و افتادگی و پرهیز از تکّبر و گردنکشی است.

همه باید دعا کنند

بشر در حال شدّت و سختی بیشتر به خدا روی می‌آورد؛ و «یا اللّه»، «یا رحمن»، «یا شافی»، «یا کافی» و «یا رازق» می‌گوید؛ ولی به هنگام ناز و نعمت، خدا را فراموش کرده، باد غرور و تکبّر در سینه‌اش می‌افتد و خود را ضعیف و محتاج نمی‌شمرد و مغرورانه از اوامر الهی سرپیچی می‌کند. با اندک مال و عزّت، تندرستی، جاه و مقام، قدرت و قوّت جوانی چنان فریفته می‌شود که کسی را نمی‌بیند و به اصطلاح، خود را گم می‌کند، روی زمین متکبرانه راه می‌رود؛ و مانند آن که جهان را به اختیار او داده باشند، دیگران را بنده و ناچیز شمرده و به خود می‌بالد و خود را می‌آراید؛ به بندگان خدا به نظر حقارت نگاه می‌کند و از خدا اعراض نموده و مصداق این آیه کریمه می‌شود که:

وَإِذآ أَنْعَمْنا عَلَى الإِنْسانِ أَعْرَضَ وَنَابِجَانِبِه وَاذَا مَسَّهُ الشَّرُّ فَذُو دُعآء عَرِيض ۱۲۵]

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۸۴

برای این دسته از مردم دعا و اظهار فقر و حاجت در درگاه حق و آن دسته گرفتار و مبتلا، لازم‌تر است. آن دسته گرفتار و مبتلا چندان نیازی به آموزش دعا ندارند و همان ابتلایی که دارند، آنان را به سوی دعا می‌برد.

امّا این دسته برخوردار و متنعّم را باید به دعا دعوت کرد و به آن‌ها گوشزد کرد تا همواره خدا را بخوانند و شکر او را به جای آورند؛ تا متواضع و فروتن شده، از ادّعاهای خود بکاهند و از خلق خدا فاصله نگیرند؛ و به پلیدی، کبر و گردن‌کشی آلوده نشوند.

از این جهت دعا یک برنامه عمومی و همگانی است. هر فرد به اندازه استعداد و لیاقت خود، از آن بهره‌مند می‌شود و حتّی پیغمبران و اولیای دین نیز از آن منتفع شده و بیش از دیگران در دعا کردن و طلب حوایج از خداوند اهتمام داشته‌اند.

بهترین دعاها

بهترین دعاها، دعایی است که برای زیادتی معرفت و نورانیت قلب، پاکی و صفای باطن، حسن عاقبت و توفیق در کارهای خیر، کسب ثواب، تخلّق به اخلاق حمیده، انجام وظایف اسلامی، طلب مغفرت و آمرزش و تقرّب به درگاه باری تعالی باشد.

این گونه دعاها یقیناً مستجاب است و آثار اجابت آن خیلی زود ظاهر

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۸۵

می‌شود و شخص با این‌گونه ادعیه به سوی خدا سفر می‌کند و به درگاه او نزدیک می‌شود.

ادعیه دیگر در صورتی مستجاب می‌شود که با سنن الهی مطابق بوده، و از سوی دیگر موافق مصلحت دعاکننده باشد.

گاهی ما دعا می‌کنیم و در آن دعا از خداوند بلاـ و گرفتاری را برای دیگری طلب می‌کنیم، که این گونه دعاها یقیناً مستجاب نیست و خداوند عادلِ حکیم حلیم، منزّه از این است که چنین دعاهایی را مستجاب فرماید.

این گونه دعاها علامت عدم رشد و کمی معرفت و بی‌صبری دعا کننده است.

کامل‌ترین ادعیه، آن‌هایی است که قرآن از زبان پیغمبران و مؤمنان حکایت کرده و دعاهایی است که از پیغمبر اعظم و اهل بیت آن حضرت علیهم السلام روایت شده است.

این دعاها مثل: دعای کمیل، دعای عرفه، دعای ابی حمزه، دعاهای صحیفه کامله سجّادیه، دعاکننده را در اوج مقام بلند انسانی قرار داده و به سوی عوالم بالا پرواز می‌دهد.

از جهات بسیار ارزنـده دعا، جنبه تربیتی آن است. مضامین دعاهایی که از پیشوایان دین و رهبران مـذهب وارد شـده، همه تربیتی و آموزنده و تکمیل کننده بصیرت و معرفت است.

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۸۶

راجع به دعـا و آثـار و برکـات و شـرایط و آداب آن در این مجال نمی‌توان حقّ سـخن را ادا کرد و علاوه بر آن از عهـده ضـعیفانی چون من نیز خارج است و خوانندگان گرامی باید کتب بزرگ و پرارزشـی را که علما و اساتید فن در این موضوع نوشته‌اند، مطالعه فرمایند.

از جمله اخبار درباره «فضیلت دعا» این روایت است:

الدُّعاءُ مخُّ العِبادةِ[۱۲۶]

دعا مغز و حقیقت بندگی و پرستش است.

و نیز در حدیث دیگر است:

الدُّعاءُ سلاحُ المُؤمِنِ وَعَمُودُ الدِّینِ وَنُورُ السَّماواتِ وَالارْضِ ۱۲۷]

دعا اسلحه مؤمن و ستون دین و نور آسمان‌ها و زمین است.

ماه رمضان بهار دعا است

پر واضـح است که مـاه رمضـان، بهـار دعـا و موسم آن است. افراد ناامیـد، شـکست خورده، گرفتار، بی‌نشاط و ناراحت، کم صبر و بی‌شکیب در این ماه از برکت دعا و توجّه به رحمت واسعه الهی امیدوار، با نشاط،

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۸۷

بردبار و شکیبا گردیده و از نو با روح شکست‌ناپذیر، در میدان حیات و زندگی به فعّالیت و کوشش مشغول می‌شوند.

ماه رمضان به انسان این نوید را می‌دهد که نباید در کشاکش دشواری‌ها و سختی‌های این جهان خود را ببازد و از دست و پنجه نرم کردن با حوادث عالم بیمناک گشته و مغلوب پیشامدها گردد.

خوانـدن دعـای ابی حمزه، افتتـاح و دعاهـای دیگر، چنـان شـخص را گرم و پرشور و سـرشار از نشـاط و معنویت می‌سـازد که تمام مصـائب دنیـا را فرامـوش کرده و وجودش غرق خوش‌بینی و خوش گمـانی به آینـده می‌شود و همـان طور که در حـدیث است این گونه دعاها- که در ماه رمضان رسیده و نمونه‌های آن در ماه‌ها و مواقع دیگر نیز زیاد است- سلاح و زره مؤمن است و وجود او را در برابر حوادث، بیمه قطعی کرده و روحش را غیرقابل نفوذ قرار می‌دهد.

سرتاسـر دعـای ابی حمزه، برنامه تسـلیح اخلاق واقعی و درس رضا و تسـلیم و قناعت و توکّل و حبّ به خـدا و پیغمبر خـدا و اولیای دین است. همان سـلاح و زرهی که مجاهدان اسـلام با آن به جهاد دشـمنان خدا می‌رفتند و آن‌ها را- که غرق سلاح و زره بودند- شکست می‌دادند و اسلام را بر کفر غالب می‌ساختند.

همـان سـلاح و زرهی که علی علیه السّـلام اوّل مجاهـد و یگـانه سـرباز اسـلام به آن مسلّح بـود و در جنگ‌هـا از انبوه دشـمنان بیم نمی‌کرد و در هیچ

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۸۸

میدان نبردی پشت به جهاد نکرده و می‌فرمود:

وَالله لَو تَظاهَرَتِ العَرَبُ عَلی قِتالِی لَمّا وَلَّیتُ عَنها[۱۲۸]

خواننـده عزیز! روزه‌دار ارجمنـد! از برنامه‌های دعایی این ماه اسـتفاده کنید. وقت را غنیمت بشـمارید. فرصت را از دست ندهید که: «الفرصه تمر مرالسحاب»[۱۲۹] با خدا سـخن بگویید و سپاس و ستایش او را که شایسته سپاس و ستایش است به جای آورید. از دعا روی نگردانید و اظهار تکبّر ننمایید.

و خداوند تبارك و تعالی در قرآن کریم می‌فرماید:

انَّ الَّذِینَ یَستَکبِرُونَ عَن عِبادَتِی سَیَدخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِین ۱۳۰]

توبه و استغفار

وَتُوبُوا إِلَی اللهِ جَمِیعاً ایُّهَ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ ۱۳۱]

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۸۹

بنده گناهکار به هیچ چیز مثل رحمت و آمرزش و مغفرت خدا احتیاج ندارد و چیزی جز توبه و مغفرت خدا، درون تیره او را روشن نمی‌سازد.

چنین بنده‌ای خود را آلوده گناه، و شرافت خویشتن را لکّه‌دار می‌بیند و دلش می‌خواهد تا آثار گناه را محو کند و پرونده سیاهی را که از زشتکاری برایش باز شده، ببندد.

آیا می‌شود با گذشته خود وداع کند و سوابق ننگین خود را فراموش ساخته و از بین ببرد؟

آیا می‌شود این مجرم جنایتکار، یک فرد با شرف و وظیفه شناس شود؟!

آیـا این همه نواقص و کمبودهـا و این لکّه‌هـای ننـگ همیشه بـا او خواهـد مانـد و یا می‌توان خرابی‌ها را ترمیم و عیب‌ها را برطرف کرد؟

آیا می‌تواند در صف نیکوکاران و خداپرستان قرار گیرد؟

آیا این ناراحتی‌های درونی و پریشانی وجدان از میان می‌رود؟

آیا راهی برای اعاده حیثیت او پیدا می‌شود و یا برای همیشه محکوم به بدبختی و ناپاکی است؟

اگر راهی نباشد، آیا بهتر نیست که خود را از این عذاب روحی و از این که خود را یک عنصر شـرارت و خباثت و جنایت می‌بیند، خلاص

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۹۰

کند و به زندگی کثیفی که دارد خاتمه دهد؟

حال که نمی‌تواند مانند انسان‌های شرافتمند زندگی کند، برای او زندگی چه مفهوم و ارزشی دارد؟

فرض کنیم که به طور موقّت و با سـرگرمی‌هایی، تبهکاری‌ها را از یاد ببرد، و یا به وسـیله موادّ مخـدّر از خود بی‌خود شود؛ امّا خود می‌فهمد که این یک زندگی سالم نیست؛ بلکه منتهای پستی و سقوط و بیچارگی است.

هرچه گناه عظیم‌تر باشـد، تراکم این افکار و فشار وجـدان، بیشتر او را رنـج می‌دهد، و بسـیاری از گنهکاران از شدّت این اندیشه‌ها گرفتار جنون و امراض عصبی می‌شوند.

پس چه باید کرد؟

امّا واقعاً چه باید کرد و چگونه باید این بیچاره گناهکار و سرافکنده تبهکار را آزاد ساخت؟

شاید بوده و هستند افرادی که عقیده دارند خلاصی از آثار گناه و ننگ و پستی آن ممکن نیست و پلیدی آن از گناهکار جدا نمی‌شود.

بعضی از ملل هم، راه نجات از این حالت و اعاده شرافت و حیثیت خود را تعذیبات شدید بدنی می‌دانند و گمان می‌کنند که اگر عضوی از اعضای بدن را قطع کنند نفس خود را تأدیب، و از هوای نفس انتقام

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۹۱

کشیده، و آن را به مجازات رسانده‌اند. افرادی هم خودکشی کرده، و راه خلاص شدن از پستی و احساس ننگ و عار رذیلت و آلوده دامانی را «انتحار» می‌دانند.

اکنون هم در میان بعضی از طوایف، تعذیبات بدنی شدید رایج است و گناهکاران نگون‌بخت برای راحتی از عذاب وجدان و انجام مراسم توبه، خود را شکنجه می‌دهند و میخ و سوزن و مانند آن در بدن خود فرو می‌برند.

داستان بومیان موریس

راجع به بومیان جزیره «موریس [۱۳۲] یا انسان‌های خارپشتی، مقاله عجیبی از سفرنامه «کریستیان زوبر»[۱۳۳] نگاشته شده بود که واقعاً عجیب است.

در این مقاله ضمن آن که مراسم توبه این مردم را به طور مفصّل شرح داده، چگونگی توبه یکی از مردان توبه‌کار را چنین توصیف می‌کند: ... دو سوزن بلند نقره‌ای شفّاف از هر دو طرف به قسمت پایین چهره‌اش فرو کرده و سوزن سوّم را از پایین به بالای زبانش عبور داده و به همین دلیل قادر نبود دهانش را ببندد و از دهانش کف می‌ریخت و واقعاً وحشتناک بود ... در گونه‌های او سنجاق فرو نرفته بود، بلکه سیخ‌های درشتی بود که یکی را در نزدیکی لب و دوّمی را قدری پایین‌تر و به

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۹۲

همین قسم، چهارمی و پنجمی را در گونه فرو کرده بود. تازه این مرد نسبت به سایر مردان توبه‌کاری که بعداً دیدم تازه‌کار و مبتدی بود.

وی سپس می‌نویسد: زنی سی ساله که سر و صورتش پنجاه ساله می‌نمود، یک سوزن از چهره‌اش عبور کرده و مجبور بود به اندازه سی کیلو نی و گل و غیره به پشت گردنش تا پای پلکان حمل کند و به معبد ببرد.

... در تمام مدّت روز شکل و شمایل‌های مختلف از مقابل ما گذشتند.

از پنجاه نفر توبه کار که سوزن و میخ و سیخ به تنشان فرو کرده بودند، هشت نفرشان زن، سه نفرشان بچّه و بقیه، مرد بودند. چند نفرشان بیش از دویست میخ به تنشان فرو کرده بودند.

عدّه دیگری به بازوان و مچ هر دو دست خود، متجاوز از دویست سوزن فرو کرده بودند. یکی از آن‌ها علاوه بر بازو و مچ دست روی سینه‌اش نیز سیخ‌های بلندی شبیه نیزه، فرو کرده بود.

عجیب‌ترین مردی که در این مراسم دیدم، مردی بود که سر و سینه و شکم، و بازو و گردن و پشتش پر از میخ، سوزن و نیزه بود. برای توصیف او هیچ کلمه‌ای به جز «مرد خارپشتی» نمی‌توان پیدا کرد. نیزه‌ها به طور عمودی به بدنش فرو رفته و کمترین تنه‌ای که به او می‌خورد، نیزه‌ها را در گوشت بدنش فروتر می‌برد.

بدیهی است این مناظر دلخراش عکس العمل همان احساس پلیدی

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۹۳

گناه و توجّه و علاقه به پاک‌شدن از آلودگی جرایم و جنایات است که چون به طور صحیح رهبری نشده، مانند سایر احساسات و

غرایز هدایت نشده و عکس العمل غیرمنطقی و نامعقول پیدا کرده است؛ ولی این موضوع را تأیید می‌کند که آدمی از احساس پستی گناه، سخت نگران و ناراحت می‌شود و می‌خواهد خود را از این پستی نجات دهد و از این آلودگی پاک سازد و باید او را به برنامه‌های خردپسند که قانع‌کننده روان و وجدان و بازگرداننده حیثیت و شرافتش باشد، هدایت کرد.

ملل دیگر

برخی از ملل (مانند: مسیحی‌ها) شرط آمرزش گناه را اقرار و اعتراف در حضور کشیش و رهبر روحانی می‌دانند.

این نوع تکفیر گناه و توبه سبب بیرون افتادن رازها و اسرار و افشای عیب در نزد کسانی که به آن آگاهی ندارند، می‌شود و باعث می‌گردد که گناهکار علاوه بر آن که در پیشگاه وجدان، خویشتن را شرمنده و بی‌آبرو ببیند، در نزد دیگران نیز حیثیت و شرافتش لکّه‌دار و سوء سابقه‌اش آشکار گردد و نیز سبب می‌شود که کشیش‌ها و پاپ‌ها به عنوان مالکان دروغینِ عفو و بخشش گناه و ولی نعمت گناهکاران مطرح شوند.

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۹۴

بهترین روش

بهترین روش‌ها برای ترمیم و جبران گناه و اعاده حیثیت و شرافت گناهکار- که از عوامل مهمّ تربیت و تهذیب اخلاق و تصفیه ارواح نیز هست و در عین حال از سهولت و آسانی و وسعت دین اسلام حکایت می‌کند و شرافت و آبروی گناهکار را در نزد دیگران نمی‌ریزد و وجدان و قلب او را از تاریکی و کدورت پاک می‌سازد- استغفار، طلب آمرزش و توبه و بازگشت به سوی خدا است.

اسلام در ضمن بسیاری از تعالیم اجتماعی، حفظ شرف و موقعیت و مقام اجتماعی و حرمت و آبروی افراد را منظور داشته و کشف و آشکار شدن نهانی‌های کارهای مردم را نخواسته و افشای معایب و اشاعه فحشا را به شدّت ممنوع کرده است.

نظر اسلام آن است که هر که قدمش به سنگ معصیتی خورد و لغزشی او را به زمین انداخت، باید به پا خیزد و در راه خدا و به سوی خدا قدم بردارد و از مجاهده و کوشش باز نایستد.

هر فردی باید خود به حساب خویشتن رسیدگی کند، و به پرونده اعمال خود نظر نموده، و در محکمه وجدان، بازپرس خودشود.

حاسِبُوا انْفُسَکُمْ قَبْلَ انْ تُحاسِبُوا وَزَنُوها قَبْلَ انْ تُوزِنُوا،

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۹۵

وَتَجْهَزُوا لِلْعَرْضِ الاکْبَر[۱۳۴]

جبران گناه و آمرزش معاصی، به رفتن نزد کشیش، و اقرار به گناه در نزد او احتیاج ندارد؛ شکنجه بدنی و مقراض کردن و قطع اعضا نمی‌خواهد.

جبران گناه و آمرزش و پذیرش توبه، بیش از بیداری ضمیر و شعور و توجّه به زیان گناه و پشیمانی و تصمیم به پاک شدن از گناه، بازگشت به راه خدا، ادای حقوق و خلاصی از مظالم، شرط دیگری ندارد.

اگر مؤمن مرتکب گناهی شد[۱۳۵] چون به آثار شوم و خطرناک گناه آگاه است، پشیمان می‌شود؛ همان‌طور که اگر فردی ندانسته یا در حال عصبانیت سم بخورد، یا اموالش را آتش بزند، یا فرزند خود را به قتل رساند، یا به ولی نعمت خود توهین کند، پشیمان می‌شود و اگر پشیمان نشود بر حسب حدیث:

فَمَنْ لَمْ یندم عَلی ذَنْبٍ یرتکبه فَلَیْسَ بِمُؤْمِنٍ ۱۳۶]

او مؤمن نیست.

اثر «ایمان»، ندامت و پشیمانی از گناه است و ندامت از گناه در «توبه»

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۹۶

کافی است.

وَکَفی بِالنَدَمِ التَّوبَهَ[۱۳۷]

وقتی مؤمن گناهی را مرتکب شد، پشیمانی او را به استغفار و آمرزش خواستن وادار می‌سازد و تعالیم اسلام گناهکاران را به رحمت خدا امیدوار و از نامیدی و یأس نجات می‌دهد. این مژده الهی و بشارت قرآنی در کالبد مرده، روح تازه می‌دمد:

قُلْ یا عِبادِی الَّذِینَ اسرَفُوا عَلی انفُسِهِم لا تَقنَطُوا مِن رَحمَهِ اللهِ انَّ اللهَ یَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِیعاً انَّهُ هُوَ الغَفُورُ الرَّحِیم ۱۳۸]

آری، خدا غفار، رحیم، ستّار، توّاب و واسع المغفره والرّحمه است. بنده توبه کار را دوست می‌دارد؛ و هیچ انسانی محکوم به بدبختی نیست.

در برخی اخبار و روایات ۱۳۹] آمده است که وقتی بنده‌ای از گناه پشیمان شد و به سوی خدا بازگشت و گفت:

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۹۷

الهِی انَا اسأتُ

خدای من! من بد کردم.

خدا می‌فرماید:

وَانَا سَتَرتُ

من آن را پوشاندم.

فَیَقُولُ: «الهِی انَا نَدمتُ».

و چون می گوید: خدای من! من پشیمان شدم.

خدا می‌فرماید:

وَانَا قَبِلتُ

من قبول کردم.

ایُّهَا الشّاب اذا تُبتَ ثُمَّ نَقَضتَ فَلا تَستَحی ان تَرجِعَ الینا

: ای جوان، اگر توبه کردی و شکستی، حیا نکن که دیگر بار به سوی ما بر گردی!

وَاذا ثانیاً فَلا تَستَحی اوَ یَمَنَعُکَ الَحیاءُ ان تَأتِینا ثالثاً

و هر گاه دوباره توبه را شکستی، حیا نکن. آیا حیا تو را از این که سه باره به سوی ما بیایی، منع می کند؟ (: حیا نکن و بیا.)

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۹۸

وَاذا نَقَضتَ ثالثاً فَارجِع الَینا رابعاً

و هر گاه برای سوّمین بار توبه را شکستی، برای چهارمین بار به سوی ما بیا.

فَانَا الجَوادُ الذِی لاابخل

من بخشنده‌ای هستم که بخل نمی‌ورزم.

وَانَا الحَلِیمُ الذِی لا اعجل

من بردباری هستم که شتاب نمی کنم.

وَانَا الذِی استرُ عَلی المَعاصِی وَاقبلُ التائِبین، وَاعفُو عَنِ الخاطِئین، وارحَمُ النادِمِین

من آنم که: بر معاصی پرده می‌پوشم، و توبه کنندگان را قبول می‌کنم و از خطا کنندگان می‌گذرم و به پشیمانان، رحم می‌کنم.

وَانَا ارحَمُ الراحِمِین

و من رحم کننده‌ترین رحم کنندگانم.

مَن ذَا الذِی اتی الی بابِنا فَرَدَدناه؟

کدام فردی به سوی درگاه ما آمد و او را رد کردیم؟

مَن ذَاالَّذِی لَجَأ الی جانِبِنا فَطَرَدناه؟

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۹۹

چه کسی به سوی ما پناه برد و ما او را دور کردیم؟

مَن ذَاالَّذِی تابَ الَینا وَما قَبلناه؟

چه کسی به سوی ما بازگردید که او را نپذیرفتیم؟

مَن ذَاالَّذِی طَلَبَ منّا وَما اعطیناه؟

چه کسی از ما درخواستی کرد که به او عطا نکردیم؟

مَنِ الَّذِی استَقالَ مِن ذَنبِه فَما غَفَرناه؟

چه کسی از ما آمرزش خواست و ما او را نیامرزیدیم؟

انا الَّذِی اغفِرُ الذُّنُوبَ وَ أستُرُ الْعُیوبَ وَاغِیثُ المَکروبَ، وَارحَمُ الباکِی النَدوب وَانا عَلّامُ الغُیوب

من آنم که گناهان را می‌آمرزم و عیب‌ها را می‌پوشانم و اندوهناکان را یاری می‌کنم و به گریانِ ندبه‌کننده رحم می‌کنم و من دانای امور نهان و پنهان هستم.

دعاهای مأثوره، عذرخواهی و پوزش طلبی را به بندگان گناهکار یاد می‌دهد.

در این جمله از دعا دقّت کنید که چگونه معاذیر بنده را در درگاه خدا عرضه می‌دارد و او را با خدا آشنا می‌سازد:

الهِی لَم اعصِکَ حِینَ عَصَیتُکَ وَانَا بِرُبُوبِیتِکَ جاحِدٌ وَلا

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۰۰

بِأَمْرِکَ مُستَخِفٌ وَلا لِعُقوبَتِکَ مُتَعَرِّضٌ وَلا لِوَعِیدِکَ مُتَهاوِنٌ وَلکِن خَطیئه عَرَضَت وَسَوَّلَت لِی نَفْسِی وَغَلَبَنِی هَوای وَاعانَنِی عَلَیها شِقوَتِی وَغَرَّنِی سترُکَ المُرخی عَلَی ...

خدای من! معصیت تو را نکردم در هنگامی که معصیت کردم؛ در حالی که پروردگاریت را منکر باشم و فرمان تو را سبک شمرده باشم و یا آن که خود را در معرض عقاب تو قرار دهم و یا تهدید تو را سست گرفته باشم؛ ولی خطایی روی داد و نفس من، آن را از برای من زینت داد و شقاوتم کمک کرد و پرده‌پوشی تو بر من، مغرورم نمود.

در این جمله نیز دقّت کنید

الهِی رَبَّیتَنِی فِی نِعَمِکَ وَاحسانِکَ صَغِیراً وَنَوَّهتَ بِاسمِی کَبِیراً فَیا مَن رَبَّانِی فِی الدُّنیا بِاحسانِهِ وَتَفَضُّلِهِ وَنِعَمِهِ وَاشَارَ لِی فِی الآخِرَه الی عَفْوِهِ وَکَرَمِه. مَعرِفَتِی یا مَوْلای دَلِیلِی عَلَیکَ وَ حُبّی لَکَ شَفِیعِی الَیکَ ...

معبود من! مرا در نعمت و احسانت پرورش دادی در وقتی که صغیر بودم و نامم را آن هنگام که کبیر شدم، بلند کردی. پس ای کسی که تربیت کرد مرا در دنیا به احسان و فضل و نعمتش و برای من در آخرت به سوی عفو و کرمش اشاره کرد. ای آقای من!

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۰۱

معرفت من راهنمایم به سوی تو است و دوستیم شفیع من در نزد تو است.

و یا:

اذا رَأَیتُ مَولای ذُنُوبِی فَزِعتُ وَاذَا رَأَیْتُ کَرَمَکَ طَمِعْتُ فَان عَفوتَ فَخَیرُ راحِم وَان عذَّبتَ فَغَیرُ ظالِم ...

وقتی گناهانم را می‌بینم، می‌هراسم، و وقتی کرم تو را می‌نگرم به آن طمع می کنم. پس اگر عفو کنی بهترین رحم کننده‌ای و اگر عذاب کنی، ستمگر نیستی!

این جملات از دعای «ابی حمزه ثمالی» است. تمام جمله‌های این دعا روح بخش است و خواننده را به عالم روحانی و ملکوتی سیر می‌دهد. انتخاب جمله‌های این دعا ممکن نیست؛ چون تمام جمله‌هایش منتخب است. این جملات، انسان را به سوی خدا می‌برد؛ و او را از گناه به توبه حقیقی روانه می کند.

توبه در اسلام برای همه انسان‌ها فراهم است. هر شخص در هر کجا که باشد؛ می تواند اگر گذشته تاریک و ندامت‌انگیز دارد، آن را با توبه و استغفار فراموش سازد و اگر چند قطره اشکی هم بریزد و به درگاه خدا اظهار بندگی و عجز نماید، خوشا به حال او.

برنامه توبه و استغفار این است:

وَمَن یَعْمَل سُوءً اوْ یَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ یَسْتَغْفِرِ اللهَ یَجِدِاللهَ

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۰۲

غَفُوراً رَّحِیماً[۱۴۰]

و هر کس کار بدی کند، یا بر خویشتن ستم ورزد، سپس از خدا آمرزش بخواهد، خدا را آمرزنده و مهربان خواهد یافت.

و نیز:

کَتَبَ رَبُّکُمْ عَلی نَفْسِهِ الرَّحمَةَ انَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْکُمْ سُوءً بِجَهالَةٍ ثُمَّ تابَ مِن بَعدِهِ وَ اصْلَحَ فَانَّهُ غَفُورٌ رَحیم ۱۴۱]

پروردگارتان رحمت را بر خود مقرّر کرده که هر کس از شما به نادانی کار بدی کند و آن گاه به توبه و صلاح آید، پس وی آمرزنده مهربان است.

در ماه رمضان برنامه توبه و استغفار، تازه می‌شود و مسلمانان عموماً در هر حال و در هر شرایطی که هستند باید بر سر این خوان و سفره گسترده آمرزش و مغفرت خدا بنشینند و هر فردی به فراخور حال خود به استقبال آینده بهتر و شرافتمندانه‌تری برود. چرا که در غیر این صورت:

فَالشَّقِی مَن حَرُمَ غُفرانَ اللهِ فِی هذَا الشَّهرِ العَظِیم ۱۴۲]

بدبخت کسی است که از آمرزش خدا در این ماه بزرگ محروم

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۰۳

بماند [و نتواند خود را عوض کند و گناه و معصیت را کنار بگذارد].

از اوّل ماه رمضان تا پایان آن باید زبان مؤمن روزه‌دار، به استغفار باز باشد.

ادعیه شب‌ها، سحرها و روزها و هنگام افطار، همه متضمّن طلب مغفرت است. مخصوصاً شب‌های قدر برای توبه و اصلاح حال و تغییر روش و حرکت فکری و اخلاقی، فرصت‌های عزیزی است که فوت آن فرصت‌ها، نشان بی‌لیاقتی است.

پاینده باد اسلام! که با چنین تعالیم و برنامه‌های نجات بخش به کمک بشریت آمده و او را به عالی‌ترین اخلاق انسانی رهبری می‌نماید.

نویسنده‌ای به نام «فرانزستال» در مقاله‌ای که در یکی از مجلّات منتشر نموده، بعد از مقایسه‌ای که بین حرکت تسلیح اخلاقی و نظر «دکتر فرانک بکمان» مؤسّس «جمعیت تسلیح اخلاقی» کرده، نتیجه گرفته است که اسلام از جهت تسلیح اخلاقی اسبق است. وی

می نویسد:

توبه در اسلام وسیله‌ای است که افراد خودشان خود را تغییر دهند و سلاح اخلاقی بزرگی است؛ زیرا متضمّن پشیمانی و تغییر حال و تحوّل است.

اگر این نویسنده از برنامه‌های ماه رمضان و از ادعیه‌ای که مؤمنان می‌خوانند و از حالات، گریه‌ها، مناجات‌ها، زاری‌های آن‌ها آگاه بود،

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۰۴

می‌دانست که وسایل تسلیح اخلاقی آن چنان که در اختیار مسلمانان است در اختیار هیچ ملّت و جامعه‌ای نیست.

حیف که از این وسایل چنان چه باید و شاید استفاده نمی‌شود و افسوس که از این مکتب تربیت، قدردانی نشده و به حقایق و مقاصد آن آشنا نمی‌شویم.

برادر و خواهر عزیز! قدر این همه درهای رحمتی را که به سوی تو گشوده شده است، بدان. توبه و استغفار کن، تغییر حال بده و رفتار خود را با تعالیم اسلام منطبق ساز. حال که خدا به تو توفیق داده و ماه رمضان را درک کرده‌ای و در مجالس قرائت قرآن، دعا، موعظه و اخلاق و در مساجد و نماز جماعت و مراسم دیگر شرکت می کنی، استفاده کن. میان بنده‌ای که به سوی خدا کوچ می کند، چندان مسافتی نیست.

«وَانَّ القاصِدةُ الَیکَ قَرِیبُ المَسافَهْ»[۱۴۳]

حقیقتاً توبه کن. تصمیم بگیر که خود را عوض کنی و تغییر وضع بدهی. تصمیم بگیر که از گناه و گناهکاران فاصله بگیری.

بی‌شک اگر در صف توبه‌کاران، استغفار کنندگان در نیایی و فقط بر زبان «استَغفرُالله» جاری کنی، توبه حاصل نمی‌شود.

گناهان خود را به یاد آور و به حافظه‌ات مراجعه کن و بین خود و خدا به معاصی اقرار و اعتراف کن و از همه گناهان توبه نما و یک

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۰۵

لحظه نیز توبه را تأخیر نینداز که بسا پس از آن، دیگر توفیق توبه حاصل نخواهد شد.

گریه کن، اشک بریز و فرصت را غنیمت شمرده و با دل سوخته خدا را بخوان و بگو:

سَیِّدِی انَا اسْئَلُکَ مالا ـ اسْتَحِقُّ وَانتَ اهلُ التَّقْوی واهْلُ المَغْفِرَهْ فَاغْفِرْ لِی وَالْبِسْنِی مِن نَظَرِکَ ثَوباً یُغَطِّی عَلیّ الذُنُوبَ وَالتِّبعات وَتَغفِرهالِی وَلا اطالَبُ بِها انَّکَ ذُومَنٍّ قَدِیم وَصَفحٍ وَتَجاوُزٍ کَرِیمٍ ...[۱۴۴]

شب قدر

انّا انْزَلْناهُ فِی لَیْلَهْ الْقَدرِ[۱۴۵]

انّا انْزَلْناهُ فِی لَیْلَهْ مُبارَکَهْ[۱۴۶]

«شب قدر»، شب نور، رحمت، شب نزول قرآن و مَطْلَع خیرات و سعادات، و هنگام نزول برکات و سرآغاز زندگی نوین بشر و مبدأ

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۰۶

تحوّل و تاریخ کمال واقعی انسان‌هاست.

شبی که اگر نبود و نیامده بود، شب تیره بدبختی انسان به پایان نمی‌رسید و بامداد نیک‌بختی او طلوع نمی کرد و از بند اسارت اقویا و استعمارگران آزاد نمی گشت.

شب قدر، لیله مبارکه، شب آزادی بشر و اعلان حقوق انسان و حکومت عدالت و دادگستری است.

شبی که برای ملّت‌های غفلت زده، ناآگاه و آلوده به فساد و تباهی و گمراهی، صبح هدایت و بیداری و آگاهی و رستگاری گشت و بزرگ‌ترین و گرامی‌ترین کتب آسمانی- که الی الابد و جاودان، راهنمای بشر و ضامن سعادت است- نازل شد و با اشراق ملکوتی، جهان را از ظلمت شرك و ثنویتِ مجوس، تثلیث ترسا، خرافات یهود و بت‌پرستی و ... به روشنایی توحید و پرستش خدای یگانه راهبر شد.

اگر این شب نبود، تمدّن عظیم اسلامی با آن همه ارزش‌ها و علوم معارف، اخلاقیات، عرفان، فقه، فلسفه و ... شخصیت‌های والای پرورش یافته در دامن آن نیز وجود نداشت.

مدارجی که بشر پس از نزول قرآن طی کرده و به منازل و معارجی که پس از این می‌رسد، همه از برکات این شب و هدایت قرآن است.

برای این که تأثیر این شب عزیز در پیشرفت اهداف انسانی و ترقّی جامعه بشری آشکار شود، موفقیت‌های بزرگ و حرکت‌ها و جهش‌هایی

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۰۷

را- که تحت تأثیر تعالیم آزادی بخش قرآن در علم و صنعت و تمدّن در طول چهارده قرن، نصیب انسان شده است- در نظر بگیریم و با زندگی کم تحرّك و خاموش و کم نور پیش از آن مقایسه کنیم تا معلوم شود چگونه جنبش و نهضت اسلام و قیام مسلمین و رسالت پیامبر بزرگ خدا محمّد بن عبدالله صلّی‌الله علیه وآله وسلّم مبدأ اصلاحات، جنبش‌ها و انقلابات آزادی خواهانه و مترقّی گردید و کاروان بشریت را با سرعت و شتاب روزافزون، هر چه بیشتر به پیش برد و این آدمی‌زاد را که صدها قرن بود با کندی و سستی و ناتوانی گام بر می‌داشت، در ظرف چهارده قرن به کجا رسانید و دامنه فکر و اندیشه او را از حدود زمین و ماه و کرات در گذرانید.

آری، قرآن افکار را دگرگون کرده و شخصیت انسان را محترم شمرد؛ و حقوق بشر را با صراحت اعلام کرد و پرستش افراد را محکوم کرده و قدرت‌های شخصی را در هم شکست؛ و هیأت حاکمه را محدود و از آن تجمّلات، تبذیرها، امتیازات و حیف و میل بیت المال و غارت دست‌رنج مردم باز داشت و برای همه، حقوق مدنی متساوی قرار داد.

پس، شب قدر از فرصت‌های بسیار ارزنده و مغتنم است و ما باید این شب را برای تفکّر در اوضاع اسلامی و توجّه بیشتر به تعالیم قرآن مجید غنیمت بدانیم و به مقدار ارتباط خود با قرآن و احکام آن، کاملا رسیدگی کنیم.

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۰۸

باید از لیالی متبرّکه «احیاء»- که در فضیلت آن و شب زنده‌داری و عبادت در آن در کتب دعا و حدیث، اخبار بسیار وارد شده- استفاده کنیم. شب‌های قدر شب‌هایی است که هر شخصی در آن به در خانه خدا برود، به سعادت حضور معنوی و لذّت تقرّب نایل می‌شود.

قرآن، شب قدر را «لیله مبارکه» خوانده و در شأن آن یک سوره نازل شده و شرافت آن شب، از هزار ماه بیشتر است.

تعیین شب قدر

هر چند در تعیین شب قدر اختلاف است، ولی قول معتمد و محقّق- که از روایات معتبره گرفته شده- این است که از شب «نوزدهم» و «بیست و یکم» و «بیست و سوّم» ماه رمضان بیرون نیست و به احتمال قوی- که برخی از احادیث هم مثل «روایت جهنی» مؤید آن است- شب قدر، شب بیست و سوم است و از برخی اخبار دیگر استفاده می‌شود که هر یک از این سه شب «شب قدر» است.

حکمت پنهان بودن شب قدر

به هرحال اگر به طور یقین، شب قدر معلوم نشود، نهان بودن آن متضمّن حکمت و مصلحتی بوده و ممکن است آن مصلحت این باشد که مسلمانان تمام شب‌های این ماه، یا لااقل این سه شب را در عبادت و پرستش خدای تعالی و تلاوت قرآن و آموختن معارف، حقایق و تعالیم

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۰۹

آن، بیشتر اهتمام نمایند و سراسر ماه را «ماه قرآن» قرار دهند و در شب‌های «نوزدهم» و «بیست و یکم» و «بیست و سوّم»، در توبه و استغفار و اصلاح احوال و خواندن قرآن و دعا، جدّ و جحد بلیغ نمایند و تا صبح بیدار باشند.

نکته دیگری که در پنهان ماندن شب قدر به نظر می‌رسد، این است که اگر این شب با این همه قدر و منزلت، مشخّص و شناخته شود، بسیاری از مردم به عبادت در آن اکتفا کرده و از فیض توجّه و دعا در سایر شب‌ها باز می‌مانند و بسا که سبب غرور یا عجز بعضی شود؛ در حالی که چون پنهان و نامشخّص است، مؤمنان در تمام شب‌هایی که طرفِ احتمال است به ذکر الهی و توبه اشتغال می‌ورزند و از برکات و ثواب‌های بیشتری مستفیض شده و به واسطه تمرین زیادتر، ملکات فاضله در آن‌ها راسخ‌تر می‌شود.

تجدید عهد با ولی امر علیه السلام

از جمله وظایف مهم در این شب‌ها، تجدید عهد با ولی امر، حضرت بقیه‌الله عجّل الله تعالی فرجه و خواندن دعای معروف: «اللُّهَّم کُن لِوَلِیِّکَ ...»[۱۴۷] می‌باشد؛ زیرا شب قدر به آن حضرت تعلّق خاص دارد و در آن شب ملایکه بر آن بزرگوار نازل می‌شوند و تمسّك به قرآن و عترت و کتاب

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۱۰

مبین و امام مبین هم اقتضا دارد که در شب قدر، مؤمنان به ثقلین قرآن مجید و آخرین امامِ عدالت گستر و بقیه عترت هادیه و مصداق حقیقی «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْکِتابَ الَّذِینَ اصْطَفَیْنا مِنْ عِبَادِنَا»[۱۴۸] ی عنی به حضرت حجّة بن الحسن العسکری روحی و ارواح العالمین له الفدا تمسّك نموده و بدانند که به تصریح اخبار متواتره ثقلین، امن و نجات از ضلالت و گمراهی، فقط در سایه تمسّك به قرآن و عترت حاصل می‌شود و برای نجات از این همه انحرافات و سرگردانی‌های گوناگون، راهی جز توسّل و تمسّك به هدایت «قرآن و عترت» نیست.

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۱۲

فصل پانزدهم: رمضان از دیدگاه «اسلام» و «ما»

بی‌تردید کسانی که می‌خواهند اسلام را در آینه اعمال و رفتار اجتماع مسلمانان این عصر ببینند و آن جمال نورانی و خورشید جهان تاب را در چنین منظر و آیینه تیره و تار زیارت کنند، سخت در اشتباهند.

اگر تصویر چهره اسلام ممکن بود و یک نفر آگاه به تمام تعالیم و امتیازات و هدایت‌های اسلام و برنامه‌های تربیتی و جامع آن، چهره زیبای آن را تصویر می‌کرد، از هر اثر هنری دیگر زیباتر و جالب‌تر می‌شد.

اگر خدای جهان و آفریننده زمین و آسمان- که نعمت اسلام را به وسیله حضرت خاتم الانبیا انعام و اعطا فرمود- آن را به صورتی تمثیلی می‌ساخت، یقیناً زیبایی و جمال آن صورت، خلق اوّلین و آخرین را از خود بی‌خود می‌کرد.

چنان چه هم اکنون جمال روحانی و روح‌بخش و دل نواز اسلام، فلاسفه محقّق و علما و دانشمندان متتبع را مجذوب و دل باخته ساخته است.

آری، چقدر جمال توحید اسلام زیباست و چه خورشید عدالت

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۱۳

اجتماعی اسلام گرمابخش است!

کدام جلوه‌ای در دل‌ها از جلوه معارف اسلام نافذتر و کدام روشنایی از روشنایی آیات قرآن مجید روشن‌تر است؟!

این پرتو خورشید اسلام است که دنیای متمدّن را به حقوق انسان‌ها روشن و منوّر کرده، و نغمه آزادی را این همه روح افزا قرار داده است.

هیچ یک از بیانیه‌ها و اعلامیه‌های حقوق بشر- که به دست ناتوان انسان تهیه و تدوین شده است- اصلا قابل مقایسه با حقوق و قوانین نافذ و همه جانبه اسلام نیست.

نگرشی هر چند کوتاه به این آیات الهی مصداق این مدّعاست:

۱. تَعالَوْا إِلی کَلِمةٍ سَوَآءً بَیْنَنَا وَبَیْنَکُمْ الّا نَعْبُدَ إِلّا اللهَ وَ لَا نُشْرِکَ بِهِ لا شَیْئاً وَلَا یَتَّخِذَ بَعْضُنا بَعْضَاً أَرْبَاباً مِّن دوُنِ‌اللهِ ۱۴۹]

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۱۴

۲. یاأَیُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْناکُمْ مِنْ ذَکَرٍ وَأُنثی وَجَعَلْناکُمْ شُعُوباً وَ قَبَائِلَ لِتَعارَفُوا انَّ أَکْرَمَکُمْ عِندَ اللهِ اتْقکُمْ ۱۵۰]

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۱۵

۳. انَّ اللهَ یَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْاحسانِ، وَإِیتَاءِ ذی الْقُرْبَی وَیَنْهَی عَنِ الْفَحْشَآءِ وَالْمُنکَرِ وَالْبَغْی یَعِظُکُمْ لَعَلَّکُمْ تَذَکَّروُنَ ۱۵۱]

و کدام یک از تعالیم و هدایت‌های اخلاقی را می‌توان از تعالیم و آداب اسلام برتر و مفیدتر دانست؟ نمونه آیات ذیل بیان‌گر بزرگ‌ترین و برترین تعالیم و هدایت‌های اخلاقی است:

۱. وَمَن یَتَوَکَّلْ عَلَی اللهِ فَهُوَ حَسْبُهُ ۱۵۲]

۲. وَأُفَوِّضُ أَمْرِی إِلی اللهِ انَّ اللهَ بَصیرٌ بِالْعِبَادِ[۱۵۳]

۳. وَعَسَی أن تَکْرَهُوا شَیْئاً وَهُوَ خَیْرٌ لَکُمْ، وَعَسَی ان تُحِبُّوْا شَیْئاً وَ هُوَ شَرٌّ لَّکُمْ وَاللهُ یَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَاتَعْلَمُونَ ۱۵۴]

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۱۶

۴. قُل لَّن یُصِیبَنَآ الّا مَا کَتَبَ اللهُ لَنَا هُوَ مَوْلانا[۱۵۵]

۵. فَإِنَّ مَعَ العُسْرِ یُسْراً إِنَّ مَعَ العُسْرِ یُسْراً[۱۵۶]

کدام دین و کدام کتاب آسمانی به اندازه قرآن به علم و عمل اهمیت داده و به عقل و منطق و تفکّر و اندیشه در اسرار آفرینش و نظام جهان و اوضاع زمین و آسمان، دعوت و تشویق کرده است؟

اسلام را باید در آینه نصوص قرآن و سنّت، و در سیره رفتار و گفتار و کردار پیشوایان دین و کسانی که اسلام در وجودشان به تمام معنا منعکس شده و در سلوک مجاهدین و مسلمانان صدر اسلام تماشا کرد.

نقش و تأثیر اسلام را در سازندگی و به وجود آوردن مترقّی‌ترین و ممتازترین اجتماعات، باید از قوّت احکام آن و از اجتماعاتی که بیشتر تحت نفوذ منطق اسلامی قرار گرفت، استنباط کرد.

مسلمانان عصر ما نمی‌توانند با اجتماعاتی که دارند اجتماع الهی اسلام را به دنیا نشان دهند و اگر چه در بین آن‌ها افراد آگاه به مفاهیم و مقاصد اسلام کم نیست، ولی متأسّفانه جلوه مجتمعات آن‌ها، جلوه اجتماع کاملا اسلامی نیست، و چرخ زندگی اجتماعی و سیاسی آنان

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۱۷

تحت لوای حاکمیت مطلقه، و مشروعیت و قوانین و احکام الهی در گردش نیست.

یگـانه عامـل و علّت انحطاط مسـلمانان، جهل آنان به مفاهیم اسـلامی و دوری از روح اسـلام و درک نکردن واقع دین و توحیـد، و ایمان به شهادتین است.

ایمان به اسلام سرگرم شدن به یک سلسله مفاهیم نظری نیست:

لَیسَ الایمانُ بِالتَمنی وَلا بِالتَحلِی وَلکنِ هَوُما وقَرفِی القلب وَصدقهِ العمل ۱۵۷]

و از حضرت رضا علیه السّلام روایت شده است که پیغمبر صلّی الله علیه وآله وسلّم فرمود:

الایمانُ مَعرِفَةٌ بِالقَلبِ وَاقرارٌ بِاللِسانِ وَعَمَلٌ بالارکانِ ۱۵۸]

قرآن مجید مؤمنین را چنین توصیف می‌فرماید:

اِنَّما الْمُؤمِنُونَ الَّذِینَ إذَا ذُکِرَ اللهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ، وَإذَا تُلِیَتْ عَلَیْهِمْ آیاتُه زَادَتْهُمْ إیْمَاناً وَعَلَی رَبِّهَمْ یَتَوَکَّلُونَ ۱۵۹]

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۱۸

فَلَا وَ رَبِّکَ لَایُؤْمِنُونَ حَتَّی یُحَکِّمُوکَ فِیمَا شَجَرَ بَیْنَهُمْ ثُمَّ لایَجِدُوْا فِی انفُسِهِمْ حَرَجاً مِمَّا قَضَیْتَ وَیُسَلِّمُوْا تَسْلِیماً[۱۶۰]

و نشانه کفر را این گونه بیان می‌فرماید که:

وَمَن لَّمْ یَحْکُم بِمَآ أَنْزَلَ اللهُ فَأُوْلئِکَ هُمُ الْکافِرُونَ ۱۶۱]

اجتماعی را می‌توان یک جامعه کاملا اسـلامی دانست که همه احکام و دسـتورات اسلامی بر تمام مسایل زندگی فردی و اجتماعی آن جـامعه منطبق بوده و به عبارت دیگر، اسـلام از برنامه‌های کسب و کار، معاشـرت، حکومت، سـیاست و ... آن‌ها تفکیک نشـده باشد.

بـا این وصف، اجتماعـات مـا معرّف یـک اجتماع کامل و تمام عیار اسـلامی نیست؛ زیرا بسـیاری از احکام اسـلام در بین مسـلمانان معاصـر متروک گردیـده، و جز «عبـادات» (مثـل: نمـاز و روزه، حـج و ...)- که اجتمـاع اسـلام به آنهـا نیز قـائم است- بقیه احکام و دستورات اسلامی کم‌تر مورد عنایت قرار گرفته و بعضاً مهجور مانده است. چه بسا که

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۱۹

عبـادات مـا نیز آن طور که شایسـته است نشان دهنـده مقاصـد اسـلام نیست و کسانی که از آثار و برکات آن هم محروم می‌باشـند، بسیارند.

در «عبـادات»، معـانی بزرگ و درس‌هـای عمیق به ما آموخته می‌شود که اگر به آنها توجّه کنیم، افق افکار ما روشن و طرز تصوّر ما دگرگون می‌شود.

در عبادات هم جنبه عادت نهفته است و هم اظهار شوکت اسـلام، اتّحاد و هماهنگی مسـلمین، ارشادات اخلاقی، آموزشی و تربیتی، تعالیم اجتماعی، رشد فکری، عقلی و علمی و بلکه فواید بهداشتی و اقتصادی نیز منظور شده است.

همین روزه مـاه رمضان که از ارکان اسـلام و نیز شـعایر بزرگ و وسـیله‌ای جهت تقرّب به خـدا است، آیا با همان برنامه مقرّر انجام می‌شود؟ و آیا ماه رمضان ما همان ماه رمضان اسلام است؟

این موضوع و مسأله‌ای است که به بررسی و تحقیق نیاز دارد.

ماه رمضان اسلام: چنان چه از خطبه حضرت رسول‌اکرم صلّی‌الله علیه وآله وسلّم استفاده می‌شود، فرصتی برای افزودن به اعمال خیر و کارهای نیک، دسـتگیری از فقیران و بی‌نوایان، پیوند با خویشاوندان، یاری ضعیفان، تکمیل و تهذیب اخلاق، فرو خوردن خشم و غضب و کنترل قوای شهوانی است.

امّا برنامه ماه رمضان ما: پرخوری در افطار و سحر، تندخویی و

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۲۰

بدزبانی با نزدیک و بیگانه، شب نشینی‌های زیان بخش، معاشرت‌ها و جلسات بیهوده است.

ماه رمضان اسلام: موسم وزش نفحات رحمت، تجلّی حقیقت و زمان نزول برکات است که جویندگان این معانی بدون هیچ گونه ملال و خستگی خود را در معرض این نسیم‌ها قرار داده و هشیارانه از آن استفاده می کنند، و دل‌های خود را مهبط این فیوض رحمانی قرار می‌دهند.

بیشتر افراد در غفلت از این معانی به سر برده و از روحانیت و نورانیت این ماه استفاده نمی کنند.

در ماه رمضان اسلام: شیاطین مغلول‌اند و اسباب گناه در این ماه فراهم نبوده و محیط، برای فعّالیت شیاطین و رشد قوای اهریمنی و افکار زشت ابلیسی مساعد نمی‌باشد.

همه جا به نور این ماه منوّر است و صدای دل نواز و روح بخش تلاوت قرآن مجید و صوت مناجات و دعا و استغفار، دل‌ها را به سوی خدا متوجّه می‌سازد و خفتگان بستر غفلت را بیدار می‌نماید.

ماه رمضان ما: شیاطین در آن مشغول کار و اغوا و اضلال بوده و جز چند شب، بقیه اوقات سینماها، میکده‌ها، کاباره‌ها، مراکز فساد و انحراف باز است و زنان برهنه و نیم برهنه در ملأ عام در خیابان‌ها آمد و شد می کنند و صدای موسیقی از هر سو بلند است و از مصونیت‌هایی که

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۲۱

باید در این ماه از معاصی وجود داشته باشد، خبری نیست و چشم و گوش، همیشه در معرض گناه و معصیت است.

ماه رمضان اسلام: بهترین فرصت و گرانبهاترین وقتی است که حتّی یک دقیقه و ثانیه‌اش نباید هدر برود و بیهوده مصرف شود؛ بلکه باید تمام دقایق و ساعات آن در انجام کارهای نیک و اعمال حسنه، تفکّر و تأمّل، توبه و اصلاح حال سپری شود.

ماه رمضان ما: بیشتر اوقاتش تلف می‌شود و اوقاتی به این عزیزی، آسان از دست می‌رود.

ماه رمضان اسلام: مسلمانان باید در آن به مناسبت نزول قرآن در سیره رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلّم شخصیتی که قرآن به او نازل شد به طور عمیق مطالعه نمایند و ارشادات و راهنمایی‌های آن رهبر عالی‌قدر آسمانی را- که دافع هر ضرر و خسارت، و علاج کننده تمام مشکلات اجتماعی و حیاتی است- سرمشق خود قرار دهند و به حکم:

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللهِ اسوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كانَ يَرجُوا اللهَ وَالْيَوْمَ الأَخِرَ[۱۶۲]

به روش و سلوک آن رسول اعظم خدا صلّی‌الله علیه وآله وسلّم تأسّی نمایند.

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۲۲

ماه رمضان ما: اکثریت مسلمانان از سیره رهبر عظیم خود بی‌اطّلاع بوده و در این موضوع که درس و بحث، تفکّر و مطالعه در آن بر هر مسلمانی لازم است، نه در ماه رمضان و نه در ماه‌های دیگر اهتمام شایان ندارند و به دانستن تاریخ حیات رسول خدا صلّی‌الله علیه وآله وسلّم که آموزنده‌ترین صفحات تاریخ است- اعتنایی لازم و کافی نمی کنند. تاریخ کدام شخصیت‌ها، و رجال تاریخ، زعما و رهبران اصلاحات و انقلاب‌ها و پیامبران بزرگ، مانند تاریخ پیامبر بزرگ اسلام، آموزنده و سودمند است.

ماه رمضان اسلام: ماه درس علوم دین از قبیل: فقه، احکام و معارف حقیقی است تا خدا را از روی معرفت و بصیرت بپرستیم و طعم ایمان را بچشیم و در جمال ربوبیت، واله و حیران گشته و روح ما به عوالم عالی‌تر طیران نماید:

طیران مرغ دیدی تو زپای بند غفلتبه در آی تا ببینی طیران آدمیت ۱۶۳]

و این حدیث که از پیغمبر صلّی‌الله علیه وآله وسلّم روایت شده است، بر ما منطبق شود:

اذا اراد الله بعبدٍ خیراً فقهه فی الدین، ویلهمه رشده ۱۶۴]

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۲۳

ماه رمضان ما: در جهالت و نادانی می‌گذرد و این مدرسه عالی و همگانی اسلامی به صورت تعطیل جلوه کرده و معلّم و مدرّس، شاگرد و دانشجو در آن کم است و ادعیه آن کمتر مورد استفاده و تأمّل قرار می‌گیرد.

ماه رمضان اسلام: ماه نشاط، و اقبال و شتاب به سوی عبادت و تقرّب به خدا است.

ماه رمضان ما: بعضی آن را در کسالت و سستی و تن پروری و خواب و بی‌خبری به پایان می‌رسانند.

ماه رمضان اسلام: آغاز فصل جدید و مرحله نوین عمر و زندگی است که در آن باید قوای فکری و اخلاقی خود را از نو به رشد و نمو وا داریم و با گذشته خود وداع کرده، و دل خود را جلا دهیم و زنگار معصیت و گناه را از آن بزداییم.

ماه رمضان ما: تغییر مختصر در وقت خوردن غذا و امساک از مفطرات است که هر چند امتثال و اطاعت فرمان خدا و دلیل بیدار بودن وجدان دینی و شعور مذهبی است و نسبت به آن بدبخت‌ها و گمراهانی که روزه را افطار می‌کنند شرافت و فضیلت آن بسیار است؛ امّا با این وجود، روزه‌دار نباید فقط به امساک از مفطرات قناعت کند؛ بلکه باید

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۲۴

سایر برنامه‌هایی را که برای روزه داران معین شده نیز انجام دهد تا از فواید بسیار و رَحَمات واسعه الهی در این ماه حدّاکثر استفاده را بنماید.

ماه رمضان اسلام: سبب تهذیب نفوس، تطهیر قلوب و تخلّق به اخلاق حمیده، اعتیاد به عادات حسنه، تمرین خلوص نیت، احیای معالم و مبانی اسلامیت و انسانیت، انتشار محبّت و نوع پروری و صداقت است.

ماه رمضان ما: بسا شب نشینی‌ها و مجالسی که پس از افطار برپا می‌شود و با متحمّل شدن مصارف زیاد به پرخوری، غیبت، لهو و مزاح‌های باطل و گفت و شنودهای بی‌ثمر مشغول شده و با شکم‌چرانی‌هایی که می‌کنند از حکمت نبویه «صُومُوا تَصِّحُوا» محروم می‌شوند. و چون از روح همکاری و همدردی اسلامی و ارتباط معنوی و اتّصال ناگسستنی قلبی و ایمانی، نشانه و علامتی نیست، آن دید و بازدیدها و معاشرت‌ها، سبب کینه و عداوت و دشمنی و سوء تفاهم می‌گردد.

***

اللُهَّم وَفِّقْنـا لِشـهَرِ رَمضـانِ الاسـلامِ وَارزُقنـا صِـیامَهُ وَقِیـامَهُ وَاهـدِنا فِیه الی صِـراطِکَ المُسـتَقیم وَ بِحقِ مُحَمَـدٍ و آلِهِ الطَیبینَ الطـاهِرینَ صَلَواتُکَ عَلیَهِم أجمعِین ۱۶۵]

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۲۵

فصل شانزدهم: عید سعید فطر

اشاره

اسْئَلُکَ بِحَقِّ هذَا الْیوم الَّذِی جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِینَ عِیداً[۱۶۶]

غرض از «عیـد» نه آن است که از باب جلال جامه ناز بپوشـند به الطاف مزید ای خوش آن عید، کز آن شاه و گدا خوش باشـند که چنین «عید سعید» است و جز این نیست سعید

در روز «عید فطر» همه مسلمانان در سراسر جهان، غرق احساس افتخار بوده و سربلند و سرافرازند که ماه مبارک رمضان را با توفیق به پایان رسانده و از برکات معنوی و تربیتی آن مستفیض شده‌اند.

خدا را شکر می‌نمایند که یکی از بزرگ‌ترین کلاس‌های تربیتی اسلام را در طی یک ماه گذرانده، و از درس‌هایی که در آن‌ها داده شده، به اندازه استعداد و آمادگی خود استفاده کرده و با روح و جان خود

آمیزش داده و بر الواح دل‌ها و ضمایر خود ثبت کرده‌اند.

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۲۶

در این روز، مسلمانان از یک جهاد حسّاس و خطرناک- که پهلوانان، قهرمانان و شیرافکنان جهان در آن میدان به خاک هلاکت افتاده و مغلوب شده‌اند- فاتحانه و پیروزمندانه باز می‌گردند.

این جهاد، جهاد با نفس، جهاد با امیال و غرایز حیوانی و لذاید نفسانی است.

بازداشتن نفس از کام‌گیری‌های شهوانی، نگهداری نفس از خوردن غذاهای لذیذ و نوشیدنی‌های شیرین و خوش‌گوار، خودداری از چشم چرانی و هوس‌های شیطانی، از دروغ، غیبت، خشم و غضب، بدخویی و ترش‌رویی، تکبر و جاه‌طلبی و دوری از هر معصیت و گناه دیگر در این میدان جهاد، فتح و پیروزی است.

همه این‌ها جهاد است و همان «جهاد اکبر» ی است که پیامبر بزرگ اسلام به گروهی از صحابه که به جهاد رفته بودند و با دشمن با شمشیر و اسلحه دست و پنجه نرم کرده و زور بازو نشان داده بودند، فرمود:

مَرحَباً بِقَومٍ قَضُوا الجِهادَ الاصغَر وَ بَقِی عَلَیهِمُ الجِهادُ الاکبرَ[۱۶۷]

«جهاد اکبر» ی که جز افراد با ایمان و مردان و زنان تربیت شده در دامان اسلام، هیچ شخص دیگری نمی‌تواند در صحنه آن عرض اندام

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۲۷

کند و در میدان رزم آن، افتخاری کسب نماید.

میدانی که در آن پیلتن‌های قوی پنجه و عشّاق مال و مقام دنیا، شهوت پرستان، جلّادان خون‌خوار، فاتحان جاه طلب کشورها، جوانان مغرور، خشم گینان پلنگ آسا، ستمگران بی‌رحم، آدم‌کشان و قصّابان تاریخ، زنان هوس‌باز، دوشیزگان ناپاک و پرستندگان مظاهر مادّی به خاک هلاکت افتاده؛ و از این که بتوانند افتخاری کسب و در مسابقات آن شرکت نمایند عاجز و ناتوانند.

میدانی که مردان و بانوان با ایمان، خداپرست، فروتن، پاکدل، پرهیزکار، شکیبا و بی‌اعتنا به زر و زیور دنیا در آن لباس رزم پوشیده، با اراده محکم و همّت بلند حریف را شکست می‌دهند و در مسابقه با افتخار به پیروزی دست می‌یابند.

آری، نبرد با هوای نفس در عین آسانی، دشوار است. آسان است، برای این که وجدان پاک و فطرت آدمی و عقل و خرد، مصلحت و لزوم آن را درک می‌نماید و اگر انسان در این میدان قدم نهاد، هر چه پیش رود موفّق‌تر می‌شود؛ تا سرانجام نفس سرکش و جنود اهریمنی را مغلوب و ذلیل خود کند و قوای ملکوتی و عقلانی و وجدانی را در کشور بدن، حاکم و کارفرما سازد.

از سوی دیگر این کار دشوار است؛ برای این که جهاد با نفس، ایستادگی در برابر غرایز گوناگون و تلاش و کوشش برای کنترل و

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۲۸

انضباط آن‌ها است. و شناخت دام‌های شیطان و هواهای پنهانی کار هر شخصی نیست. و رام کردن نفس امّاره و چشم پوشی از لذایذ و کام‌گیری‌های نفسانی و خواسته‌های هزارگونه نفسِ وسیع و سرکش، به این زودی‌ها میسّر نخواهد بود و این دشمن خانگی با غرایزی که انسان را در دفع دشمن خارجی یارو یاور و محرّك و مشوّق هستند، آشنایی و ارتباط برقرار می‌کند و از آن‌ها کمك و یاری می‌گیرد.

از این جهات، مبارزه با نفس کاری بس دشوار است و رستگار، کسی است که بتواند نفس را تعدیل کرده، و به نظم و ترتیب صحیح وادار سازد.

ماه مبارك رمضان، ماه مبارزه با نفس و مدرسه تعدیل و اصلاح غرایز و خواسته‌ها و نمایش قوّت اراده و توان روان، سپری شده و اینك فرصت برگزاری مراسم عیدی بزرگ و پرفضیلت است. این عید، عید اسلامی فطر است که عید همگان و عید عموم طبقات و افراد است.

اسئَلُکَ بِحَقِّ هذَا الیَومِ الَّذِی جَعَلتَهُ لِلْمُسلِمینَ عیداً

عیدی که خدا آن را برای همه مسلمانان قرار داده و همه را در آن شریك فرموده است.

عیدی که در آن مساجد و مجامع اسلامی و در گستره جهان اسلام، شکوه عبادت و بندگی خدا دیده می‌شود.

مراسم این عید اختصاص به توانگران، کارفرمایان، رجال و زمامداران

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۲۹

و طبقات به اصطلاح ممتاز ندارد.

تشریفات مادّی، تقدیم هدایا و تحفه‌های گرانبها- چنان چه پیش از اسلام در اعیاد رسم بود- در این عید مرسوم نیست.

زیردستان موظّف به دیدار زمامداران نیستند، و کارگر و کارفرما، افسر و سرباز، فقیر و غنی، شاه و گدا و همه اقشار و طبقات باید در صف بندگی خدا و دعا و عبادت برادرانه بایستند.

چنان چه می‌دانیم مراسم عمده و حسّاس این عید «نماز» و «زکات» است.

نماز و زکات

چنان چه بیان شد در مراسم نماز، همه اصناف شرکت می‌کنند، و مساوات و برادری اسلامی آن‌ها آشکار می‌شود. در ضمن ادای نماز و خواندن دعایی که در قنوت است، در دو خطبه و سخنرانی پس از نماز، عالی‌ترین دروس به همگان آموخته می‌شود، و مطالب لازم و مورد حاجت به عموم گوشزد می‌گردد، و از همه دعوت می‌شود تا در پیش بردن مقاصد اسلام و تعظیم شعایر و تعمیم علم و دانش و امر به معروف و نهی از منکر، مجاهدانه کوشش کنند.

کسانی که دارای مخارج سال خود هستند و یا دارای کار و پیشه‌ای می‌باشند که درآمد آن‌ها وافی به مخارج سال آنهاست، در اعطای زکات

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۳۰

و کمك به مستمندان شرکت می‌کنند.

هیچ گونه مراسم کمرشکن و مصارف رقابت انگیز و مخارج بیهوده در این جشن اسلامی وجود ندارد و از این رو نمی‌تواند بهانه‌ای جهت کردارهای پلید عیاش‌ها، هرزه‌ها، پول‌داران، شهوتران‌ها و می‌خواران باشد.

این عید، نه مثل «عید کریسمس» است که در آن، جهان مسیحیت در کارهای زشت و فحشا و فساد غرق شده، و در هرزگی و رقص و باده و فسق و فجور، خود را آلوده می‌سازند، و به نام مسیح علیه‌السّلام و دین، مجالسی برای لهو و قمار، مستی و شراب و

ساز و آواز بر پا می‌کنند که بی‌شک حضرت عیسی علیه السّلام پیامبر پاک خدا- از آن بیزار است؛[۱۶۸] و نه مثل سیزده نوروز و تعطیلات نوروزی است که تا چندی پیش نیز در آن بازار باده فروش‌ها و کاباره‌ها، مجالس لهو و قمار، سینماها و

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۳۱

فیلم‌های شهوت‌انگیز رواج داشت و آمار جنایات و بی‌ناموسی و خیانت و چاقوکشی و انتحار در این ایام بسی فراوان بود و حتّی طبق آمارهایی که داده می‌شد فرزندانی که در این مراسم و اوقات نطفه آن‌ها منعقد می‌گردید، اختلال فکری و جسمی داشتند.

روزهایی هم به نام‌های مقدّسی مانند: «روز مادر»، «روز معلّم»، «روز کودک» و ... نام‌گذاری می‌شود که بیشتر آن‌ها از حقیقت خالی است و فقط تشریفات و برگزاری مراسم، منظور می‌باشد و احساسات را کودکانه و جاهلانه و به طور موقّت تحریک می‌سازد.

چنین روزهایی را نباید عید دانست؛ این مراسم، تقلید از بیگانه و سوغات دروغین و بی‌حقیقت غرب است؛ وگرنه همه روزها، «روز مادر» است و در هر روز، رعایت حقّ مادر و معلّم و احترام به آن‌ها لازم و واجب است.[۱۶۹]

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۳۲

در محیط اسلامی- که کانون عواطف عالی انسانیت است- همواره و در همه لحظات، تکریم مادر، معلّم، کودک و ... باید مورد عنایت باشد.

در جاهایی که در دوره سال پدر و مادر و معلّم مورد فراموشی‌اند چون می‌بینند که این عواطف به صورت مرده در آمده و از بین رفته است، برای تِذکار و تجدید خاطرات آن، در سال یک روز را معین می‌کنند که مثلا به سراغ مادران بروند و به طور مصنوعی از آن‌ها یاد کنند و از این رو، این روزها را باید یادبود و سالگرد از بین رفتن و نابود شدن آن عواطف عالی انسانی شمرد.

ملّتی که واقعاً و حقیقتاً خود را مدیون مادر و پدر و معلّم خود می‌داند و دینش او را برای ادای این‌گونه حقوق تربیت می‌کند، چه حاجت به این صحنه سازی‌های بی‌مغز و بی‌حقیقت دارد؟!

ما مسلمانان در همین ماه رمضان چقدر درس حق شناسی درباره پدر و مادر و ... می‌آموزیم و در ادعیه، مکرّر از مادر و زحمات او یاد می‌کنیم و خدمات او را در ذهن می‌سپاریم؟

زنده باد اسلام! که تربیت و بهبود روح و روان جامعه را در سرلوحه برنامه‌های خود قرار داده و از هر فرصت برای ترقّی فکر و قوّت اراده بشر استفاده کرده است.

این عید فطر هم برای تمام مفاهیم ارزنده و عالی انسانی تذکار بوده و به سوی هر عمل نیک و انسانی هدایت‌گر است.

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۳۳

ان تُدخِلَنِی فِی کُلِّ خَیرٍ ادخَلتَ فِیهِ مُحَمَّداً وآلَ مُحَمَّد، وَان تُخرِجَنِی مِن کُلِّ سُوءٍ اخرَجتَ مِنهُ مُحَمَّداً وآلَ مُحَمَّد[۱۷۰]

این عید، عید خدا و موسم دعا و نماز و احسان و نیکی به بندگان خدا و دیدارهای پاک و منزّه است. نزدیک به چهارده قرن است که این عید برگزار می‌شود؛ تاکنون شنیده نشده که برای تهیه وسایل این عید و شرکت در مراسم آن یک نفر خودکشی کرده و یا پای یک زن و شوهر به دادگاه کشیده شده باشد.

این عیدی است که در آن به جای تفریحات ناسالم، همه به سوی مساجد و مراکز اقامه نماز عید می‌روند و خدا آن را ذخیره خیر و نشان شرف و کرامت پیامبر اسلام و سبب ارتقای افتخارات اسلامی قرار داده است.

داستانی از زهد علی علیه السلام

در خاتمه، با خواندن این حدیث و دقّت نظر در روش و آیین حکومت و مساوات اسلامی، از آن پند و اندرز گرفته و درس

آزادگی بیاموزید.

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۳۴

«محمّد عبدالرّحمن جدیلی مصری در کتاب «امالی رمضان [۱۷۱] می گوید:

مردی بر علی بن ابیطالب علیه السّلام (در هنگامی که زمامدار رسمی مسلمانان بود) در روز عیدی وارد شد.

مرد دید امیرالمؤمنین علیه السّلام در روز عید، نان خشکی را میل می‌فرماید.

فقال: یا امیرالمؤمنین افِی یَومِ العِید تَاکُلُ خُبزاً خَشناً؟[۱۷۲]

[مرد گمان می کرد که چون روز عید است، باید در سفره علی علیه السّلام همه‌گونه طعام، چیده شده باشد] عرض کرد:

یا امیرالمؤمنین! در روز عید نان خشک می‌خوری؟

علی علیه السّلام فرمود:

انَّما هُوَ عیدٌ لِمَنْ قَبِلَ الله مِنْهُ صیامَه، وَشَکَر قیامَه، وکل یوم لا یعصی الله فیه فهو عید[۱۷۳]

همانا عید فطر عید است برای کسی که روزه‌اش را خدا قبول کرده باشد و از قیامش سپاسگزاری نموده باشد و هر روزی که در آن معصیت خدا نشود آن روز عید است.

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۳۵

الْیَوم لنا عیدٌ، وَغدا لنا عید، وکُلُّ یَوم لا تُعصَی اللهُ فِیه فَهُوَ لَنا عِید[۱۷۴]

امروز برای ما عید است و فردا هم برای ما عید است و هر روزی را که در آن معصیت خدا نکنیم آن روز برای ما عید است.

***

اللّهُمَّ وَفِّقنا لِما تُحِبُّ وَتَرضی وَاحشُرنا فِی زُمرةِ نَبِیِّکَ وَصَفیِّکَ مُحَمِّد وَآلِهِ الطّاهِرین وَصَلِّ عَلَیهِم یا ارْحَمَ الراحِمِین

۱۶ جمادی الثانیه ۱۳۹۱ هجری قمری

از خوانندگان ملتمس دعا

لطف الله صافی

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۳۷

ماه یزدان

در آمد بار دیگر ماه یزدان‌به فرّ و شوکت و فیض فراوان

صباح مکرمت گردید طالع‌منوّر شد جهان از طلعت آن

بهار توبه و آمرزش آمدمه ایمان و عید حق پرستان

نسیم مغفرت هر سو وزان است‌سحاب مرحمت باشد خروشان

مه روزه است و هنگام عبادتخوشا حال نکوی روزه داران
در آ در مکتب «صوموا تصحوا»که در آن می‌شود امراض درمان
هلا بر خود بنازید و ببالیدکه ایزد را در این ماهید مهمان
الا ای معصیت کار گرفتار!که از کردار خود هستی پشیمان
عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۳۸

چرا بیگانه‌ای از درگه دوست؟چرا حال تو زار است و پریشان؟
بنه تاریکی جهل و ضلالتبیا در پرتو انوار قرآن
مپو زین پس ره شرّ و شقاوتبیا اندر طریق خیر و احسان
مشو نومید از عفو خداوندو گر هستی غریق بحر عصیان ۱۷۵]

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۲۳۹

مکتب «توبوا الی اللّه»

بیا در مکتب «توبوا الی الله»ز قرآن آیه «لاتقنطوا» خوان
جهان را نور رحمت کرده روشنمنوّر شد ز اشراقش دل و جان
مبادا کفر این نعمت نماییدکه نعمت سلب می‌گردد ز کفران
مبارك ماه و اوقات شریفی استبه لهو و بیهده ضایع مگردان
غنیمت دان دعا و عرض حاجاتنماز و روزه و نیکی به اخوان
به خود آ ای گنه کار نگون حال!رها کن رشته بیداد و طغیان
بیا با خالق خود آشنا شومرو زین بیش، اندر راه شیطان
خدایا! از کرم بر من ببخشایبه رویم باز کن ابواب عرفان
ز ما بر احمد (ص) و آلش تحیاتفروزان تا بود مهر درخشان ۱۷۶]

---

[۱] (۱). قسمتی از دعای چهل و چهارم« صحیفه سجّادیه» است که سزاوار است هنگام ورود ماه مبارك مسلمانان با تأمّل تمام آن دعای عالی مضمون را خوانده و خود را برای استفاده از فیوض این ماه شریف آماده سازند ..

[۲] (۱). وافی، ج ۷، ص ۵۸، ب ۶۲ ..

[۳] (۱). وافی، ج ۷، ص ۵۵، ب ۵۸. سزاوار است روزه داران خطبه مفصّله‌ای را که در کتب ادعیه و حدیث از پیغمبرصلی الله علیه وآله روایت شده و مشتمل بر فضایل این ماه و ترغیب به مکارم اخلاق و فضیلت تلاوت قرآن و دعا و توبه و احسان و ادای صدقات

است، به دقّت مطالعه فرمایند.

[۴] (۱)

[۵] (۱)- سوره بقره، آیه ۱۸۳؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، روزه بر شما مقرّر شده است.

[۶] (۲)- مجمع البیان، تفسیر آیه ۱۸۳ سوره بقره ..

[۷] (۱). حکومت آمریکا در مدّت چهارده سال شدیدترین مبارزات را بر ضدّ می‌گساری انجام داد و بیش از شصت میلیون دلار صرف تبلیغات نموده، و ده میلیون صفحه مطبوعاتی در زیان شراب انتشار داد، و دویست و پنجاه میلیون دلار برای اجرای قانون منع مسکرات صرف کرد؛ و سه هزار نفر را اعدام و ۵۳۲۳۳۵ نفر را زندانی و ۱۶ میلیون جریمه گرفت؛ و بیش از چهارصد میلیون اموال را مصادره کرد؛ ولی تمام این تدابیر حکومت شکست خورد و نتوانست از می‌گساری جلوگیری کند. چرا که تنها منع قانونی و حکومتی نمی‌تواند هوی و هوس و طغیان شهوات و غرایز بشر را فرو نشاند؛ در حالی‌که چون تعالیم اسلام بر اساس محکم ایمان به خدا قرار دارد، چهارده قرن است با کمال آسانی و بدون دردسر و خسارت، این موضوع را حل کرده است.(از کتاب« ماذا خسرالعالم بانحطاط العالم الاسلامی»؛ ص ۸۰) ..

[۸] (۱). سوره مائده، آیه ۸؛ البتّه نباید دشمنی گروهی، شما را بر آن دارد که عدالت نکنید. عدالت کنید که آن به تقوا نزدیکتر است ..

[۹] (۱). سوره نساء، آیه ۱۳۵؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، پیوسته به عدالت قیام کنید و برای خدا گواهی دهید، هر چند به زیان خودتان یا[به زیان پدر و مادر و خویشاوندان شما] باشد.

[۱۰] (۲). مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۵۰۲؛ روزه بگیرید تا سالم بمانید.

[۱۱] (۳). برای آگاهی از فواید جسمی و بهداشتی روزه، ر. ک« اهمیت روزه از نظر علم روز»؛ دکتر صبور اردوبادی و کتب دیگر ..

[۱۲] (۱). راجع به جمله شریفه« ... لعلکم تتقون»، ر. ک: مقالات آتی ..

[۱۳] (۱). راجع به جمله شریفه« شهر رمضان ...»، ر. ک: مقالات آتی.

[۱۴] (۲). مجمع البحرین، لغت سمح؛ مبعوث نشدم به گوشه‌گیری و ریاضت‌های سخت بلکه مبعوث شدم به دینی خالص و آسان ..

[۱۵] (۱). برای بیرون رفتن جانم می‌گریم؛ برای تاریکی قبرم می‌گریم؛ برای تنگی لَحَدم می‌گریم؛ برای سؤال منکر و نکیر از من، می‌گریم؛ برای بیرون شدنم از قبر، برهنه و خوار با بار سنگین گناه بر دوشم می‌گریم ....

[۱۶] (۱). خدایا! امیدم را محقّق ساز، و بیم مرا ایمن گردان؛ زیرا با بسیاری گناه به جز عفو تو امید ندارم.

[۱۷] (۲)- معبود من! آن گاه که برهانم قطع شود و زبانم از جوابت کُند گردد و در هنگام پرستش تو عقلم برود بر من رحم کن. پس ای بزرگ! امید من! مرا ناامید مکن؛ آن گاه که نیازم به تو شدید شود ..

[۱۸] (۱)- معبود من! آقای من! به عزّت و جلالت سوگند که اگر مرا به گناهانم بازخواست کنی، من البتّه به عفوت، تو را خواستار می‌شوم و اگر به پستی من، مرا بازخواست نمایی، البتّه من تو را به کرمت خواهان می‌گردم ..

[۱۹] (۱). ای پذیرنده توبه! ای بزرگ نعمت! ای قدیم الإحسان! پرده پوشی نیک تو کجاست؟! گذشت با جلالَت تو کجاست؟! گشایش نزدیک تو کجاست؟ فریاد رسی شتابان تو کجاست؟ رحمت با وسعت تو کجاست؟.

[۲۰] (۱). سوره قصص، آیه ۸۳؛ آن سرای آخرت را برای کسانی قرار می‌دهیم که در زمین خواستار برتری و فساد نیستند، و فرجام خویش از آنِ پرهیزکاران است ..

[۲۱] (۱). مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۶ ..

[۲۲] (۱). نهج البلاغه، خطبه ۱۷۴.

[۲۳] (۲). گواهی امیرالمؤمنین علیه‌السّلام که به اتّفاق، رئیس فصحاء و سید بلغاء است، در اعجاز و بلاغت و فصاحت و جامعیت قرآن استوارترین دلیل است بر آن که: قرآن کلام خدا و معجزه باقیه خاتم الانبیاء صلّی‌الله علیه وآله وسلّم است و ستایش و تعظیم شخصیتی مانند آن حضرت در برابر عظمت قرآن، دلیل آن است که این کتاب در عالی‌ترین مرتبه فصاحت و بلاغت و بیان و معانی و معارف قرار دارد و دست بشر از آوردن مثل آن کوتاه است. نهج البلاغه را مطالعه کنید و ببینید علی که یکّه تاز میدان سخن و معنی و حکمت و بیان است، چگونه در برابر آیات قرآن سر تعظیم فرود می‌آورد و از آن مدح و ستایش می‌نماید. و چگونه قرآن در زوایا و نهانی‌های روح او نفوذ و تجلّی کرده و ممتازترین نمونه مسلمان قرآنی از گریبان او سر برون کرده و به جهانیان جمال زیبای حقیقت و تربیت قرآن را نشان می‌دهد ..

[۲۴] (۱). سوره بقره، آیه ۲۳ ..

[۲۵] (۱). جز تنی چند که ناتوانی خود را آشکارتر ساخته و ورودشان در این میدان توجه خود آنها و دیگران را به بلاغت و اعجاز قرآن بیشتر کرد.

[۲۶] (۲). سوره اسراء، آیه ۸۸: بگو:« اگر انس و جن گرد آینـد تا نظیر قرآن را بیاورند، مانند آن را نخواهند آورد، هر چند برخی از آنها پشتیبان برخی دیگر] باشند.».

[۲۷] (۱). سوره بقره، آیه ۲۴: پس اگر نکردید و هرگز نمی‌توانید کرد ..

[۲۸] (۱)- المعجزه الخالده، علّامه شهرستانی، ص ۱۲، مؤلّف، این کتاب را به مرحوم آیت الله العظمی آقای بروجردی قدس‌سرّه اهدا کرده است. مطالعه این کتاب، در عین اختصار، برای علاقه‌مندان سودمند است؛ اگر خواستی که بر همانندان خود برتری جویی در علم و ادب و فن سخن(مثل نامه‌نگاری و هر گونه خلق سخن) بر تو باد به حفظ قرآن و نهج البلاغه ..

[۲۹] (۱). همان، ص ۲۶.

[۳۰] (۲). همان، ص ۲۶.

[۳۱] (۳). همان، ص ۲۶.

[۳۲] (۴). همان، ص ۲۷.

[۳۳] (۵). همان، ص ۲۷ ..

[۳۴] (۱). همان، ص ۲۷.

[۳۵] (۲). همان، ص ۲۷.

[۳۶] (۳). الاسلام والعلم الحدیث، ص ۶۹.

[۳۷] (۴). المعجزه الخالده، ص ۲۸.

[۳۸] (۵). همان، ص ۲۹..

[۳۹] (۱). همان، ص ۳۰.

[۴۰] (۲). الاسلام و العلم الحدیث، ص ۶۹.

[۴۱] (۳). محمّد رسولا نبیاً، ص ۸۹.

[۴۲] (۴). القرآن والمجتمع الحدیث، ص ۲۹ ..

[۴۳] (۱). الاسلام والعلم الحدیث، ص ۶۹.

[۴۴] (۲). همان، ص ۷۰.

[۴۵] (۳). مجله الوعی الاسلامی، شماره ۵۱، ص ۲۵ ..

[۴۶] (۱). الوعی الاسلامی، شماره ۵۱، ص ۲۶ و ۲۷ و از ابیات این قصیده است:

مَن ذا یجاذبه الفِخار وقَد حَمیامّ اللغات وَشرَّفُ العربانا

امحمدٌ وَالمجدِ نسَج رِدائهِمَجدَّتَ فِی تَعلیمِکَ الانسانا

وَسحقتَ رأس الشِّرحِین وَطَئتهوَزَرعتَ فِی قَلبِ العَتّی حَنانا

وَنشَرتَ ذِکرالله فِی امّیهثَنِیه وَنَفَحتها الایمانا .

[۴۷] (۱). بحار، ج ۳۵، ص ۱۸۴، ح ۲؛ همانا من در میان شما دو چیز گران‌سنگ باقی می‌گذارم، کتاب خدا و عترتم مادام که به آن دو تمسک جویید هرگز گمراه نخواهید شد ..

[۴۸] (۱). کافی، ج ۲، ص ۵۹۹؛ هر کس قرآن را پیشاپیش خود رهبر قرار دهد، او به بهشت رهنمون می‌شود ..

[۴۹] (۱). قرآن کتاب من است ..

[۵۰] (۱). سوره محمّد، آیه ۷؛ اگر خدا را یاری کنید یاریتان می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌دارد ..

[۵۱] (۱). این مقاله تحت عنوان(شهر رمضان ...) در مجلّه مسجد اعظم سال دوم، شماره دهم، ص ۲۳- ۱۷ در رمضان المبارک ۱۳۸۶ ه- ق چاپ شده است ..

[۵۲] (۱). کافی، ج ۲، ص ۱۹ ..

[۵۳] (۱). در این جمله که در دعاها مکرّر می‌خوانیم:« ورضنی من العیش بما قسمت لی»، خدایا مرا از زندگی به آنچه روزیم کردی راضی بدار؛ تأمّل فرمایید ..

[۵۴] (۱). در بعض کشورهای اسلامی حتّی ترکیه، گاه افسران ارتش و هیأت وزیران و سران کشورها در نماز جماعت شرکت می‌کنند و مثل افراد عادی در هر صف و در کنار هر شخصی که باشد، می‌ایستند و مقام خود را در این هنگام به حساب نمی‌آورند ..

[۵۵] (۱). مقصود، روزه ماه رمضان است ..

[۵۶] (۱). پروردگار من و پروردگار تو خدایی است که پروردگار عالمیان است.

[۵۷] (۲). بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۳۵۶، ح ۳۵، چاپ بیروت؛ و رمضان ماهای است که شما در آن به مهمانی خدا دعوت شده‌اید و در آن از اهل کرامت خدا قرار داده شده‌اید ..

[۵۸] (۱). وافی ج ۷، ص ۵۴؛ ممکن است باز شدن درهای بهشت و بسته شدن درهای آتش در این ماه، اشاره باشد به فراهم بودن اسباب اطاعت و عبادت و فراهم نبودن اسباب معصیت به واسطه مراسم و آداب روزه چنان چه مغلول شدن شیاطین نیز ممکن است اشاره به این معنی باشد؛ زیرا وسایل اغوا و انحراف و پیروی از شهوات در این ماه کم می‌شود و وسایل جلب توفیق زیاد می‌گردد و اگر ظاهر حدیث هم مراد باشد، اشکالی ندارد.

[۵۹] (۲). کتب ادعیه؛ خدایا هلال ماه مبارک را بر من بنمایان، با امنیت و ایمان و سلامت و اسلام و درجه عالی عافیت و دفع بیماری‌ها و کمک بر نماز و شب‌زنده‌داری و تلاوت قرآن، خدایا ما را برای ماه رمضان سالم بدار و آن را از شر ماه سالم بدار و ما را در آن سالم بدار تا ماه رمضان تمام شود در حالی کهم ما را عفو کردی وما را مشمول غفرت و رحمت خود کردی ..

[۶۰] (۱). سوره الرّحمن، آیه ۳۳؛ ای گروه جنّیان و انسیان، اگر می‌توانید از کرانه‌های آسمان‌ها و زمین به بیرون رخنه کنید، پس رخنه کنید.[ولی جز با] به دست آوردن تسلّطی رخنه نمی‌کنید.

[۶۱] (۲). سوره نحل، آیه ۱۲؛ و شب و روز و خورشید و ماه را برای شما رام گردانید، و ستارگان به فرمان او مسخّر شده‌اند. مسلّماً در این امور] برای مردمی که تعقّل می‌کنند نشانه‌هاست ..

[۶۲] (۱). سوره لقمان، آیه ۲۰؛ آیا ندانسته‌اید که خدا آنچه را که در آسمان‌ها و آنچه را که در زمین است، مسخّر شما ساخته و نعمت‌های ظاهر و باطن خود را بر شما تمام کرده است؟

[۶۳] (۲). سوره جاثیه، آیه ۱۳؛ و آنچه را در آسمان‌ها و آنچه را در زمین است به سود شما رام کرد؛ همه از اوست. قطعاً در این امر] برای مردمی که می‌اندیشند نشانه‌هایی است ..

[۶۴] (۱). سوره آل عمران، آیه ۸۵؛ و هر که جز اسلام، دین دیگر] جوید، هرگز از وی پذیرفته نشود، و وی در آخرت از زیانکاران است ..

[۶۵] (۱). مفاتیح الجنان؛ راضیم به خدای متعال از این جهت که پروردگار من باشد، حضرت محمد نبی، اسلام دینم، قرآن کتابم، کعبه قبله‌ام، امیر المؤمنین و اولاد طاهرینش پیشوایان من باشند ..

[۶۶] (۱) سوره توبه، آیه ۷۵؛ و از آنان کسانی‌اند که با خدا عهد کرده‌اند که اگر از کرم خویش به ما عطا کند، قطعاً صدقه خواهیم داد و از شایستگان خواهیم شد.

[۶۷] (۲). تفسیر مجمع البیان.

[۶۸] (۳). سوره بقره، آیه ۲۴۵؛ کیست آن کسی که به بندگان خدا وام نیکویی دهد تا[خدا] آن را برای او چند برابر بیفزاید؟ و خداست که در معیشت بندگان تنگی و گشایش پدید می‌آورد؛ و به سوی او باز گردانده می‌شوید.

[۶۹] (۴). مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۲۶۲ ..

[۷۰] (۱). تفسیر مجمع البیان ..

[۷۱] (۱). سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۲۶۷ و ۲۶۸.

[۷۲] (۲). سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۲۶۸ ..

[۷۳] (۱). نظم در السمطین، ص ۱۹۰ و ۱۹۱ ..

[۷۴] (۱). سوره آل عمران، آیه ۱۹؛ در حقیقت، دین نزد خدا همان اسلام است ..

[۷۵] (۱). سوره بقره، آیه ۲؛ این است کتابی که در[حقّانیت آن هیچ تردیدی نیست؛[و] مایه هدایت تقوا پیشگان است.

[۷۶] (۲). سوره طلاق، آیات ۲ و ۳؛ و هر کس از خدا پروا کند،[خدا] برای او راه بیرون شدنی قرار می‌دهد. و از جایی که حسابش را نمی‌کند، به او روزی می‌رساند ..

[۷۷] (۱). سوره طلاق، آیه ۴؛ و هر کس از خدا پروا دارد[خدا] برای او در کارش تسهیلی فراهم سازد.

[۷۸] (۲). سوره انفال، آیه ۲۹؛ اگر از خدا بپرهیزید برای شما وسیله‌ای جهت جدا ساختن حق از باطل قرار می‌دهد ..

[۷۹] (۱). سوره بقره، آیه ۱۸۵؛ خدا برای شما آسانی می‌خواهد ..

[۸۰] (۱). سوره ۳۰، آیه ۳۰؛ پس روی خود را، با گرایش تمام به حق، به سوی این دین کن، با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است ..

[۸۱] (۱). سوره ۲۲، آیه ۷۸؛ و در دین بر شما سختی قرار نداده است.

[۸۲] (۲). سوره ۴، آیه ۲۸؛ خدا می‌خواهد تا بارتان را سبک کند.

[۸۳] (۳). سوره ۶، آیه ۱۱۹؛ جز آنچه بدان ناچار شده‌اید.

[۸۴] (۴). سوره ۳، آیه ۲۸؛ مگر اینکه از آنان به نوعی تقیه کنید.

[۸۵] (۵). سوره ۲، آیه ۱۸۵؛ خدا برای شما آسانی می‌خواهد و برای شما دشواری نمی‌خواهد.

[۸۶] (۶). سوره ۵، آیه ۶. خدا نمی‌خواهد برای شما تنگ بگیرد، لیکن می‌خواهد شما را پاک، و نعمتش را بر شما تمام گرداند، باشد که سپاس او] بدارید.

[۸۷] (۷). سوره ۲، آیه ۲۸۶؛ خدا هیچ کس را جز به قدر توانایی‌اش تکلیف نمی‌کند.

[۸۸] (۸). سوره ۶۵، آیه ۷؛ خدا هیچ کس را جز[به قدر] آنچه به او داده است تکلیف نمی‌کند ..

[۸۹] (۱). بحارالانوار، ج ۲، ص ۲۷۶.

[۹۰] (۲). همان، ج ۷۷، ص ۱۵۵؛ از امت من نه چیز برداشته شده ...

[۹۱] (۳). غوالی الثالی، ج ۱، ص ۲۸۱؛ آسان بگیرید و سخت نگیرید و ...

[۹۲] (۴). وافی، ح ۶، ص ۶۹؛ بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۱۳۶؛ مبعوث شدم به دین خالص آسان ..

[۹۳] (۱). پس شقی و بدبخت کسی است که در این ماه با عظمت(ماه رمضان) از غفران و بخشش الهی محروم شود.

[۹۴] (۲). وافی، ج ۷، ص ۴۱ ..

[۹۵] (۱). سوره بقره، آیه ۷؛ خداوند بر دل‌های آنان، و بر شنوایی ایشان مُهر نهاده؛ و بر دیدگانشان پرده‌ای است.

[۹۶] (۲). سوره اعراف، آیه ۲۰۱؛ در حقیقت، کسانی که از خدا] پروا دارند، چون وسوسه‌ای از جانب شیطان به ایشان رسد[خدا را] به یاد آورند و بناگاه بینا شوند ..

[۹۷] (۱). امالی طوسی، ص ۵۲۷؛ همانا مؤمن گناهش را همانند سنگ و صخره‌ای می‌بیند که ترس از آن دارد که بر روی او فرود آید.

[۹۸] (۲). نهج البلاغه، ج ۳، ص ۲۰۸، کلمه ۲۵۳؛ و روزه امتحانی است برای بخشش اخلاص خلق ..

[۹۹] (۱). المحجّه البیضاء، ج ۲، ص ۱۲۲. و وافی، ج ۳، ص ۲۰، باب: حدود اللایمان والاسلام و دعائمهما ..

[۱۰۰] (۱). خدایا! از تو درخواست می‌کنم ایمانی ثابت که همیشه در قلبم برقرار باشد.

[۱۰۱] (۲). از دعای ابی حمزه: معبود من! اگر مرا در قیود در بند کنی، و در بین گواهان عطایت را از من بازگیری؛ و چشم‌های بندگان را بر رسوایی‌های من دلالت دهی؛ و فرمان دهی مرا به سوی آتش برند، و میان من و نیکان حایل شوی، امیدم را از تو نمی‌گیرم و آرزویم را از عفو تو برنمی‌گردانم. و دوستی تو از دلم بیرون نمی‌رود. من نعمت‌های تو را- که در نزد خود دارم- فراموش نمی‌کنم ..

[۱۰۲] (۱). دعای ماه مبارک رمضان؛ خدایا! بر اهل قبول شادی و سرور عطا کن، خدایا هر نیازمندی را بی‌نیاز کن خدایا هر گرسنه‌ای را سیر کن ..

[۱۰۳] (۱). تفسیر التبیان، ج ۱، ص ۳۳۲؛

[۱۰۴] (۱). سوره آل عمران، آیه ۱۳۹؛ و اگر مؤمنید، سستی مکنید و غمگین مشوید، که شما برترید ..

[۱۰۵] (۱). نهج البلاغه، ص ۲۶۱، ج ۳، کلمه ۴۵۶ ..

[۱۰۶] (۱). سوره اعراف، آیه ۱۵۷: و از[دوش آنان قید و بندهایی را که بر ایشان بوده است برمی‌دارد ..

[۱۰۷] (۱). سوره نحل، آیه ۳۶؛ و در حقیقت، در میان هر امّتی فرستاده‌ای برانگیختیم تا بگوید:[« خدا را بپرستید و از طاغوت / فریبگو] بپرهیزید.»

[۱۰۸] (۲). سوره قصص، آیه ۸۳؛ آن سرای آخرت را برای کسانی قرار می‌دهیم که در زمین خواستار برتری و فساد نیستند، و فرجام خوش از آن پرهیزکاران است ..

[۱۰۹] (۱). سوره بقره، آیات ۲۱ و ۲۲؛ ای مردم، پروردگارتان را که شما، و کسانی را که پیش از شما بوده‌اند آفریده است، پرستش کنید؛ باشد که به تقوا گرایید.
همان خدایی که زمین را برای شما فرشی گسترده ، و آسمان را بنایی افراشته قرار داد؛ و از آسمان آبی فرود آورد؛ و بدان از میوه‌ها رزقی برای شما بیرون آورد؛ پس برای خدا همتایانی قرار ندهید، در حالی که خود می‌دانید ..

[۱۱۰] (۱). سوره بقره، آیه ۴۵ ..

[۱۱۱] (۱). وافی، ج ۷، ص ۶، ب ۲.

[۱۱۲] (۲). همان ..

[۱۱۳] (۱). سوره فرقان، آیه ۴۳؛ سوره جاثیه، آیه ۲۳؛ آیا آن کس که هوای نفس خود را معبود خویش گرفته است دیدی؟.

[۱۱۴] (۱). از کلام امیرالمؤمنین علیه السّلام و در یکی از خطبه‌هایی که شایسته است هر شیعه آزادی‌خواه آن را حفظ داشته باشد:« وَانَّ مِن اسخَفِ حالاتِ الوُلاةِ عِندَ صالحِ الناس ان یُظَنَّ بِهم حُبُّ الفَخرِ وَیُوضَعُ امرُهم عَلَی الکِبرِ وَقَد کرِهتُ ان یکُونَ جالَ فِی ظَنِّکم انِّی احِبُّ الاطراء وَاستِماعَ الثَّناء وَلَستُ بِحَمْدِاللهِ کَذَلکَ(الی ان قال) فَلا تُکَلِّمُونِی بما تکلمُ بِهِ الجَبابِرةَ وَلا تَتَحَفَظُوا مِنِّی بِما یُتَحفَّظُ بِهِ عِنْدَ اهلِ البادرةِ(الی ان قال) فَانَّمااَنَا وَانْتُمْ عَبیدُ مَملُوکُونَ لِرَبٍّ لا رَبَّ غَیره»؛ همانا از پست‌ترین حالات زمامداران در نزد صالحان این است که گمان برند آنها دوستدار ستایش‌اند و کشورداری آنان در بر کبر و خودپسندی استوار باشد و خوش ندارم در خاطر شما بگذرد که من ستایش را دوست دارم و خواهان شنیدن آن می‌باشم و سپاس خدای را که چنین نبودم(تا آنجا که فرمود) پس با من چنان کمه با پادشان سرکش سخن می‌گویند حرف نزنید و چنانکه از آدم‌های خشمگین کناره می‌گیرند دوری بجویید(تا آنجا که فرمود) پس همانا من و شما بندگان و مملوک پروردگاریم که جز او پروردگاری نیست. نهج‌البلاغه، خطبه ۲۱۴.

[۱۱۵] (۲). سوره بینه، آیه ۵؛ و فرمان نیافته بودند جز این که خدا را بپرستند، و در حالی که به توحید گراییده‌اند ..

[۱۱۶] (۱). وافی، ج ۷، ص ۵، ب ۱؛ روزه برای من است و من جزای او هستم.

[۱۱۷] (۲). از گنج دانش مرحوم آیت‌الله والد قدّس سرّه ..

[۱۱۸] (۱). وافی، ج ۷، ص ۳۳، ب ۳۴.

[۱۱۹] (۲). کافی، ج ۳، ص ۸۸ ..

[۱۲۰] (۱). سوره غافر، آیه ۶۰؛ و پروردگارتان فرمود:« مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم. در حقیقت، کسانی که از پرستش من کبر می‌ورزند به زودی خوار در دوزخ درمی‌آیند ..

[۱۲۱] (۱). سوره انعام، آیه ۴۰ و ۴۱؛ بگو:« به نظر شما، اگر عذاب خدا شما را در رسد یا رستاخیز شما را دریابد، اگر راست گویید، کسی غیر از خدا را می‌خوانید؟»[نه،] بلکه تنها او را می‌خوانید، و اگر او بخواهد رنج و بلا را از شما دور می‌گرداند، و آنچه را شریک او] می‌گردانید فراموش می‌کنید.

[۱۲۲] (۲). از مرحوم آیت‌الله والد قدّس سرّه نویسنده گنج دانش ..

[۱۲۳] (۱). اشاره به آیه کریمه\:i(مَن ذَاالَّذِی یُقْرِضُ اللهَ قَرضاً حَسَناً\).E.

[۱۲۴] (۱). نفس المهموم، ص ۱۲۷ ..

[۱۲۵] (۱). سوره فصّلت، آیه ۵۱؛ و چون انسان را نعمت بخشیم، روی برتابد و خود را کنار کشد، و چون آسیبی بدو رسد دست به دعای فراوان بردارد ..

[۱۲۶] (۱). حدیث نبوی؛ بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۰۰.

[۱۲۷] (۲). کافی، ج ۲، ص ۴۶۸ ..

[۱۲۸] (۱). شرح نهج البلاغه عبده، ج ۲، ص ۷۲، کتاب ۴۵؛ به خدا سوگند اگر عرب پشت در پشت هم دهند بر کشتن من، پشت بر آنها نمی‌کنم.

[۱۲۹] (۲). فرصت همچون ابر می‌گذرد.

[۱۳۰] (۳). سوره غافر، آیه ۶۰؛ در حقیقت، کسانی که از پرستش من کبر می‌ورزند به زودی خوار در دوزخ در می‌آیند.

[۱۳۱] (۴). سوره نور، آیه ۳۱؛ ای مؤمنان، همگی از مرد و زن به درگاه خداوند توبه کنید، امید که رستگار شوید ..

[۱۳۲] (۱). موریس در کنار جزیره رئوینون در اقیانوس هند قرار گرفته است.

[۱۳۳] (۲). روزنامه کیهان، ش ۷۸۴۳، ۲۰ شهریور ۱۳۴۸، ص ۹ ..

[۱۳۴] (۱). غررالحکم، ج ۳، ص ۴۰۲.

[۱۳۵] (۲). سنایی غزنوی در این باره می‌سراید:

به حرص ار شربتی خوردم مگیر از من که بد کردم‌بیابان بود و تابستان و آب سرد و استسقا [۱۳۶] (۳). توحید صدوق، ص ۴۰۸؛ هر کس از گناه انجام داده، پشیمان نشود مؤمن نیست ..

[۱۳۷] (۱). کافی، ج ۲، ص ۴۲۶؛ و برای توبه، پشیمانی از گناه کفایت می‌کند.

[۱۳۸] (۲). سوره زمر، آیه ۵۳؛ بگو: ای بندگان من- که بر خویشتن زیاده‌روی داشته‌اید- از رحمت خدا نومید مشوید. در حقیقت، خدا همه گناهان را می‌آمرزد، که او خود آمرزنده مهربان است.

[۱۳۹] (۳). طریق الی الله، ص ۱۷۳ و ۱۷۲ ..

[۱۴۰] (۱). سوره النساء، آیه ۱۱۰.

[۱۴۱] (۲). سوره الانعام، آیه ۵۴.

[۱۴۲] (۳). بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۳۵۶ ..

[۱۴۳] (۱). بحارالانوار، ج ۹۱، ص ۷۲؛ و همانا قصدکننده به سوی تو راهش نزدیک است..

[۱۴۴] (۱). مفاتیح الجنان، دعای ابوحمزه؛ آقای من! من از تو می‌خواهم آنچه سزاوارم نیستم و تو اهل تقوا و ااهل آمرزشی، بیامرز مرا و جامه عفوت را بر من بپوشان به طوری که فرا گیرد پیکرها را و بیامرز آنها را برایم و به دنبال آنه نروم زیرا تو صاحب منت دیرینه‌ای و صاحب گذشت بزرگ و کرامتی.

[۱۴۵] (۲). سوره قدر، آیه ۱؛ ما[قرآن را] در شب قدر نازل کردیم.

[۱۴۶] (۳). سوره دخان، آیه ۳؛[که ما آن را در شبی فرخنده نازل کردیم ..

[۱۴۷] (۱). دعای فرج امام زمان علیه السلام ..

[۱۴۸] (۱). سوره فاطر، آیه ۳۲؛ سپس این کتاب را به آن بندگان خود که آنان را] برگزیده بودیم، به میراث دادیم ..

[۱۴۹] (۱). سوره آل عمران، آیه ۶۴؛ بیایید بر سر سخنی که میان من و شما یکسان است بایستیم که: جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم، و بعضی از ما بعضی دیگر را به جای خدا به خدایی نگیرید ..

[۱۵۰] (۱). سوره الحجرات، آیه ۱۳؛ ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم، و شما را ملّت ملّت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. در حقیقت ارجمندترین شما در نزد خدا پرهیزکارترین شما است ..

[۱۵۱] (۱). سوره النحل، آیه ۹۰؛ در حقیقت، خدا به دادگری و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان فرمان می‌دهد و از کار زشت و ناپسند و ستم باز می‌دارد. به شما اندرز می‌دهد، باشد که پند گیرید.

[۱۵۲] (۲). سوره الطلاق، آیه ۳؛ و هر کس بر خدا اعتماد کند او برای وی بس است.

[۱۵۳] (۳). سوره غافر، آیه ۴۴؛ و کارم را به خدا می‌سپارم؛ خداست که به حال بندگان خود] بیناست.

[۱۵۴] (۴). سوره بقره، آیه ۲۱۶؛ و بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و آن برای شما خوب است، و بسا چیزی را دوست می‌دارید و آن برای شما بد است، و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید ..

[۱۵۵] (۱). سوره توبه، آیه ۵۱؛ بگو:« جز آنچه خدا برای مال مقرّر داشته هرگز به ما نمی‌رسد. او سرپرست ماست.

[۱۵۶] (۲). سوره انشراح، آیه ۵ و ۶؛ پس بدان با دشواری، آسانی است. آری، با دشواری، آسانی است ..

[۱۵۷] (۱). حدیث نبوی، الجامع الصغیر، ج ۲، ص ۱۳۴.

[۱۵۸] (۲). عیون اخبار الرضا، ج ۱، ب ۲۲، ص ۲۲۶؛ ایمان شناخت و معرفت به واسطه قلب و اقرار به زبان و عمل با اعضا و ارکان(بدن) است.

[۱۵۹] (۳). سوره الانفال، آیه ۲؛ مؤمنان، همان کسانی‌اند که چون خدا یاد شود دلهایشان بترسد، و چون آیات او بر آنان خوانده شود بر ایمانشان بیفزاید، و بر پروردگار خود توکّل می‌کنند ..

[۱۶۰] (۱). سوره النساء، آیه ۶۵؛ ولی چنین نیست، به پروردگارت قسم که ایمان نمی‌آورند، مگر آنکه تو را در مورد آنچه میان آنان مورد اختلاف است داور گردانند؛ سپس از حکمی که کرده‌ای در دل‌هایشان احساس ناراحتی و تردید] نکنند، و کاملًا سر تعظیم فرود آورند.

[۱۶۱] (۲). سوره مائده، آیه ۴۴؛ و کسانی که به موجب آنچه خدا نازل کرده داوری نکرده‌اند، آنان خود کافرند ..

[۱۶۲] (۱). سوره احزاب، آیه ۲۱: قطعاً برای شما در اقتدا به رسول خدا سرمشقی نیکوست؛ برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد ..

[۱۶۳] (۱). سعدی.

[۱۶۴] (۲). کافی، ج ۱، ص ۳۲؛ هنگامی که خداوند بخواهد به بنده‌اش خیر برساند او را در دین فقیه می‌کند و رشد و شکوفایی‌اش را به او الهام می‌کند..

[۱۶۵] (۱). خدایا! به ما در ماه رمضان توفیق عمل به اسلام عطا فرما؛ و روزه و قیام در این ماه روزیمان فرما و ما را به راه مستقیم خودت هدایت فرما؛ به حق محمد و آل پاک و طاهرش که درود و صلوات تو بر ایشان باد ..

[۱۶۶] (۱). می‌خواهم از تو به حق این روز(عید فطر) که آن روزی که آن را برای مسلمانان عید قرار دادی ..

[۱۶۷] (۱). بحارالانوار، ج ۱۹، ح ۱۸۲؛ آفرین به قومی که جهاد اصغر را انجام دادند و بر آنها جهاد اکبر باقی ماند ..

[۱۶۸] (۱). بدتر از مسیحی‌ها، مسلمان نماهایی هستند که در این مراسم کثیف و آلوده شرکت می‌کنند و استقلال اسلامی و ملّی خود را بر باد می‌دهند. مانند زمان قبل از انقلاب که برخی از مسلمانان، در کاباره‌های متعدّد نام نویسی می‌کردند و زن و بچّه خود را در این مجالس فساد می‌بردند. عجیب‌تر این که در جراید آن زمان نوشتند: بسیاری از مسیحی‌ها از شرکت در مجالس عمومی این مراسم خودداری کردند و ایرانیان مسلمان بیشتر در این مجالس آلوده شرکت داشتند.

آیا این است معنی استقلال و تجدّد؟ و آیا این است زندگی شرافتمندانه؟! آیا این کارها است که سبب پیشرفت یک ملّت و رشد مملکت می‌شود؟ آیا اگر دیگران هر کار غلط و زشتی داشته باشند، ما نیز باید از آن تقلید کنیم و آن را ترویج نماییم؟.

[۱۶۹] (۱). این تصوّر اشتباه پدید نیاید که ما می‌خواهیم از بزرگداشت حقّ مادر یا عنوان‌های مقدّس و محترم دیگر- که در یک روز سال انجام می‌شود- انتقاد کنیم؛ چون به این مقدار هم اگر با حقیقت توأم باشد تا حدّی حق‌شناسی خداپسندانه است؛ بلکه قصد ما طرح این نکته است که اگر باید مثلا حقّ مادر محترم شناخته شود و مقام معلّم مورد تعظیم واقع گردد، چرا به تعالیم عالیه اسلام و قرآن مجید تکیه نکنیم و چرا از عواطف اسلامی جامعه- که هنوز هم بحمدالله در دل‌ها باقی است- استفاده نمی‌نماییم و

چرا وضع تعلیم و تربیت را طوری قرار داده‌ایم که التزامات اخلاقی و دینی و وجدانی سست شده، تا آن جا که حقِّ مادران هم فراموش شود. بیایید اهل حقیقت باشیم و به راستی و از کُنه باطن، رضایت پدر و مادر را بخواهیم ..

[۱۷۰] (۱). و درآور این روز مرا در هر چیزی که محمد و آل او را داخل کردی و اینکه بیرون کنی مرا از هر بوی که محمد و آل او را از آل خارج ساختی ..

[۱۷۱] (۱). ص ۱۳۶.

[۱۷۲] (۲). پرسید یا امیر المؤمنین! آیا در روز عید نان خشک می‌خوری؟

[۱۷۳] (۳). نهج البلاغه، ج ۴، ص ۱۰۰ ..

[۱۷۴] (۱). مستدرک الوسایل، ج ۶، ص ۱۵۴ ..

[۱۷۵] (۱). اشعار از نگارنده ..

[۱۷۶] (۱). اشعار از نگارنده.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹